

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل هفتم

مندرج در دفتر اول جلد سوم



توفان و کنفدراسیون جهانی

## دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)



---

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

تارنما: [www.toufan.org](http://www.toufan.org) و [www.toufan.de](http://www.toufan.de)

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf

---



**PLI (Toufan)**

## فهرست

|                                                                                                                                          |    |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|
| توفان و کنفدراسیون جهانی .....                                                                                                           | ۱  |
| سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۲  |
| گزارش مختصر یک سال فعالیت شعبه دانشجویی .....                                                                                            | ۲  |
| سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۴  |
| گزارش مبارزه افشاءگرانه در اسکاندیناوی .....                                                                                             | ۴  |
| سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۶  |
| به پاسداری از کنفدراسیون بپاخیزیم .....                                                                                                  | ۶  |
| سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۹  |
| قطعه‌نامه درباره توطئه رژیم علیه کنفدراسیون .....                                                                                        | ۹  |
| سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۱۳ |
| گزارش کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) .....                                                       | ۱۳ |
| سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۱۷ |
| انشعاب ارتجاعی و محکوم به شکست است .....                                                                                                 | ۱۷ |
| سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۲۲ |
| مواضع سازمان دانشجویان و محصلین ایرانی در گرونوبل .....                                                                                  | ۲۲ |
| سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۳۲ |
| خط مشی سازمان توفان در قبال کنفدراسیون .....                                                                                             | ۳۲ |
| ما و کنفدراسیون .....                                                                                                                    | ۳۲ |
| سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                              | ۳۶ |
| متن نامه تاریخی سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان به رفیق مائوتسه دون و رفیق چوئن لای نخست وزیر و وزیر امور خارجه جمهوری توده‌ای چین ..... | ۳۶ |
| سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                             | ۴۸ |
| گزارش سفر به آلبانی مورخ ۶ مه ۱۹۷۱ .....                                                                                                 | ۴۸ |
| سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                             | ۵۳ |
| نامه سرگشاده کنفدراسیون جهانی به دولت جمهوری توده‌ای چین .....                                                                           | ۵۳ |
| سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                             | ۵۶ |
| طرح‌ها و مسائلی چند برای کنگره امسال .....                                                                                               | ۵۶ |
| سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                             | ۵۹ |
| گزارش یک سال فعالیت روزنامه ارگان (از ژوئیه ۱۹۷۱ تا ژوئیه ۱۹۷۲) .....                                                                    | ۵۹ |
| سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم .....                                                                                             | ۶۱ |

- گزارش یک ساله فعالیت شعبه روابط خارجی..... ۶۱
- سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم ..... ۶۷
- یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی- لنینیستی ایران..... ۶۷
- سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم ..... ۷۵
- ترازبندی فعالیت پنج سال کار و کوشش ..... ۷۵
- سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم ..... ۷۸
- نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" نشریه‌ی شماره ۹، سازمان مارکسیستی- لنینیستی توفان ..... ۷۸
- گزارش فعالیت یک ساله..... ۷۸

# توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در دفتر نخست جلد سوم

## سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (وضعیت روانی و سیاسی بعد از ممنوعیت کنفدراسیون و مواضع سازمانهای سیاسی)

## گزارش مختصر یک سال فعالیت شعبه دانشجویی

گزارش مختصر یک سال فعالیت شعبه دانشجویی

رئیس هیأت مرکزی

در زیر شرح حالتی که در گذشته میسر از ۲۰۰۰ در پیوند است که در این حالت در گزارش  
 این جداگانه مجموع خود گزارش داده شده است. در این جهت به استحضار شما میسر گردد.

...

۵- بلافاصله پس از اعلام "حکم" کشته راسیون شعبه دانشجویی نظر خود را نسبت به اراکه که در این رابطه  
 جدید جمع به کار برد در جلسه هیأت مرکزی نیز تأیید گردید. شعبه پس از این زمان در جهت  
 بهسازی از لحاظ دیرال برای شروع در این مورد برای یکت حرکت عملی داشت و پیش از  
 سازا در روزهای دیگر در حفظ وحدت و توفیق در مسیر مبارزه با ~~هوا~~ مبارزه نمود. همچنین است  
 همین نکته و حرکت در جهت شروع دیرال، به توفیق از طرح بعضی نظرات مجولانه دیگر  
 ضروری بعضی در بران توفیق.

۶- از جهت اصلی در جلسات شعبه دانشجویی بحث و نتیجه گیری گردیده، یکی سبب تقصیرات ما  
 دانشجویی در میان و ترکیب هسته مرکزی است که با گذشتن هستند. در مورد اینها نیز نظرات  
 انفرادی طبعی، مطالعه حرکت و همچنین تقصیرات ما را انفرادی در مورد ما تا تأثیر داشته اند به  
 حتم است که چنانچه رفتار ما از اشکال تحصیل و زندگی در اینها را دارند می توانند این امر برای  
 سنان ما و هم برای ~~کمیته~~ کمیته سبب باشند. در مورد ترکیب متأسفانه وضعیت کمیته مرکزی  
 سنان دانشجویی را به این پایه می رسد که به است و نه و نه از دانشجویان ایران و آن کشور اخراج گشته  
 در کمال دیرال مختلف اما در بران در سبب هستند. نظر شعبه آنست که کمیته راسیون برای  
 این دانشجویان عملی تا در اینجا کارهای نخواهد بود. باید به رفتار ما که هیچ گونه جوانان از سرگردان اشکال  
 از نه می تحصیل در این و یا کمتر از این گفته تا این حد خود را به این نیست و نه به حسن نگاه بیند.  
 به این ترتیب این نظم سنان

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم  
 مندرج در بخش: (وضعیت روانی و سیاسی بعد از ممنوعیت کنفدراسیون و مواضع سازمانهای سیاسی)  
 گزارش مختصر یک سال فعالیت شعبه دانشجویی

### " گزارش مختصر یک سال فعالیت شعبه دانشجویی

رفقای گرامی هیئت مرکزی:

در زیر به شرح فعالیت‌های عمده سال گذشته می‌پردازم. لازم به توضیح است که اکثر این فعالیت‌ها در گزارش‌های جداگانه به موقع خود گزارش داده شده‌اند. بدین جهت به اشاره مختصر اکتفاء می‌گردد.

...

۵ - بلافاصله پس از "تحریم" کنفدراسیون شعبه دانشجویی نظر خود را نسبت به ادامه کار در شرایط جدید جمع‌بندی کرد و در جلسه هیات مرکزی نیز تأیید گردید. شعبه پس از این زمان در جلسات پیشنهادی که از طرف دبیران برای مشورت در این مورد برپا می‌گشت، شرکت فعال داشت و بیش از سازمان‌ها و نیروهای دیگر در حفظ وحدت و تقویت روحیه پیکارجویی مبارزه نمود. همچنین است پس از کنگره و شرکت در جلسات مشورتی دبیران و جلوگیری از طرح بعضی نظرات عجولانه و غیر ضروری بعضی از دبیران کنونی.

۶ - از جمله مسایلی که در جلسات شعبه دانشجویی بحث و نتیجه‌گیری گردیده، یکی مسئله تضعیف سازمان‌های دانشجویی در ایتالیا و ترکیه هستند که هر کدام به علل گوناگونی هستند. در مورد ایتالیا نفوذ نظریات انحلال طلبی، مطالعه‌گری صرف و همچنین تضعیف "سازمان انقلابی" در رکود سازمان‌ها تأثیر داشته‌اند. شعبه معتقد است که چنانچه رفقای از ما امکان تحصیل و زندگی در ایتالیا را دارند می‌توانند این امر هم برای سازمان ما و هم برای کنفدراسیون مفید باشد. در مورد ترکیه متأسفانه وضعیت سیاسی کنونی ترکیه سازمان دانشجویی را به از هم‌پاشیدگی کشانده است و عده زیادی از دانشجویان ایرانی در آن کشور اخراج گشته‌اند که اکنون در شهرهای مختلف آلمان و بویژه در مونیخ هستند. نظر شعبه آنست که کنفدراسیون برای این دانشجویان عملاً قادر به انجام کاری نخواهد بود. باید به رفقای سازمان توصیه کرد که برای افراد سرگردان امکان زندگی و تحصیل در آلمان و یا کشورهای دیگر فراهم کنند تا این دوستان خود را بدون پشت و پناه احساس ننمایند.

به امید موفقیت‌های عظیم سازمان کیوان " (تکیه از توفان).

## سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (وضعیت روانی و سیاسی بعد از ممنوعیت کنفدراسیون و مواضع سازمانهای سیاسی)

## گزارش مبارزه افشاءگرانه در اسکاندیناوی

## سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (وضعیت روانی و سیاسی بعد از ممنوعیت کنفدراسیون و مواضع سازمانهای سیاسی)

## گزارش مبارزه افشاءگرانه در اسکاندیناوی



" گزارش مبارزه افشاء گرانه در اسکاندیناوی

[www.cisnu.org](http://www.cisnu.org)

مراجعه کنید به شانزدهم آذر ارگان کنفدراسیون جهانی در تارنمای کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

" گزارش مبارزه افشاء گرانه در اسکاندیناوی

جهت گسترش دامنه مبارزات افشاءگرانه کنفدراسیون جهانی علیه رژیم ضد دموکراتیک ایران، و بویژه بهره برداری سیاسی از امکانات مساعدی که در کشورهای اسکاندیناوی (بویژه فنلاند پس از سفر شاه) موجود بود هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی در هشتمین نشست عمومی خود دست به تنظیم برنامه‌ای جهت برقراری ارتباط و ترتیب همکاری های دو جانبه با گروه‌ها - سازمان‌های مترقی و شخصیت های لیبرال زد.

بدین جهت در اواخر ماه نوامبر ۱۹۷۰ دو تن از اعضای هیئت دبیران - دبیر بین‌المللی و دبیر انتشارات - ابتداء به کشور سوئد - سفر نمودند. در این کشور پس از ترتیب جلسه مشترک با سازمان دانشجویان ایرانی در استکهلم ترتیب برگزاری مصاحبات مطبوعاتی با روزنامه‌های Altonbeladet (مهم‌ترین روزنامه عصر سوئد با بیش از یک میلیون تیراژ) Clarte / Gnistan / Gaudcamus / داده شد.

در سوئد همچنین با اتحادیه جوانان کمونیست (مارکسیست - لنینیست) RP/ML سازمان جوانان سوسیال دموکرات، حزب کمونیست سوئد، سازمان ملی دانشجویان سوئد، سازمان دانشجویان عرب، عفو بین‌المللی شعبه سوئد تماس گرفته شد. در طی این مذاکرات دو جانبه که با یکایک نمایندگان این سازمان‌ها از طرف دبیر بین‌المللی یا دبیر انتشارات انجام می‌شد، اوضاع سیاسی، اقتصادی ایران، تاریخچه مختصری از مبارزات مردم ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، تاریخچه پیدایش و مبارزات کنفدراسیون جهانی سازمان دموکراتیک، ضدامپریالیستی جنبش دانشجویان ایران، ابتدا بطور مختصر طرح شده و سپس بطور عمده مسائل مربوط به موج نوین مبارزات خلق در چند ماهه اخیر از جنبش اسفندماه و جنبش مقاومت علیه تصمیمات کنفرانس سرمایه داران آمریکائی تا مبارزات قهرمانانه دانشجویان دانشگاه‌های ایران، به تفصیل طرح می‌شد و در این رابطه تشدید ترور و اختناق از جانب رژیم و متدهای فاشیستی او افشاء می‌گشت. در خاتمه مذاکرات در باره اشکال مشخص پشتیبانی از مبارزات خلق ایران و فعالیت‌های دفاعی کنفدراسیون جهانی و نوع همکاری آتی و بسط روابط موجود بین دو سازمان تصمیماتی اتخاذ می‌گشت. ترتیب یک مصاحبه رادیویی با دبیر بین‌المللی داده شد. سپس در اوائل ماه دسامبر بنا به دعوت اتحادیه ملی دانشجویان فنلاند دبیران بین‌المللی و انتشارات به هلسینکی عزیمت نمودند. در هلسینکی پس از طرح مسائل مورد علاقه

کنفدراسیون با دبیران بین‌المللی و فرهنگی اتحادیه ملی دانشجویان فنلاند و دبیر فرهنگی اتحادیه دانشجویان دانشگاه هلسینکی برنامه‌ای را جهت تماس با مطبوعات و سازمان‌ها و شخصیت‌های دموکراتیک فنلاند تنظیم شد و بویژه ترتیب عزیمت دبیرین‌المللی و یکی از فعالین کنفدراسیون جهانی به اتفاق یک گروه هنری برای شرکت در برنامه‌های هفته ایران که از تاریخ ۱۷ تا ۲۴ ژانویه در هلسینکی برگزار می‌گردید داده شد. محتوی برنامه‌های سیاسی این هفته را افساء‌گری راجع به اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران تشدید ترور و اختناق، موج نوین مبارزات خلق، فعالیت‌های دفاعی کنفدراسیون جهانی را تشکیل می‌داد. در روزهای بعد ترتیب یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه‌ها داده شد و علاوه بر این با سازمان جوانان لیبرال، سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان سوسیال دموکرات، سازمان سه قاره، صدر اتحادیه ملی دانشجویان فنلاند و شورای جهانی صلح طی مذاکراتی دو جانبه مسائل مربوط به اشکال مشخص همکاری و پشتیبانی از مبارزات خلق ایران، تشدید ترور و اختناق توسط رژیم شاه، مورد طرح قرار گرفت. در هنگام بازگشت در سوئد یک Teachin برگزار گشت. دبیر بین‌المللی و دبیر انتشارات در سفرهای جداگانه به دانمارک ترتیب همکاری‌های دراز مدت را با گروه‌های ضدامپریالیستی در این کشور را نیز دادند.

\*\*\*\*\*

همانگونه که در بالا نیز بدان اشاره شد بنا به دعوت اتحادیه ملی دانشجویان فنلاند قرار بود یک گروه هنری با اتفاق یکی از فعالین کنفدراسیون برای شرکت در برنامه‌های هفته ایران (۱۷ تا ۲۴ ژانویه) - اتمام کنفرانس، شرکت در مصاحبه مطبوعاتی، اجرای برنامه‌های هنری - به فنلاند عزیمت نمایند. گروه هنری کنفدراسیون جهانی که در سازمان مونیخ تشکیل شده بود توانست پس از صرف نیروی زیاد برنامه‌های جالبی مرکب از رقص‌ها و ترانه‌های خلقی، سرودهای مقاومت و تئاترهای کوتاه که از نظر محتوی سیاسی بسیار غنی بوده و از نظر هنری کاملاً مناسب می‌بودند را تنظیم نماید و اجرای برنامه‌ها توسط این گروه که با صرف نیروی بسیار زیاد و از خود گذشتگی عده‌ای از جوان‌ترین اعضای این سازمان تنظیم شده بود، از سوئی به بهترین شکل بیان‌گر زندگی و مبارزه خلق ایران بود و توانست از این نظر وظیفه خود را در افشاکری میان افکار عمومی اجرا نماید و از سوی دیگر نشانه ایمان و علاقه توده‌های جوان به مبارزات کنفدراسیون جهانی می‌باشد.

گروه هنری کنفدراسیون جهانی با اتفاق دبیر فرهنگی و دبیر انتشارات در شهرهای تام پوزه و هلسینکی در فنلاند، در استکهلم سوئد و در مونیخ و کنستانس در آلمان سفر نموده و برنامه‌هایی اجرا کردند. این گروه هم چنین در روز ۲۶ ژانویه بمدت ۱۰ دقیقه در تلویزیون سراسری سوئد برنامه اجرا کرد. قبل از برنامه مصاحبه‌ای نیز با یکی از دانشجویان عضو سازمان استکهلم انجام شد همچنین از یکی از رقص‌های این گروه فیلمی بمدت ۳۰ دقیقه همراه یک مصاحبه تهیه شد که بعداً در تلویزیون سوئد به معرض نمایش گذارده خواهد گشت. فعالیت گروه هنری و همچنین کنفرانس‌های ایراد شده توسط یکی از فعالین کنفدراسیون جهانی در فنلاند، سوئد و شهرهای مونیخ و کنستانس همه جا با استقبال نیروهای مترقی مواجه گشته و در مجموع خود جزئی از برنامه دفاعی را تشکیل می‌داد. اگر بخواهیم فعالیت‌های انجام شده در این زمینه را جمع‌بندی نمایم تذکر نکات ذیل ضروری بشمار می‌رود.

۱ - کشورهای اسکاندیناوی (سوئد - فنلاند - دانمارک) از حیث قدرت سیاسی و سازمانی محافل و سازمان‌های انقلابی و دموکراتیک، حکومت لیبرال و امکانات وسیعی را جهت تبلیغ مبارزات خلق ایران و جلب پشتیبانی برای خواست‌های کنفدراسیون فراهم می‌آورد. ایجاد، بسط و تحکیم رابطه بویژه منظم با گروه‌های مترقی از طریق تبادل نظر، ارسال نشریه، دیدارهای منظم (در کشورهایی که واحد دانشجویان ایرانی موجود نیست) و... کوشش در بوجود آوردن پلاتفرم سیاسی مشترک در شرایط کنونی (تشدید بی‌سابقه حملات رژیم) اهمیت فراوانی را جهت گسترش دامنه مبارزات کنفدراسیون جهانی کسب می‌نماید.

۲ - کوشش در جهت متعهد نمودن محافل، سازمان‌ها، شخصیت‌های لیبرال به مبارزات مردم ایران و فعالیت‌های دفاعی کنفدراسیون جهانی، علاوه بر منفرد نمودن رژیم، خود نیز شیوه بسیار موثری در خنثی نمودن حملات محافل شدیداً ارتجاعی و پلیس کشورهای امپریالیستی به سازمان‌های کنفدراسیون جهانی، می‌باشد.

۳ - بایستی همواره با توجه به شرایط محلی بهترین و مناسب‌ترین شیوه را در مبارزات دفاعی بکار برد. اعزام گروه هنری به کشورهای اسکاندیناوی از این نظر حاوی تجربیات گران‌بهای بود. فی‌المثل با اعزام این گروه توانستیم موقعیت‌های بسیار مناسبی را جهت طرح مسائل مربوط به مبارزات خلق در ایران و فعالیت‌های دفاعی کنفدراسیون جهانی بوجود آوریم.

دبیر انتشارات کنفدراسیون جهانی "

## سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (وضعیت روانی و سیاسی بعد از ممنوعیت کنفدراسیون و مواضع سازمانهای سیاسی)

به پاسداری از کنفدراسیون بپاخیزیم

## سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (وضعیت روانی و سیاسی بعد از ممنوعیت کنفدراسیون و مواضع سازمانهای سیاسی)

به پاسداری از کنفدراسیون به پا خیزیم



(شماره ۱۱ - سال ۶ - فوریه ۱۹۷۱ - بهمن - اسفند ۱۳۴۹).

"به پاسداری از کنفدراسیون بپاخیزیم"

چندی پیش رژیم کودتا دشمنی دیرینه‌ی خود با کنفدراسیون جهانی را علنی ساخت و اعضاء کنفدراسیون را به اتهام "فعالیت علیه امنیت و استقلال مملکت" مجرم اعلام نمود. در اینکه رژیمی به غداری و مردم کشی رژیم محمد رضا شاه از در عداوت و کینه با سازمانی دموکراتیک و ضد ارتجاع، سازمانی از آن خلق و برای خلق مانند کنفدراسیون بر آید، هیچگونه تردیدی وجود نداشته و نخواهد داشت، کما اینکه سال‌های سال است که این دشمنی به شیوه‌های گوناگون بروز کرده است، و اعضاء کنفدراسیون نیز همواره به عناوین پوچ و ساخته‌ی رژیم از قبیل "فعالیت علیه استقلال و امنیت کشور" تحت پیگرد قرار گرفته اند. آنچه تازه است اعلام رسمی این دشمنی از طرف رژیم است. و این اعلام دشمنی چیزی نیست جز ناتوانی رژیم در سرکوب واقعیات جامعه ما یعنی رشد مبارزات مردم و در این حالت کنفدراسیون جهانی.

اینکه می‌گوئیم رژیم در برابر امواج مبارزات مردم به ستوه آمده است و عملاً قادر به جلوگیری و سرکوب این مبارزات نمی‌باشد، سخنی است که از واقعیات عیان جامعه ما بر می‌خیزد. نظری به همین سال گذشته بافکنیم، به سالی که تظاهرات عظیم توده‌های مردم پایتخت بر علیه شرکت واحد و دستگاه حق کشی محمد رضا شاه - این جنبش کم‌نظیر توده‌ای - سر آغاز آن بود. از این جنبش توده‌ای چندی نگذشته بود که مبارزات اقشار مختلف مردم ایران و روحانیون مترقی بر علیه سرمایه‌گذاری امپریالیست‌های آمریکائی در ایران به ظهور پیوست. تظاهرات وسیع مردم بر علیه اسرائیل و اظهار همدردی و هم پیوستگی با خلق‌های عرب، تظاهرات دانشجویان دبیرستان‌ها بر ضد آئین‌نامه ضد فرهنگی رژیم، تظاهرات و اعتصابات دانشجویان دانشگاه، و همراه و در کنار این نمایشات، تظاهرات و فعالیت روز افزون گروه‌های سیاسی در ایران بویژه گروه فلسطین و... همه و همه نمونه‌هایی از گسترش مقاومت و مبارزه سرسختانه خلق اسیر ما در سال گذشته است. شواهد شکست برنامه‌های نو استعماری رژیم اند. عوامل هراس و ناراحتی او و نشانه‌های ضعف و ناتوانی وی اند. محمد رضا شاه که بر مردمی ناراضی و عاصی حکومت میراند، که هر روز و هر ماه به یورش بر مبارزان مردم می‌پردازد و در دادگاه‌هایش فریاد حق طلبان بلند می‌گردد، رژیمی است ضعیف و ناتوان. و این رژیم در این اواخر سخت مشغول سرکوب مردم و مبارزات گوناگون آنان بوده است.

طبیعی است که چنین شرایطی برای رژیم کودتا ناگوار و غیر قابل تحمل است. اینها شرایط رشد پیکار خلق و زوال قدرت محمد رضا شاهی را نوید می‌دهند. بنابراین بیهوده نیست که رژیم به سرکوبی دیوانه‌وار تمام این عوامل و نیروها برخاسته و به

قصد نابودی قطعی آنان به تدابیر گوناگون دست زده است. در این رابطه است که به نبرد قطعی با کنفدراسیون بر می‌خیزد و تمام نیروهای اهریمنی خویش را برای نابودی آن تجهیز می‌کند. علت روشن است. کنفدراسیون جهانی بعنوان تنها سازمان توده‌ای، علنی و دموکراتیک دانشجویی، چهره رژیم را در تمام دنیا افشاء کرده و افکار عمومی را به پشتیبانی خلق زحمت‌کش ایران برانگیخته است.

کنفدراسیون بزرگ‌ترین سازمان علنی پشتیبان خلق ما و منعکس‌کننده‌ی خواستها و تمایلات و مبارزات اوست. کم‌تر دادگاهی است که تشکیل آن بگوش کنفدراسیون برسد و تبدیل به محکمه افشای محمد رضا شاه جلاد نگردد. کم‌تر خيانتی است که رژیم کودتا انجام دهد و کنفدراسیون به همراه اقشار مختلف مردم ایران، آنرا بر ملا نسازد. دستگاه دیکتاتوری دیگر تحمل چنین دشمنی را ندارد. برای او مسئله "نابودی" کنفدراسیون امری بی‌نهایت ضروری گشته است.

شکست سیاست‌های کهنه و گذشته مبنی بر فشار بر فعالین کنفدراسیون، جدا کردن آنان از کنفدراسیون و غیره رژیم را متوجه نیروی عمده و واقعی مبارزات کنفدراسیون یعنی توده‌های متشکل و هودار آن نمود. این بار برای "نابودی" کنفدراسیون به مبارزه با توده‌های درون آن به مبارزه با تمام کنفدراسیون بر آمده است. در یک کلام اکنون رژیم در مبارزه با کنفدراسیون متوسل به حربه آخرگشته است. در واقع اگر محمد رضا شاه قادر می‌بود که مانند همیشه همراه توطئه سکوت به مصادف کنفدراسیون بر آید، هیچگونه احتیاجی به نبرد رو در رو و مرگ و زندگی با کنفدراسیون را نمی‌داشت. توطئه تحریم کنفدراسیون مولود ناتوانی رژیم در برابر امواج عظیم پیکار مردم میهن ما و مبارزات پیروزمند کنفدراسیون است و این ناتوانی ناشی از ضدخلق و ارتجاعی بودن رژیم محمد رضا شاه و مضمون اساسی آن است. حکومت کودتا گمان می‌کند که چون بر اریکه "قدرت" تکیه زده است، ارتشی دارد و سازمان امنیتی دارد، قادر است که مبارزات مردم و منجمله کنفدراسیون را سرکوب کند. این گمان خام تمام ارتجاعیون است. رژیم کودتا نه تنها نتوانسته است مبارزات کنفدراسیون را به شکست بکشانند، بلکه دسائس او انگیزه‌ی توسعه مبارزات کنفدراسیون گشته اند. بدین جهت است که تلاش‌های آخر خود را بصورت این توطئه فاشیستی به منصفه ظهور می‌رساند. این تلاش‌های آخر، قبل از هر چیز کوس ناتوانی رژیم را می‌نوازد اگر چه در عین حال نشانه‌ی توسعه ترور و اختناق و تشدید متدهای فاشیستی‌اند. این تشدید ترور و بسط اختناق به خارج از کشور، این توطئه سازمان امنیت بر علیه دانشجویان ایرانی و کنفدراسیون بدون تردید با شکست روبرو خواهد گشت. تکیه رژیم و سازمان امنیت در عملی ساختن این نقشه خائنانه بطور عمده بر فشار بخانواده‌ها در ایران و همکاری با پلیس کشورهای خارجی به منظور تضعیف روحیه توده‌های دانشجویان است. به جز این وسایل و یا شیوه‌ها و متدهائی نظیر آن، دستگاه پوشالی استبداد هیچگونه قدرت واقعی و پا بر جایی ندارد. بر عکس، عوامل قدرت کنفدراسیون و نیروهای پشتیبان و تحکیم‌کننده‌ی آن شرایط بسیار مناسبی را برای پیروزی ما در مبارزه علیه توطئه رژیم فراهم آورده‌اند.

کنفدراسیون از خواست‌های حق‌طلبانه‌ی توده‌های دانشجوی دفاع کرده و برای مطالبات آنان به مبارزه‌ای بی‌امان دست زده است. ما توده‌های دانشجوی را در کنار خود داریم، و این نیروی عظیم است.

دفاع ما از مبارزات مردم و شعارهای عام نهضت، توده‌های مردم را در ایران به هواداری ما برانگیخته است. ما مردم را در درون کشور همراه خود داریم، و این با وجود شرایط خفقان در ایران، قدرت کم‌نظیری است.

حقانیت مبارزات کنفدراسیون و دفاع بی‌چون و چرای آن از مبارزات ضدامپریالیستی، ضدارتجاعی و دموکراتیک خلق‌های جهان ما را به مردم آزادیخواه کشورهای مختلف نزدیک کرده است. ما افکار عمومی جهان را نیز به یاری خود داریم. باید کوشید تا از این چند عامل قدرت استفاده کرد. باید کوشید تا این نیروهای قدرت کنفدراسیون این توانائی‌های درونی را پروراند و بحرکت آورد.

بنابراین آینده برای ما روشن است. در واقع این رژیم محمد رضا شاه و دستگاه سازمان "امنیت" اوست که تنها نور چند چراغی سوت راه تاریکشان را روشن می‌سازد، چند چراغی که دیر یا زود خواهد مرد. آینده برای رژیم بهر حال تاریک است. و درست بهمین علت است که در هر قدرت نمائی وی نطفه ضعف و شکست نهفته است. او ضعف ذاتی خود را در قدرت ظاهری مخفی می‌سازد تا شاید روحیه بیم و هراس در میان صفوف ما بوجود آورد. زهی خیال باطل! کنفدراسیون دشمن خود و ناتوانی ذاتی او را می‌شناسد و بر این مبنی به مبارزات خود همچنان ادامه خواهد داد. این مبارزات کنفدراسیون را از این جهت نمی‌توان سرکوب کرد که در پیوند با مبارزات مردم است، حق است و در جهت تاریخ سیر می‌کند، راه ما را هزاران چراغ روشن می‌دارند. بکوشیم تا این چراغ‌ها را هر چه بیش‌تر روشن بیافروزیم. بکوشیم تا نیروهای خویش و پشتیبانان خود (توده‌های دانشجوی، مردم

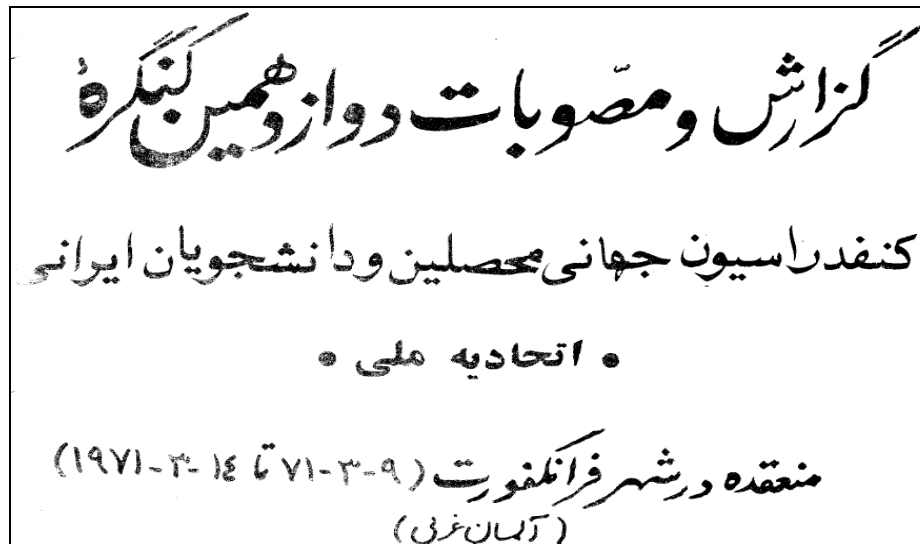
درون کشور و افکار عمومی جهان) را هر چه وسیع‌تر بسیج کرده به پیکار با این توطئه ضد مردمی رژیم محمد رضا شاهی بکشانیم.

رژیم کودتا این بار حمله‌ی خود را متوجه توده‌های درون کنفدراسیون ساخته است. باید با همگامی و همراهی همین توده‌های دانشجو این حمله را خنثی کنیم. باید هر چه بیش‌تر در جهت توده‌ای‌تر کردن کنفدراسیون کوشید. باید بیش از هر زمان دیگر بسوی توده‌های دانشجو رفت و به آنان تکیه کرد. این شرط اساسی پیروزی ماست. پیروز باد کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی."

## سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی در فرانکفورت ۲۳ - ۱۸ اسفند ۱۳۴۹ برابر با ۱۴ - ۹ مارس ۱۹۷۱)

قطعه نامه درباره توطئه رژیم علیه کنفدراسیون



## "گزارش و مصوبات دوازدهمین کنگره"

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی - اتحادیه ملی

منعقد در شهر فرانکفورت (۹-۳-۷۱ تا ۱۴-۳-۱۹۷۱)

آلمان غربی

قطعه نامه درباره توطئه رژیم علیه کنفدراسیون

سال گذشته برای رژیم کودتا سالی ناگوار بود. رشد مبارزات خلق و امواج خشم توده های مردم یکی پس از دیگری بدستگاه استبداد خیره های کاری وارد آوردند. جنبش اسفند ماه، تظاهرات ضد سرمایه گذاری آمریکا، مبارزه روحانیون مرفعی، تظاهرات ضد صهیونیستی، نمایشات محصلین و تظاهرات پر شور و عظیم آذر ماه سال گذشته دانشگاه و فعالیت روز افزون گروه های مخفی در ایران،

۲۲

همه و همه نمونه های بسط و اوج مبارزه مردم، شواهد شکست برنامه نواستعماری رژیم و نشانه های هراس او و ناتوانی ذاتی وی اند. رویای طلایی رژیم کودتا و اربابان امپریالیستش مبنی بر آراض و امنیت دائمی در ایران بیکباره از هم گسست. در کنار این وقایع، کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی مانند همیشه بمبارزات افشاگرانه عظیمی دست زد، رژیم کودتا در حال گذشته چهره ظاهر فریب خویش را بیشتر از پیش در برابر افکار عمومی از دست داد.

کلیبی است که چنین شرایطی، یعنی اوج و رشد مبارزات در ایران و خارج برای رژیم ناگوار است. در واقع شرایط فوق نوید گسترش و بسط مبارزات خلق زحمتکش ایران و زوال سلطه استبداد را میدهند. در تحت چنین شرایطی است که دادستان ارتش به آخرین سلاح خویش علیه کنفدراسیون دست زد و اعضای کنفدراسیون را مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ اعلام میدارد. سازمان امنیتی که تاکنون با تمام وسائل و شیوه های ممکنه کوشش در "تابودی" کنفدراسیون را لحظه ای فراموش نکرده است اکنون ناچار است که آخرین تلاش خود را بکار برده و این خود گواه ضعف اوست، نشان ناتوانی رژیم کودتا در خاموش کردن شعله های مبارزات ضد امپریالیستی است.

رژیم کودتا ضعف ذاتی و درونی خویش را در پرده قدرت ظاهری مخفی میسازد تا خود را قدرقدرت نشان دهد، تا بلکه روحیه ضعف و هراس در میان نیروهای خلق بوجود آورد و بدینوسیله به اسارت خلق ما زمانی بیشتر ادامه دهد. ما باید ضعف او را بر ملا کوه و پیوسیدگی رژیم را نشان دهیم. ما باید به قدرت واقعی خویش ایمان داشته باشیم و بر آن تکیه کنیم. چه این عوامل قدرت کنفدراسیون و نیروهای پشتیبان و تحکیم کننده آن شرایط بسیار مناسبی را برای پیروزی ما در مبارزه علیه توطئه رژیم فراهم آوردند.

— کنفدراسیون از خواسته های حق طلبانه توده های دانشجو دفاع کرده و برای مطالبات آنان بمبارزه می امان دست زده است. این امر اکثر توده های دانشجورا پشتیبان و هوادار بیدریغ ما نموده است. ما توده های دانشجورا در کنار خود داریم و این نیروی عظیم است.

— دفاع از مبارزات مردم و شعارهای عام آنان، توده های مردم را در ایران به هواداری ما برانگیخته است، بنا براین ما مردم را در درون کشور همراه خود داریم.

— حقانیت مبارزات کنفدراسیون و دفاع بی چون و چرای آن از مبارزات دموکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلقهای جهان ما را به مردم آزاد یخواه کشورهای مختلف نزدیک کرده است. ما افکار عمومی جهان را نیز به یاری خود داریم.

بنا براین آینده برای ما روشن و برای رژیم کودتا تاریک است. باید هرچه بیشتر به توده های دانشجو تکیه نمود و آنان را به پشتیبانی کنفدراسیون جهانی برانگیخت. باید حد اکثر استفاده را از عوامل قدرت کنفدراسیون، از پشتیبانان آن یعنی توده های دانشجو، مردم درون کشور و افکار عمومی جهان نمود و با تکیه بر آنان در این پیکار پیروز گشت.

کثره دوازدهم کنفدراسیون جهانی براین نظر است که این توطئه اگر چه نشان دهنده بسط روز-

افزون ترور و خفقان رژیم کودتا و گسترش شیوه های فاشیستی آن است، اما درست به همین خاطر گواه ناتوانی رژیم کودتا در مقابله با نیروهای مبارز ایران و منجمد کنفدراسیون است.

ما به مبارزه خود با قدرت هرچه افزونتر ادامه خواهیم داد.

پیروزی با ما و شکست مفتضح از آن رژیم کودتا است.

زننده باد مبارزات دانشجویان و پیوند ناگسستنی آن با مبارزات خلق ایران.

### سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی در فرانکفورت ۲۳ - ۱۸ اسفند ۱۳۴۹ برابر با ۱۴ - ۹ مارس ۱۹۷۱)

#### قطعه نامه درباره توطئه رژیم علیه کنفدراسیون

##### قطعه نامه درباره توطئه رژیم علیه کنفدراسیون

سال گذشته برای رژیم کودتا سالی ناگوار بود. رشد مبارزات خلق و امواج خشم توده های مردم یکی پس از دیگری به دستگاه استبداد ضربه های کاری وارد آوردند. جنبش اسفندماه، تظاهرات ضد سرمایه گذاری آمریکا، مبارزه روحانیون مترقی، تظاهرات ضد صهیونیستی، نمایشات محصلین و تظاهرات پر شور و عظیم آذر ماه سال گذشته دانشگاه و فعالیت روزافزون گروه های مخفی در ایران، همه و همه نمونه های بسط و اوج مبارزه مردم، شواهد شکست برنامه نواستعماری رژیم و نشانه های هراس او و ناتوانی ذاتی وی اند. رویای طلائی رژیم کودتا و اربابان امپریالیست اش مبنی بر آرامش و امنیت دائمی در ایران به یکباره از هم گسست. در کنار این وقایع، کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی مانند همیشه به مبارزات افشاءگرانه عظیمی دست زد، رژیم کودتا در سال گذشته چهره ظاهر فریب خویش را بیش از پیش در برابر افکار عمومی از دست داد.

طبیعی است که چنین شرایطی، یعنی اوج و رشد مبارزات در ایران و خارج برای رژیم ناگوار است. در واقع شرایط فوق نوید گسترش و بسط مبارزات خلق زحمت کش ایران و زوال سلطه استبداد را می دهند.

در تحت چنین شرایطی است که دادستان ارتش به آخرین سلاح خویش علیه کنفدراسیون دست زده و اعضای کنفدراسیون را مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ اعلام می دارد. سازمان امنیتی که تاکنون با تمام وسائل و شیوه های ممکنه کوشش در "نابودی" کنفدراسیون را لحظه ای فراموش نکرده است، اکنون ناچار است که آخرین تلاش خود را بکار برده و این خود گواه ضعف اوست. نشان ناتوانی رژیم کودتا در خاموش کردن شعله های مبارزات ضدامپریالیستی است. رژیم کودتا ضعف ذاتی و درونی خویش را در پرده قدرت ظاهری مخفی می سازد تا خود را قدر قدرت نشان دهد، تا اینکه روحیه ضعف و هراس در میان نیروهای خلق به وجود آورد و بدین وسیله به اسارت خلق ما زمانی بیش تر ادامه دهد. ما باید ضعف او را برملا کرده و پوسیدگی رژیم را نشان دهیم. ما باید به قدرت واقعی خویش ایمان داشته باشیم و بر آن تکیه کنیم. چه این عوامل قدرت کنفدراسیون و نیروهای پشتیبان و تحکیم کننده آن، شرایط بسیار مناسبی را برای پیروزی ما در مبارزه علیه توطئه رژیم فراهم آورده اند.

کنفدراسیون از خواست های حق طلبانه توده های دانشجوی دفاع کرده و برای مطالبات آنان به مبارزه بی امان دست زده است. این امر اکثر توده های دانشجوی را پشتیبان و هوادار بی دریغ ما نموده است. ما توده های دانشجوی را در کنار خود داریم و این نیروی عظیم است.

- دفاع از مبارزات مردم و شعارهای عام آنان، توده های مردم را در ایران به هواداری ما برانگیخته است. بنابر این ما مردم را در درون کشور همراه خود داریم.

حقانیت مبارزات کنفدراسیون و دفاع بی چون و چرای آن از مبارزات دموکراتیک ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی خلق های جهان ما را به مردم آزادی خواه کشورهای مختلف نزدیک کرده است. ما افکار عمومی جهان را نیز به یاری خود داریم.

بنابر این آینده برای ما روشن و برای رژیم کودتا تاریک است. باید هر چه بیش تر به توده های دانشجوی تکیه نمود و آنان را به پشتیبانی کنفدراسیون جهانی برانگیخت. باید حداکثر استفاده را از عوامل قدرت کنفدراسیون از پشتیبانان آن یعنی توده های دانشجوی، مردم درون کشور و افکار عمومی جهان نمود و با تکیه بر آنان در این پیکار پیروز گشت.

کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی بر این نظر است که این توطئه اگر چه نشان‌دهنده بسط روزافزون ترور و خفقان رژیم کودتا و گسترش شیوه‌های فاشیستی آن است، اما و درست به همین خاطر گواه ناتوانی رژیم کودتا در مقابله با نیروهای مبارز ایران و منجمله کنفدراسیون است.

ما به مبارزه خود با قدرت هر چه افزون‌تر ادامه خواهیم داد.

پیروزی با ما و شکست مفتضح از آن رژیم کودتا است.

زنده باد مبارزات دانشجویان و پیوند ناگسستنی آن با مبارزات خلق ایران."

## سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (تاریخچه طرح "خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کنفدراسیون بر اساس اسناد)

گزارش کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

گزارش کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی  
محصلین و دانشجویان ایرانی  
(اتحادیه ملی)

دوازدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی که امسال مصادف با دهمین سال تأسیس آن نیز بود در روزهای ۹ تا ۱۴ مارس ۱۹۷۱ در شهر فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل شد. بعد از تصویب اعتبارنامه نمایندگان سازمانهای کنفدراسیون که از سراسر جهان به کنگره آمده بودند هیات رئیسه کنگره بشرح زیر انتخاب گردید: آقایان

محمود زاسخ - انتشار - رئیس  
حسن قاضی و فریدون مفتاحی - نواب رئیس.

در این کنگره متأسفانه نمایندگان سازمانهای استانی و آنکارا از ترکیه به علت تضییقات پلیس نتوانستند شرکت جویند.

در جریان کنگره جشن دهمین سال تأسیس کنفدراسیون جهانی طی مراسم باشکوهی با شور و شوق فراوان برگزار گردید. این کنگره بدلیل شرایط خاصی که در آن برگزار میگردد دارای اهمیت فوق العاده ای بود. این شرایط عبارتند از: اوج جدیدی در مبارزه مردم و جنبشهای بیشتر در شعارها و عمل جنبش دانشجویی ایران، رشد مبارزات کنفدراسیون جهانی و افزایش بیشتر از پیش اعتبار و نفوذ آن در میان نیروها، سازمانها و افکار عمومی شرقی جهان و بالاخره حمله جدید رژیم علیه کنفدراسیون و اعضای آن.

در کنفدراسیون پیش کنگره که با شرکت صد نفر در دوره بررسی حملات اخیر به کنفدراسیون و راه یابی به منظور گسترش فعالیتهای آینده برگزار گردید، توده سازمانی ضرورت حفظ کنفدراسیون و دستاورد های آن و ادامه وسط مبارزه و فعالیتهای دفاعی را بطور یکپارچه مورد تأیید کامل قرار داده و بدینوسیله یکبار دیگر پیگیری و تعهد خود را در مبارزه علیه رژیم نشان داد.

رژیم شاه تصور میکرد با تشدید فشار خود بکنفدراسیون جهانی، خواهد توانست توده دانشجویان را از صفوف متحد مبارزه جدا سازد و ولی توده دانشجویان متشکل در کنفدراسیون پیش از این نشان داد که این تشدید فشار نمیتواند خللی در اراده و مصمم و یکپارچگی وی ایجاد نماید. شرکت قریب هزار نفر در کنگره پاسخ محکم و قاطعی بود به تصورات باطل و جهت رژیم.

این عکس العمل آگاهانه و معیسته توده دانشجویان خارج از کشور، نتیجه منطقی رشد مبارزات مردم در داخل، ارتقای آگاهی دانشجویان متشکل در کنفدراسیون میان این واقعیت است که: مبارزه و علت وجودی کنفدراسیون جهانی نتیجه رابطه تاریخی - اجتماعی معینی است که در جامعه ما حکمفرماست و فراز و نشیب های آن تابع قانونندی رشد و تکامل این شرایط بوده و بنابر این برخلاف میل و اراده رژیم شاه نه تنها تعطیل پذیر نیست، بلکه با رشد تضاد های جامعه هرروز بیشتر تکامل یافته و به کیفیتی بالاتر ارتقا مییابد.

یکی دیگر از نکات مهمی که در رابطه با کار کنگره انعکاس برجسته ای داشت، مسئله اعتبار و نفوذ کنفدراسیون در میان نیروها، سازمانها و شخصتهای شرقی است. بیش از صد تلگرام و پیام از ویتنام تا فلسطین به کنگره دوازدهم ارسال شده بود.

پیامها و پشتیبانی خلقها و جوانان کشورهای مختلف، به ویژه از کشورهای نادر ویتنام، فلسطین، و کامبوج که هم اکنون در گیر بزرگترین نبرد تاریخ معاصرند، نشان میداد که جنبش دانشجویی ایران و سایر زمان آن کنفدراسیون جهانی بدلیل مبارزات پراخ خود، بدلیل قرار داشتن در صف خلق و همراهی با پیکار مردم، بدلیل مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و ارتجاع و بالاخره بدلیل شرکت فعال خود در جنبش ضد امپریالیستی دانشجویان جهان توانسته است جای شایسته ای را در میان نیروها و سازمانهای شرقی احراز نماید.

در روزهای کار کنگره جریان برگزاری آن و مسائل مهم آن و در این رابطه مسائل ایران، مبارزه مردم و بخصوص تصمیم قاطع دانشجویان آگاه ایرانی در حفظ سازمان خود و در ادامه و تشدید مبارزه، بطور مرتب در مطبوعات، رادیو و تلویزیون منعکس میگردد.

۶

در جریان افتتاح کنگره عده ای از نمایندگان سازمانهای مترقی و همچنین حقوقدانان ایتالیائی و فرانسوی که برای شرکت در دادگاه تجدید نظر گروه فلسطین بایران اعزام شده بودند نیز حضور داشتند. حقوقدانان ایتالیائی و فرانسوی جریان اثبات خود در تهران، شرکت در دادگاه، مساله تشدید ترور و اختنائی در ایران و مساله شکنجه زندانیان سیاسی و بخصوص شکنجه وحشیانه گروه فلسطین را مفصلاً توضیح دادند. در این جلسه مخبرین جرایم نیز حضور داشتند. توضیحات حقوقدانان ایتالیائی و فرانسوی روز بعد در مطبوعات، رادیو و تلویزیون انعکاس یافت. همچنین همزمان با برگزاری کنگره فیلم اعتصاب غذای کنفدراسیون در نمایش يك مصاحبه با دکتر هلدمن و چند مصاحبه با مسئولین کنفدراسیون از تلویزیون پخش گردید.

کنگروه در عین حال موفق گردید در رابطه با شرایط موجود، احتیاجات جنبش و ضرورت همکاری و همبستگی بیش از پیش با مبارزه خلق و میهن پرستان در روم کشور، برنامه و رهنمودهای لازم را برای بخشهای مختلف فعالیت تنظیم نموده و هیات دبیران جدید را انتخاب نماید. تصویب منشور کنفدراسیون یکی از اقدامات اساسی و مهم کنگره دوازدهم بود. بدین ترتیب کنگره با یکپارچگی قاطع و مبارزه جویانه در برابر رژیم و با وحدت نظر بیشتر در مسائل اساسی امروز کنفدراسیون، در آخر وقت روز یکشنبه ۱۴ مارس با موفقیت کامل به کار خود پایان داد.

#### هیات دبیران منتخب کنگره دوازدهم

- |                    |                                        |
|--------------------|----------------------------------------|
| ۱ - منوچهر حامدی   | دبیر تشکیلات و امور دفاعی (آلمان غربی) |
| ۲ - مجید زربخش     | " انتشارات و تبلیغات (آلمان غربی)      |
| ۳ - هوشنگ امیرپور  | " فرهنگ (ایتالیا)                      |
| ۴ - داود غلام آزاد | " امور بین المللی (آلمان غربی)         |
| ۵ - منوچهر اوجندی  | " تعاون و امور مالی (آلمان غربی)       |

\*\*\*\*\*

#### پیامهای ارسالی به کنگره دوازدهم

بمناسبت برگزاری دوازدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی قریب به ۱۰۰ پیام و تلگراف از طرف نیروها، سازمانها و شخصیتهای مترقی به کنفدراسیون ارسال گردید که بدلیل عدم امکان چاپ همه آنها، در زیره درج چند پیام مهم اکثراً مینمائیم و به بخشی از لیست پیامها اشاره میکنیم:

#### پیام از جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی

به: کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی  
رفقای عزیز

بمناسبت دوازدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، علاقمندیم بکنگروه و از طرف یق کنگره بهمه دانشجویان ایرانی که به کنفدراسیون وابسته اند گرامتین سلامهای خود را عرضه داریم.

امپریالیسم جهانی بسرگردگی امریکا با وجود حملات وحشیانه خود و سرسختیش در اینجهت بطور دائم از طریق دو جریان انقلابی بزرگ در زمان حاضر یعنی انقلاب سوسیالیستی و انقلاب آزاد بیخشمی، دچار شکستهای گوناگون میگردد. در بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین امپریالیستها با استفاده از مقدار زیادی پول و اسلحه حکومت های وابسته را بر سرپا نگهداشته اند. این حکومتها با وحشیگری شرجه بیشتر با جنبشهای آزاد بیخشمی و همچنین تمام مبارزاتیرا که برای کسب آزادیهای دموکراتیک و اجتماعی انجام میگیرند، سرکوب میکنند. ولی وحشیگری آنها تنها بیان فساد این حکومتها و این حقیقت است که آنها بالاخره از طرف خلقتهای رزنده برانور خواهند آمد.

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم  
 مندرج در بخش: (تاریخچه طرح "خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کنفدراسیون بر اساس اسناد)  
 گزارش کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

#### "گزارش کنگره دوازدهم کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

دوازدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی که امسال مصادف با دهمین سال تأسیس آن نیز بود در روزهای ۹ تا ۱۴ مارس ۱۹۷۱ در شهر فرانکفورت (آلمان غربی) تشکیل شد.  
 بعد از تصویب اعتبارنامه نمایندگان سازمان‌های کنفدراسیون که از سراسر جهان به کنگره آمده بودند هیأت رئیسه کنگره به شرح زیر انتخاب گردید: آقایان  
 محمود راسخ افشار - رئیس  
 حسن قاضی و فریدون منتقمی - نواب رئیس  
 در این کنگره متأسفانه نمایندگان سازمان‌های استانبول و آنکارا از ترکیه به علت تضعیفات پلیس نتوانستند شرکت کنند.  
 در جریان کنگره جشن دهمین سال تأسیس کنفدراسیون جهانی طی مراسم با شکوهی با شور و شوق فراوان برگزار گردید. این کنگره به دلیل شرایط خاصی که در آن برگزار می‌گردید دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بود.  
 این شرایط عبارتند از: اوج جدیدی در مبارزه مردم، همبستگی بیش‌تر در شعارها و عمل جنبش دانشجویی ایران، رشد مبارزات کنفدراسیون جهانی و افزایش بیش از پیش اعتبار و نفوذ آن در میان نیروها، سازمان‌ها و افکار عمومی مرفقی جهان و بالاخره حمله جدید رژیم علیه کنفدراسیون و اعضای آن.  
 در کنفرانس پیش کنگره که با شرکت صدها نفر درباره بررسی حملات اخیر به کنفدراسیون و راه‌یابی به منظور گسترش فعالیت‌های آینده برگزار گردید، توده سازمانی ضرورت حفظ کنفدراسیون و دستاوردهای آن و ادامه و بسط مبارزه و فعالیت‌های دفاعی را بطور یکپارچه مورد تأیید کامل قرار داده و بدینوسیله یکبار دیگر پی‌گیری و تعهد خود را در مبارزه علیه رژیم نشان داد.  
 رژیم شاه تصور می‌کرد با تشدید فشار خود به کنفدراسیون جهانی خواهد توانست توده دانشجویان را از صفوف متحد مبارزه جدا سازد. ولی توده دانشجویان با شرکت بی‌سابقه خود در کنگره کنفدراسیون نشان داد که این تشدید فشار نمی‌تواند خللی در اراده مصمم و یکپارچگی وی ایجاد نماید. شرکت قریب هزار نفر در کنگره پاسخ محکم و قاطعی بود به تصورات باطل و عبث رژیم.  
 این عکس‌العمل آگاهانه و همبسته توده دانشجویان در خارج از کشور، نتیجه منطقی رشد مبارزات مردم در داخل، ارتقاء آگاهی دانشجویان متشکل در کنفدراسیون و بیان این واقعیت است که: مبارزه و علت وجودی کنفدراسیون جهانی نتیجه شرایط تاریخی- اجتماعی معینی است که در جامعه ما حکم‌فرماست و فراز و نشیب‌های آن تابع قانونمندی رشد و تکامل این شرایط بوده و بنابر این برخلاف میل و اراده رژیم شاه نه تنها تعطیل‌پذیر نیست، بلکه با رشد تضادهای جامعه هر روز بیش‌تر تکامل یافته و به کیفیتی بالاتر ارتقاء می‌یابد.

یکی دیگر از نکات مهمی که در رابطه با کار کنگره انعکاس برجسته‌ای داشت، مسئله اعتبار و نفوذ کنفدراسیون در میان نیروها، سازمان‌ها و شخصیت‌های مرفقی است. بیش از صد تلگرام و پیام از ویتنام تا فلسطین به کنگره دوازدهم ارسال شده بود. پیام‌ها و پشتیبانی خلق‌ها و جوانان کشورهای مختلف، به ویژه پیام از کشورهای نظیر ویتنام، فلسطین و کامبوج که هم اکنون درگیر بزرگ‌ترین نبرد تاریخ معاصراند، نشان می‌دهد که جنبش دانشجویی ایران و سازمان آن کنفدراسیون جهانی به دلیل مبارزات پر ارج خود، بدلیل قرار داشتن در صف خلق و همراهی با پیکار مردم، به دلیل مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و ارتجاع و بالاخره به دلیل شرکت فعال خود در جنبش ضدامپریالیستی دانشجویان جهان توانسته است جای شایسته‌ای را در میان نیروها و سازمان‌های مرفقی احراز نماید. در روزهای کار کنگره، جریان برگزاری آن و مسائل مهم آن و در این رابطه مسائل ایران، مبارزه مردم و به خصوص تصمیم قاطع دانشجویان آگاه ایرانی در حفظ سازمان خود و در ادامه و تشدید مبارزه، بطور مرتب در مطبوعات، رادیو و تلویزیون منعکس می‌گردید.

در جریان افتتاح کنگره عده‌ای از نمایندگان سازمان‌های مرفقی و همچنین حقوق‌دانان ایتالیایی و فرانسوی که برای شرکت در دادگاه تجدیدنظر گروه فلسطین به ایران اعزام شده بودند نیز حضور داشتند. حقوق‌دانان ایتالیایی و فرانسوی جریان اقامت خود

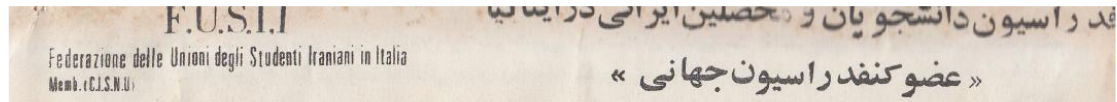
در تهران، شرکت در دادگاه، مساله تشدید ترور و اختناق در ایران و مساله شکنجه زندانیان سیاسی و به خصوص شکنجه وحشیانه گروه فلسطین را مفصلاً توضیح دادند. در این جلسه مخبرین جرایم نیز حضور داشتند. توضیحات حقوق دانان ایتالیایی و فرانسوی روز بعد در مطبوعات، رادیو و تلویزیون انعکاس یافت. همچنین همزمان با برگزاری کنگره فیلم اعتصاب غذای کنفدراسیون در ماینس، یک مصاحبه با دکتر هلدمن و چند مصاحبه با مسئولین کنفدراسیون از تلویزیون پخش گردید.

کنگره در عین حال موفق گردید در رابطه با شرایط موجود، احتیاجات جنبش و ضرورت همگامی و همبستگی بیش از پیش با مبارزه خلق و میهن پرستان درون کشور برنامه و رهنمودهای لازم را برای بخش‌های مختلف فعالیت تنظیم نموده و هیات دبیران جدید را انتخاب نماید. تصویب منشور کنفدراسیون یکی از اقدامات اساسی و مهم کنگره دوازدهم بود. بدین ترتیب کنگره با یکپارچگی قاطع و مبارزه جویانه در برابر رژیم و با وحدت نظر بیش تر در مسائل اساسی امروز کنفدراسیون، در آخر وقت روز یکشنبه ۱۴ مارس با موفقیت کامل به کار خود پایان داد. " (تکیه از توفان).

## سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (تاریخچه طرح "خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کفندراسیون بر اساس اسناد).

## انشعاب ارتجاعی و محکوم به شکست است



## انشعاب ارتجاعی و محکوم به شکست است

عدمای معدود از دوستان فدراسیونی در روزمان به رهبری د بهر فرهنگی سنگر مبارزات آشتی ناپذیر فدراسیون راترك كرد مو كوره راه تاریك انشعاب رادر پیش گرفتند . این امر عمیقاً باعث تأسف ماست ، بهرچه در شرایطی که جنبش خلق ما به همراه مبارزات رهابیخشی خلقهای جهان در کلبه سطوح رو به رشد و اعتلاست ، در شرایطی که بحران درونی امپریالیستها تعمیق بیشتری یافته و انتقال این بحران به کشورهای تحت نفوذ امپریالیسم زحمت کشان این کشورها بار سنگینتری را باید به دوش بکشند ، در شرایطی که در همین ماطبقات ارتجاعی حاکم به سرکردگی شاه ، این عامل امپریالیسم امریکا ، دست به توطئه های رسوائی چون "ستاخیز" جهت سرکوب جنبش خلقی زده و پاکستار و حشیانه میهنپرستان خوش خدمتی خود را به اربابانش هاسبت میکند ، در شرایطی که "کمیته مرکزی" این حزب دست وطنی دولت ضد خلقی شوروی با تبلیغ انقیاد ملی و سازش طبقاتی به تفرقه افکنی مشغول است ، در چنین اوضاعی که وظایف جنبش دانشجویی ما در خارج از کشور و بخش متشکل آن کفندراسیون و فدراسیون ایتالیا به مراتب سنگینتر شده و بخاطر پاسخگوئی به وظایف خطیر مرحلهای خود هرچه بیشتر از گذشته باید در جهت تکمیل و گسترش صفوف و مبارزات خود بکوشد ، انشعاب اخیر بر خلاف خواست عینی و توقعات جنبش و توده های دانشجویی بوده و محکوم به شکست است . این رمانتیستهای انقلابی با سعی در عقب برداندن جنبش ما از سطح تشکیلات متشکل به محفل کرائی و تشکیل سازمانهای بی چهره ، به تخریب و تفرقه و ایجاد دودستگی در بین دانشجوهان مبارز ایرانی دامن زده و با برگزاری "جلساتی" در مقابل جلسات متشکل فدراسیونی زمینه را برای منحرفین و عاملین - "کمیته مرکزی" باز میکنند . با حرکت از موضع پاسیو در سازمانهایی که قدرت انتقال سریع دستانشان و برگزاری "جلسه" در مقابل جلسات فدراسیونی را ندارند ، با ایجاد و اغتشاش و سر درگی در بین توده های دانشجویی عملاً بتخریب در مبارزه ضد رژیم می دست میزنند شخصاً در شهر پروجو هم زمان با جلسات سازمان پروجو در مقابل محل برگزاری جلسه دست به اغتشاش زده و به -

اصطلاح خودشان "بحث سیاسی" راه میاندازند و بهرمانه تراز همه عناصری از میان آنان همانند گفته "سپهر" نغماتی از قبیل اینک: "افکار همانند روز و اکبرلیک در فدراسیون ایتالیا وجود دارد که جرئت به زبان آوردنش را ندارند" میزنند . این اتهامات - کثیف که کبها عدمای در جنبش ما ارزیابی دیگری از رژیم شاه این عامل امپریالیسم امریکا دارند و احیاناً رژیم را مستقل و ملی میدانند همواره از طرف دشمنان سر سخت جنبش ما دآرودسته ی "کمیته مرکزی" به عناصر صدیق جنبش ما زده شده است .

رفقا : در اینجا ماسعی میکنیم که به برخی از اختلاف نظرها میان با این انشعابین جدید اشاره نمائیم .

### ۱- در زمینه ی انشعاب :

اختلاف ما باین حضرات از خود معنای گله ی انشعاب ش روع شده و به تحلیل از طراح و عامل و برخورد به انشعاب ادا صعب پیدا میکند .

بعقیده ی ما انشعاب به سطح تشکلاتی رساندن اختلاف نظرات سیاسی است و این بحث غیر علمی که اختلاف نظرات سیاسی را انشعاب سیاسی بنامیم توجیهی است در موجه جلوه دادن امر سیاه انشعاب . به زعم اینان گویا از بد و بوجود آمدن کفندراسیون چون اختلاف نظرات سیاسی و خط مشی ای در کفندراسیون موجود بوده ، همه انشعابگر بوده اند [۱]

هئیت دبیران فدراسیون ایتالیا معتقد است که انشعاب کدونی ماهیتاً "ارتجاعی" بوده و طراح اصلی و پرچمداران دار دسته ی مرتد و ضد خلقی "کمیته مرکزی" است که از موضع سازش طبقاتی و انقیاد ملی میوهانه تلاش نموده تا از جنبش دانشجویی ما به مثابه اهرمی در خدمت منافع آزمندانه ی ابر قدرت شوروی استفاده نماید . این خائنین ، با تکیه به عناصری معدود تسلیم طلب ( گرد انگان "سپهر" ) و چند عامل خود در جنبش و با آگاهی به تزلزل تاوخی بخشی از نیروهای خلقی در عدم اتکانشان به توده های ملیون خلقی در امر انقلاب و کرایش تکیه به یک نیروی امپریالیستی برای مبارزه با نیروی امپریالیستی دیگر شرایط جهانی تشدید تضاد های موجود در خارج میانه بین دوا بر قدرت ، این انشعاب نندین را به جنبش ما تحویل کردند . ریشه ی این انشعاب تسلیم طلبی در مقابل دشمنان خلقی میباشد .

رهبری انشعابین جدید در فدراسیون ایتالیا تا اواسط کنگره ی ۱۶ ام پندیدهای با سم انشعاب برایشان کاملاً "هگانیم پسود و باین علت بدون داشتن تحلیل مشخص از انشعاب بر مبنای اتخاذ سیاست اپرتونیستی "خیرالصراوسطها" که در تمام طول توبانگسی زندکی سیاسیشان چشم میخورد ، تحلیلی از انشعاب و اوضاع انداخته ، بلکه همیشه با جابجا کردن تضاد ها عملاً "در مبارزه ی ضد انشعاب بتخریب و بیش از دو سال با سازش های غیر اصولی با انشعابین مشااات نمودند . بعقیده ی این حضرات هنوز هم مسبب انشعاب نه دآرودسته مرتجع "کمیته مرکزی" بلکه راست روی عدمای در درون جنبش "میباشد و عملاً" لیمی تیز حله رادر مبارزه علیه انشعاب نه بوی دشمنان سوکند خورده ی جنبش دانشجویی بلکه روی نظرات رهبری فدراسیون ایتالیا و آلمان قرار میدهند . تاریخ صحت تحلیل ما را از انشعاب و

(۲)

ریشه های آن ثابت نمود و دیدیم چگونه در "کنگره ۱۲" انشعابین اول دست آورد های جنبش دانش جوئی ماه تاراج مشتی عنصر تسلیم طلب رفت و مواضع کفدراسیون در مقابل دولت ضد خلقی شد و روی و دارد سستی مرتجع "کمیته مرکزی" تنزول یافته و قطعنامه ای هملیه چین تودهای داده شد .

و اما در مورد برخورد به انشعابین :

در اطلاعیه شماره ۱ در بهر تفکیلات سازمان آمریکا ، آنان انشعابین از کنگره ۲۳ آمریکا را متهم به "انشعاب از جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک" خلق ما نموده و پس از انشعاب ننکین خودشان از واحد جنوب کالیفرنیا اتهام مشابهی به رفقای مادر جنوب کالیفرنیا زدند . این چنین است شیوهی برخورد این حضرات به نیروهای درون خلق .

۲- تحریف در گذشته جنبش :

بوجود آمدن کنفدراسیون جهانی و فدراسیون ایتالیا اساساً بر مبنی تضاد آشتی ناپذیری که قدر دانش جو پارهم داشتند می بوده و تبلیغ اینکه در چهارچوب چنین رژیمی دانش جهانی و هیچیک از طبقات خلق قادر نیستند به منافع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود برسند خط غالب را تشکیل میداده . روشن است که کنفدراسیون جهانی در پروسه ی حیات خود با نظریات انحرافی از راست و "چپ" مواجه بوده و در پروسه این مبارزات درونی با درگیری از تجربیات غنی مبارزات هفتاد ساله ۷۰ - خلقان به رشد مواضع سیاسی خود پرداخته . از طرف دیگر رشد مبارزات مردم در سطوح مختلف و تأثیر پذیری قدر دانش جو از آن عامل مهم دیگری در ترقی تر شدن خط مشی و چگونگی خدمت رسانی به جنبش مردم ایران بوده است . به نظر ما بسیار کودکانه و غیر علمی است که عده های بسیار معیارهای کنونی به اسناد و مدارک گذشته رجوع کرده و سعی در جستجوی "ریشه های" مورد دلخواه انحرافات هستند و از این طریق مد بوهانه تلاش دارند با لجن پراکنیهای از قبیل "مبارزات کنفدراسیون تا کنگره ۱۲ ام رفرمیستی بوده است" و یا اینکه "اساسنامه، برنامه ها و مبارزات سیزده ساله فدراسیون ایتالیا ننکین" بوده است ، عملاً "بنفی دست آورد های خلق برای کسب "پرسنیز" و گرفتن "رسالت" جنبش به منافع لحظهای گروه گرانی خود "خدمت" نمایند . گویا بوجود آمدن این حضرات و متشکل شدن آنها تخییری کیفی و هدفی است به جنبش دانش جوئی ما . عجیبتر اینکه باز هم به علت منافع گروه گرانی خود از اسم پر افتخار فدراسیون ایتالیا به علت داشتن سنین مبارزاتی و پرسنیز سیاسی در بین دانشجویان ایرانی و افکار عمومی سوء استفاده نموده و با ایجاد نا روشنی در بین افکار عمومی و دانشجویان ایرانی به تخریب مبارزات ضد رژیم و ضد امپریالیستی فدراسیون پرداخته و اینچنین وانمود میکنند که افتخارات مبارزات بحق فدراسیون ( همان مبارزات برعم اینان رفرمیستی ) همه از آن این فرصت طلبان بوده است

۳- منشور :

منشور بمعنای خط مشی و برنامه های سیاسی جنبش دانش جوئی ماست . در سالهای قبل از کنگره ۱۲ پیش نهاد خط های مختلفی هر ساله در کنفدراسیون آورده میشد و بالاخره با تصویب منشور در کنگره ۱۲ با اکثریت قاطع آرا این برنامه تا کنگره ۱۶ خط مشی جنبش دانش جوئی ما بود . لازم به توضیح است که در رای گیری چند عنصری از کمیته مرکزی به علت مخالفت با عدم مبارزه ی کفدراسیون در چهارچوب قانون اساسی رای منفی داده و تعدادی از نمایندگان سازمان آمریکا ( از نظرات مختلف ) به علت اینکه این منشور در واحد هایشان به بحث گذاشته نشده بود به این منشور رای ندادند . در آن زمان بحثی درباره ی سرنکونی و دیگر مسائل مطروحه ی کنونی در جریان نبود . مبارزات بحق و رزمنده کنفدراسیون بعد از کنگره ۱۲ تا کنگره ۱۵ در پرتو چنین خط مشی انجام گرفت . بعقیده ما این منشور اگر چه دارای کمبودهایی بوده و لزوم دقت نظر شدن آن بچشم میخورد بهیچ وجه منشوری سازشکارانه و به زعم این رمانتیستهای انقلابی "رفرمیستی" نبوده است و اما مورد این فرمول بندی سرنکونی و گنجاندن آن در منشور اختلاف نظر ما با انشعابین جدید بر سر مضمون و برداشت از سرنکونی و چگونگی جوابگوئی جنبش متشکل دانش جوئی به آن میباشد . ما معتقدیم که کنفدراسیون تنها به تبلیغ سرنکونی آن هم نه بدین مضمون ، بلکه با مضمون روشنتر در رابطه با این مرحله از انقلاب یعنی ( برقراری حکومت دموکراتیک خلق که بدین سرنکونی طبقات ارتجاعی حاکم سرکردگی رژیم مزدور شاه و قطع کامل نفوذ کلیه امپریالیستها غیر ممکن است ) میبایستی پیروز گردد بلکه از طریق سمع گیری سیاسی صحیح این جنبش با کارگران و دهقانان بخدمت امر انقلاب نیز همت گمارد .

بنابراین بطور فرموله موضع ما ، تبلیغ و خدمت به امر انقلاب یعنی سرنکونی طبقات ارتجاعی حاکم به سرکردگی رژیم مزدور پهلوی ، قطع کامل نفوذ کلیه امپریالیستها و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق میباشد .

و حال بهیچیکه مواضع این رمانتیستهای انقلابی چگونه میباشد :

یکی از بهارهای جنبش ما قافیه بافی "چپ" میباشد که ماهیفاً حرکتی است بسوی راست . اینان به بحث میکشند که مسطقی- سرنکونی را بعنوان وظیفه ی سرنکونی تبلیغ نموده و حرکت بعدی آنها تربیت "انقلابی" میباشد . حال بگذریم از اینکه شناخت اینان از سازمان تودهای ، سازمان جبههای واحدی و سازمان حزبی بسیار پائین و به علت عدم توانائی در مبارزه ی ایدئولوژیک دائماً مرتضدی به این سه گونه سازمان را مخلوط میکنند امروز با ترایش به بیماری انقلاب گرائی کودکانی خوش میخوانند کنفدراسیون را محطی برای جوابگوئی به تمام محضلات و مسائل جنبش طبقاتی میهن ما نمایند .

بنابراین فرمولی نظریات اینان "تربیت انقلابی" و "وظیفه ی سرنکونی" در مقابل موضع تبلیغ و خدمت بامر انقلاب ما میباشد . در مورد منشور مصوبه ی کنگره ۱۶ ام ما بارها و بارها حتماً اعلام نمودیم که این منشور را بعنوان یک پلتفرم ضد رژیم قبول داشته و قعاً لیت مشترک و حفظ وحدت درون کنفدراسیون را در چهارچوب چنین منشور ممکن میبینیم ، علیرغم اینکه انتقادات و کمبودهایی باین

منشور وارد می بینیم از قبیل عدم موضع گیری در مقابل دولت ضد خلق شوروی و چویدست وطنی آن دارو دستهی مرتجع " کمیته مرکزی " و یا سرکرده بودن امپریالیسم آمریکا در سطح جهانی ( گویا شوروی در تحت سرکردگی آمریکا با استثمار خلقهای دست میزنند ) و یا تبعیت از بخشی از جنبش درون بالاخره عدم سختگیری جنبش دانشجویی با کارگران و دهقانان و . . . که معتقدیم در پروسه یک مبارزه سیاسی مشترک و ایجاد اتصاف در مکرانیک قادر به دقیقتر کردن این نقاط خواهیم بود .

۴- دفاع و پشتیبانی از مبارزات مکرانیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران و جهان :

ما معتقدیم یکی از مهمترین وظایف کفدراسیون دفاع و پشتیبانی بدون قید و شرط از کلهی مبارزات و مبارزین خلق ما میباشد . فدراسیون ایتالیا از دیر باز با بسیج و متشکل کردن دانشجویان برای مبارزات دفاعی و آکمیونهای ضد رژیم به بالا بودن تعهد دانشجویان نسبت به امر مبارزه و افشا ماهیت و عملکرد های رژیم مزدور شاه به امپریالیستها در افکار عمومی میرداخته . در این میان همواره در هر طرف کردن کمبود کارهای دفاعی بویژه در دفاع از مبارزات کارگران و دهقانان سعی داشته و قدمهای موثری در این زمینه برداشته است . کافی است به مبارزات دفاعیما در پشتیبانی از کارگران شاهی ، مارش رزمندگی اعتراضی فدراسیون در دفاع و پشتیبانی از میهن پرستان در بند و اعتصاب غذاهای اعتراضی فدراسیون ( میلان . رم ) در پشتیبانی از رزمندگان سازمانهای سازمانهای درون کشور و تظاهرات پرشکوه فدراسیون در میلان در مقابل کنسولگری شاه جلاذ اشاره بنمائیم . روشن است ما با هرگونه کار انحصاری در دفاع از جنبش مردم - مخالف بوده و دفاع از سازمانهای رزمندگی درون کشور را به متابه وسیلهای برای گرومکرائی و سوء استفاده برای جمع آوری " نیرو " نمی بینیم . انشعابگران کونی در همین حال که در تحلیلات مشعشعانهی خود نادرستی مبارزات و مشی چریکی را در عمل و نظری " اثبات " نمودند ( رساله یورپا ) و در حالیکه رفقایشان در تحلیلهایی از همین قماش تضاد عمده را در درون جنبش نه با ریزو و نیسپلهک با مشی چریکی قلمداد کردند حال با مواضعی فرصت طلبانه حتی تا حد نفی مصوبات کنفرانس ۱۶م پیش رفته و در مقدمه ی " پیوند " انشعابیشان - وظایف کفدراسیون را دفاع از " مبارزات بحق مردم میهنهای بویژه از بخش آگاهی و سیاسی آن " میبینند و سخن میگویند که در ایتالیا دفاع از مبارزات کارگران را بشماران " اکنون میستی " قلمداد میکنند . انشعابگران اول نیز هنگامیکه به روش کستکی سیاسی افتاده بودند - برچم دفاع از مبارزین انقلابی در درون کشور را منحصر به خود دانسته و عواطف پنهان سعی به تهمت زدن به کسان دیگر که گویا قصد دفاع از مبارزین را ندارند پرداختند و این راه میکوشیدند تا با لجن پراکسی برای خویش کسب پرستی نمایند . گویا میتوان با این شیوه های عواطف پنهان که انشعابگران کونی بدان دست زدند ماهیت خویش را پنهان نمود .

در رابطه با پشتیبانی از مبارزات رها نشی خلقهای جهان بویژه خلقهای جهان سوم ما معتقد بوده و هستیم که دفاع بی قید و شرط از جنبش های رها نشی بعنوان وظیفه ی همبستگی بین المللی ما بوده و در این زمینه چه در پشتیبانی علقی و سیاسی کارنامه فدراسیون ایتالیا خود گویاترین شاهد است .

گاهی است در اینجا اش ارغای به بنش بر بهادان بخود این حضرات در مقابل دفاع و پشتیبانی از جنبش عمان و امثال زنیسم در " قطنامه "ی " شورای عالی " غیر قانونی آمریکا در بند پنجم چنین آمده است " یکی از تجلیات فوری این اتحاد را کفدراسیون اکنون در مبارزه قاطع خویش برای درهم شکستن و بیرون راندن ارتش تجاوزگر شاه و دفاع از خلق قهرمان عمان . . . نشان میدهد " حال قضاوت کنید که چه کسی چگونه تحلیلی از رژیم شاه دارد . گویا مبارزات دفاعی کفدراسیون ارتش شاه را از عمان بیرون میراند و از همه بدترندیدن این حقیقت که مبارزات بحق خلق عمان به رهبری جبهه آزاد پیش عمان که قادر به درهم شکستن و بیرون راندن ارتش شاه میباشد و دونه افکار عمومی و فعالیت دفاعی ما ( البته روشن است که ماتا شیر پذیری مبارزات دفاعی مان رانگی نکرده و همواره در جهت گسترش این فعالیتها نام بر میداریم ) به تشعشعات فکری نویسندگان رژیم نشریه ی دفاعی سازمان آمریکائی توجه کنید ( شماره ی سوم سال دوم بهمن ۵۲ ) - " مردم میهنپرست ایران و خصوصا " دانشجویان آزاد پخواه و مبارز خارج کشور باید بانك اعتراضی خشم آلوده . . . باید با افشای نوطه ی نوین امپریالیسم آمریکا و نوکرانش شاه ، قابوس و فیصل در خاور میانه و بیا کردن جنبش عظیم دو ایران و در سطح جهانی بخلقیهای حاشیهی خلیج و خاصی خلق قهرمان عمان ( ظفار ) یاری رسانند تا نیروی ضد انقلابی تجاوزگران و ایادی بومی امپریالیسم راشکسته ارتش شاه را از ظفار مفتضاحانه بیرون کنند " بهرحال همانا تنها از ذهن رمانتیستهای انقلابی يك چنین هذیانهای کود کانه ای میتواند تراوش کند ، برپا کردن جنبش عظیم در ایران از طریق خارج کشور ؟!

در رابطه با مسائل بین المللی :

در اوضاع متلاطم بین المللی کونی گرایش عمده را انقلاب تشکیل میدهد . تحلیل درست از این اوضاع و چگونگی تبلیغ و خدمت کفدراسیون و وظایف آن در قبال انقلاب ایران اهمیت بیشتری پیدا میکند . بعقدهی ما در اوضاعیکه امپریالیستها بویژه دو ابر قدرت برای جنگ - هی افروزی و تقسیم مجدد جهان در تدارک سریع میباشد وظیفه ی مبرم انقلاب بین ایران میبایستی در خدمت خلقهای ایران و خلقهای ستمدید جهان و نابودی امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت قرار گیرد این وظیفه همانا بمر انجام رسانیدن امر کبیر انقلاب ایران که از سرنوشتی طبقات - ارتجاعی حاکم و بر قوای جمهوری مکرانیک خلق میگردد ، میباشد . از آنجا که شاه عامل امپریالیسم آمریکاست نابودی این رژیم به تضحیف بیشتر امپریالیسم آمریکا انجامیده و در همین حلقه مرز بندی دقیق با " کمیته مرکزی " این چویدست وطنی دولت ضد خلقی شوروی نیز هوش یاری ما را از خطر نفوذ شوروی در رکت و رهای جهان سوم بویژه ایران بالا میبرد و این نیز در خدمت استراتژی کل انقلاب جهانی قرار میگردد . حال در برخورد به سازمان ( ن . ل ) و همانطور و احزاب دیگری که مواضع و تحلیل های دیگری با مواضع جنبش ما در مورد رژیم وابسته و ضد ملی شاه دارند در حلقه ی اول میبایستی بر اساس اصول ، رزمندگی روشنی بین خلقی و یا ضد خلقی بودن آنها را بنماییم . دارو دستهی " کمیته مرکزی " و سران انشعاب از طرح و برجسته کردن این سازمانها در حقیقت هدفشان حمله به جمهوری توده ای چین

-۳-

بوده و بر مبنای اینکه چین در سطح جهانی با امپریالیسم و ارتجاع سازش کرده، سازمانهای رزمنده‌ی طرفدار چین مرجع‌اند و با طرح بحثها از قبیل اینکه در درون جنبش ما نیز "پادوها و منحوسین" اکثریت وجود دارند و نبود کنند که کسانی نیز در جنبش ما هستند که شاه را - مستحق وطن دانسته و این را توجیه برای انشعاب "حق" خوب جلوه دهند. موضع فدراسیون ایتالیا روشن است با مواضع "کمیته مرکزی" و سران انشعاب و برخی از عناصر انشعابین کنونی در فدراسیون ایتالیا تفاوت است و ما این سازمانها را ارتجاعی ندانسته و در این چهار جوبه انحراف این سازمانها در مورد تحلیلشان از اوضاع منطقه و رژیم شاه (D.L) و همانند (رو) برخورد میکنیم:

بعقیده‌ی ما اتهام اکثریت به جنبش رهائیبخش همان و رهبری آن (وابسته خواندن رهبری جنبش به شوروی) نادرست بوده و با نقطه نظر ما در تضاد است. همچنین مواضع این سازمانها در مورد سیاستهای رژیم شاه و نقش او در منطقه نیز با مواضع فدراسیون ایتالیا و جنبش مردم در تضاد بوده و ایراز جنبش مواضعی از طرف این سازمانها انحرافی است. نظر فرصت طلبانه‌ی انشعابین چنین که "دالما" در حال دوسان از ارتجاعی خواندن این سازمانها به داشتن مواضعی ارتجاعی تغییر میکند و آنان را بمنزله دشمنان خلق ایران معرفی مینماید در مقطع کنونی بقدر از رخن آب به آسیاب "کمیته مرکزی" و سرمد ایران انشعاب چیز دیگری نیست و از همه مسخره تر اینکه یکی از انگیزات "پلاتفرم" وحدت اینان قبول این مواضع از طرف ما میباشد. ما صریحاً اسلام میکنیم دشمنان اساسی خلقهای جهان امپریالیسم یهود و او بر قدرت و خاطین آنان و دوايران طبقات ارتجاعی حاکم بنمایند که رژیم شاه این عامل دستشازده امپریالیسم امریکا، "کمیته مرکزی" این جبهه ست وطنی شوروی میباشد.

مواضع انشعابین چنین و تحلیل آنان از اوضاع بین المللی در خور بررسی دقیقتری است. بعقیده‌ی آنان انحراف عمده را در جنبش کارگری جهان و یونیونسم مدین تشکیل نداده و در مقابل مقولوی انحراف "تئوری یونیونسم" را که در حقیقت پوششی است برای عدم برخورد با انحراف عمده طرح کرده و اتفاقاً تئور این انحراف را در جنبشهای تودمائی نه تزلزل در برابر دولت ضد خلقی شوروی و عاملین آن بلکه تزلزل در مقابل اکثریت و همانند (رو) بیان میدارند و این خود نشان دهنده تزلزل این افراد در مقابل "کمیته مرکزی" و دولت خلقی شوروی و در حقیقت معاشات با آنان میباشد. تعجبی نیست که موضع گیری و مزبندی با شوروی و "کمیته مرکزی" را در روش هر مصلوبی کثرتی ۱۶۶ شوروی ندیده بودند بعقیده‌ی ما مهم این نیست که بغضاتی و افشای شوروی و "کمیته مرکزی" در خلا ببرد از پهلوی چگونگی تئور مواضع ما در پراتیک و خط مشی مبارزاتی ما معیار اصلی است.

ایستاد در ایتالیا جابز بر علیه رژیم شاه را جدا از مبارز جهت ران کردن اکثریت و همانند (رو) دانسته و در عوض همکاری - مشرف با حزب کمونیست ایتالیا حتی بغیر عدم موضعگیری علیه امپریالیسم آمریکا را می بینند. و درست بخاطر همین دیدار کمونیستی ۲۳ سازمان آمریکا در دود بیر دافی و بین المللی در سطح تبلیغات در بین افکار عمومی بدست دشمنان حتی یک جزوی "زیستاش" و پاپک "ایران ریور" برای افشای ماهیت و عملکرد رژیم و امپریالیسم منتشر ساخته و فقط در ماه دسامبر یک ضمیمه ایران ریور برای انشاد

#### رفقای دانشجوی:

تفرقه افکنی و چند دستی در فدراسیون ایتالیا و کفدراسیون در خدمت خواست رژیم شاه و "کمیته مرکزی" است. انشعاب اخیر که بدنبال انشعاب بخشی از سازمان بلونیاز فدراسیون ایتالیا انجام گرفته ادرجه نتوانسته است از نظر کمی و کیفی تغییراتی در پیش برد میلزات ضد امپریالیستی و ضد رژیم ما بنماید ولی زمینه‌ی رشد انحرافات مختلف و ایجاد قافا روشنی و افشاش در بین دانشجویان همه پهرست - اصلی را بوجود آورده و طبق اظهار نظر بعضی از این عناصر هدف اینان در افشای فدراسیون بهر قیمت و جمع آوری "نیرو" و گرفتار همزمنی است. حرکت اینان عملاً تخریبی است در سازات و در رژیم و ضد امپریالیستی و بر علیه "کمیته مرکزی" و "دانشجویان دگرات".

#### دوستان عزیز:

سیاست اصولی و قاطع در شرایط کنونی همانا سیاست رهبری فدراسیون ایتالیا و پلاتفرمی است که آشتی ناپذیری جنبش دانشجویی ما را با طبقات ارتجاعی حاکم به نمایندگی رژیم مزدور شاه و امپریالیسم تحسین نموده و به تشدید مبارزاتی ضد رژیم دست زده است.

پلاتفرمیک دست آورد های جنبش دانشجویی ما و خارج (بویژه دانشجویی علیه دولت ضد خلقی شوروی و جوب دست وطنی آن "کمیته مرکزی") را حفظ کرده و پلاتفرمیک با حفظ حقوق دگراتیک و احیای محیطی باری از پیچیدگی و تهیت زمینه‌ی بحث را برای دقتی شدن چگونگی

خدمت کفدراسیون به جنبش ضد امپریالیستی و دگراتیک مردم ما باز کرده و با هوشیاری کامل از محیط فعالیت خود بگسترت و تصحیح جنبش دانشجویی ما و فدراسیون ایتالیا بهره‌ایم نه پلاتفرم انشعابگرا نه تحت رهبری دهر فرهنگی همراه با طفولیت معاصر از خواسته‌های سکثاریستی و خود مرکز بینی انجام گرفته است. ما جسم هشتم در میان حالیکه بهر حرکت وحدت طلبانه‌ی این دوستان جواب مثبت بگویم و نظرات و حرکت خیر اصولی و مخیرانه‌ی آنها را در تمام زمینه‌ها بطور وسیع افشا کرده و این مبارزه را نیز در خدمت وحدت تصحیح در آینده

می بینیم. به هواد اوی وحدت تا به آخر بها خیزیم

مرکز بر امپریالیسم آمریکا دشمنان خلقهای ایران مرکز بر امپریالیسم یهود و او بر قدرت

پیروزی مبارزات دگراتیک ضد امپریالیستی مردم ایران

انحصار مبارزه پیروزی

هیت دبیران فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در ایتالیا (عضو کفدراسیون جهانی)

فوریه ۱۹۷۶

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم  
مندرج در بخش: "تاریخچه طرح" خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کنفدراسیون بر اساس اسناد).  
انشعاب ارتجاعی و محکوم به شکست است

"۳- منشور:

منشور به معنای خط مشی و برنامه‌های سیاسی جنبش دانشجویی ماست. در سال‌های قبل از کنگره‌ی ۱۲ پیشنهاد خط‌های مختلفی هر ساله در کنفدراسیون آورده می‌شد و بالاخره با تصویب منشور در کنگره ۱۲ با اکثریت قاطع آراء این برنامه تا کنگره‌ی ۱۶ خط مشی جنبش دانشجویی ما بود. لازم به توضیح است که در رای‌گیری چند عنصری از کمیته مرکزی به علت مخالفت با عدم مبارزه‌ی کنفدراسیون در چهارچوب قانون اساسی رای منفی داده و تعدادی از نمایندگان سازمان آمریکا (از نظرات مختلف)<sup>۱</sup> به علت اینکه این منشور در واحدهایشان به بحث گذاشته نشده بود به این منشور رای نداده‌اند. در آن زمان بحثی در باره‌ی سرنگونی و دیگر مسایل مطروحه‌ی کنونی در جریان نبود. مبارزات به حق و رزمنده کنفدراسیون بعد از کنگره ۱۲ تا کنگره ۱۵ در پرتو چنین خط‌های انجام گرفت.

به عقیده ما این منشور اگر چه برای کمبدهائی بوده و لزوم دقیق‌تر شدن آن به چشم می‌خورد به هیچ وجه منشوری سازشکارانه و به رغم این رمانتیست‌های انقلابی "رفرمیستی" نبوده است و اما در مورد این فرمول‌بندی سرنگونی و گنجاندن آن در منشور اختلاف نظر ما با انشعابیون جدید بر سر مضمون و برداشت از سرنگونی و چگونگی جنبش متشکل دانشجویی آن می‌باشد."

<sup>۱</sup> - در اینجا نمایندگان متعلق به "سازمان انقلابی حزب توده ایران" مقیم آمریکا و نمایندگان "سازمان انقلابیون کمونیست" که اساساً مقیم آمریکا بودند، منظور است. نمایندگان "سازمان انقلابی حزب توده ایران" در اروپا به این منشور رای مثبت دادند. این تفاوت آراء در نظرات "سازمان انقلابی" از آنجا ناشی شده بوده که مرکزیت این سازمان در اروپا نتوانسته بود به موقع رفقای خود در آمریکا را با تحلیل‌ها و مصوباتش آشنا سازد.

## سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (تاریخچه طرح "خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کفدراسیون بر اساس اسناد)

## مواضع سازمان دانشجویان و محصلین ایرانی در گرونوبل

امروز در درون جنبش دانشجویی خارج از کشور - کفدراسیون جهانی - و بخش متشکل آن در گرونوبل سازمان دانشجویان ایرانی در گرونوبل - مسائلی میگردند که - نظر به تعهد و مسؤولیتی که در مقابل توده - دانشجویی خارج از کشور احساس میکنیم - خود را موظف به بدون آنها بهمان رفقای عضو و غیرعضو دانسته تادیب جهت توجیه و تقویت خط برآمده رافضا و طور مواضع انحرافی و سازشکار بگوئیم . باشد که به سهم خود و در حد توانائیمان در خدمت این امر کوشیده و در خدمت دفاع از مبارزین ز مبارزات خلق و افشای مایهیت و سیاست ضد خلق و وابسته بامپریالسم رژیم ارتجاعی محمد رضا شاه وظیفه خود را ادا کرده باشیم .

امروز در درون هر گروه بندی یا تشکل همیشه عقاید و نظرات مختلف و ناهمگونی وجود دارد و این امر برای یک سازمان توده ای بیگانه نیست دو چندان صادقست چرا که در یک چنین سازمانی افراد بر پایه یک هدف متشکل با افکار و ایدئولوژی های مختلف و حتی در مواردی متضاد گرد هم جمع میشوند .

تشکلی که در درون آن تضاد وجود نداشته باشد مانند هر پدیده یا پروسه ای نمیتواند رشد کند و در حقیقت این وجود تضاد و حل صحیح آنست که به تشکل قوام داده و محتوای آنرا غنی تر میسازد .

چنین است در مورد سازمان دانشجویی ما کفدراسیون جهانی که در طول حیات سیاسی و مبارزاتی درخشان گذشته خود همواره تضادهای را خود دیده و با حل صحیح آنها محتوای خود را غنی تر و مستحکم تر نموده و سطح سیاسی و مبارزاتی خود را به مراتب بیشتر و بهتر خدمت کردن به خلق ارتقاء داده است .

یکی از این موارد - تضاد یادآور دسته ضد خلقی کمیته مرکزی "حزب" توده ایران بود که میخواستند با قبولاندن مواضع رفرمیست - سازشکار و وابسته خود سازمان ما را به سازمانی زرد و فرصت طلب تبدیل نمایند که توده به دانشجویان به آنها برخورد نموده با تودهنی محکمی آنها را از همان صفوف خود طرد نمود و آنها بیش از پیش به متعصب رفرمیست و سازشکارشان فرو رفتند . پس از طرد شدن رفرمیست کمیته مرکزی - خط مشی دیگری در قالب پرورش جدیدی در کفدراسیون جهانی تصویب گردید که در حقیقت از لحاظ سیاسی هیچ تضاد و تفاوتی با خط مشی سازشکارانه کمیته مرکزی نداشت مگر در ظاهر این خط مشی - که در کفدراسیون جهانی به خط راست معروف شد و بر اساس معینان نیز همانست - ( باعینه کردن اصطلاح مبارزه بر علیه ضد خلقی شورشی و کمیته مرکزی - تخطئه مبارزات انقلابی سازمانهای پیشینار جنبش نوین انقلابی درون کشور و خرابکاری در مبارزات قاطع ضد رژیم کفدراسیون) بود نمود تضاد سیاسی خلق و انحرافی خود را به سازمان ما تحمیل ننماید . گرایش انحرافی جدید در کفدراسیون جهانی از همان ابتدا با مبارزه شدیدی روبرو شد و ظرف چند سال گذشته تضاد داخلی عمده سازمان ما را تشکلی میداده که شایسته نتوانسته است تاکنون حل شود و ظرف تقریباً دو سال گذشته سازمان مترقی ما را عملاً قطع و از مبارزه قاطع بپایگی رژیم ضد خلقی و وابسته بامپریالسم شاه باز داشته است .

امروز ما با دیدن اودرکهای گمراهی تفاوت و متضاد از اساسی ترین اصول کفدراسیونی مواجه هستیم که در تضاد با فکری که توضیح خلاصه آنها را لازم میدانیم نگات زیر است :

در رابطه با سازمانهای خارجی و افشای مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیه روز" !

در قبال مبارزین داخل کشور در دفاع بدون قید و شرط از آنها و مسئله رفیق شهید پرویز شکست خور !

۳- موضع ما در جهت مبارزه با رژیم و خواستار بودن سرنگونی رژیم مقرر پهلوی !

## ۱/ مسئله مواضع ارتجاعی سازمان " اومانیته روز "

در ماه ژوئن سال گذشته (۱۹۷۴) شاه خائن برای بیشتر تاراج گذاردن ثروتهای ملی خلق ما/ بفرانسه آمد . بنابر سنت کفدراسیون/ که هیچگاه مسافرت های این خائن بمنافع خلق ما را بیجواب نمیگذارد/ فدراسیون فرانسه وارد يك کارزار وسیع فشاگرانه شد و از سازمان های مرفقی فرانسوی و خارجی در راه این هدف کمک گرفت. یکی از سازمان های که فدراسیون فرانسه با آن تماس گرفت سازمان " اومانیته روز " بود که پس از سه جلسه بحث و گفتگو که بیش از ۸ ساعت طول کشید اعلام کردند که از مواضع فدراسیون فرانسه در افشای سیاست وابسته با امپریالیسم شاه دفاع نمیکنند . آنها نمتنها از مواضع مرفقی ما دفاع نکردند/ بلکه در جهت مواضع ارتجاعی غریب تابد انجا پیش رفتند که اعلام نمودند که شاه سیاستی مستقل وطنی دارد و در منطقه بر ضد دوا بر قدرت مبارزه میکند. تجزیه و تحلیل غلط آنها را بدانجا کشاند که واندانم شماره ۱ يك امپریالیسم آمریکا در منطقه را دارند و سیاستی مستقل وطنی دانستند . با مقایسه وسعت این سازمان و امکانات وسیع آن در سطح افکار عمومی مرفقی/ با وسعت فدراسیون فرانسه و امکانات ما در این زمینه بخوبی متوجه میشویم چه ضرره ای این مواضع ارتجاعی به مواضع مرفقی ما زده و چگونه حرکت آنها در توجیع تبلیغات عوام فریانه رژیم/ حقوق/ منافع و مبارزات خلق زحمتکش و استثمار شده ما را پایمال نموده است . در این رابطه فدراسیون فرانسه با دوشیاری کامل و بحق با انتشار جزو های جواب شایسته و دندان شکنی بانها داد و ما فعلا در اینجا وارد جزئیات امر نمیشویم .

در گذرگاه شانزدهم کفدراسیون/ قطعنامه ای مبنی بر محکوم کردن مواضع ارتجاعی سازمان " اومانیته روز " ارائه شد که گذرگاه آنرا علی رغم رأی مخالف خط راست تصویب نمود . مواضع مدتیست که زمره های شنیده میشود که گویا این باصلاح افراد مرفقی از خود انتقاد کرده اند یا اینکه در حال انتقاد از خود هستند . که حرفی پوچ و عاری از حقیقت بوده و این افراد همچنان بروی مواضع ارتجاعی خود اصرار و پافشاری دارند . این مسئله فقط مربوط بر رژیم ارتجاعی و وابسته شاه نبوده بلکه دربر گیرنده مجموعه ای از رژیتهایی نظیر رژیم ایران است .

بدین جهت است که ما بروی این دستاورد جنبش مرفقی خود تاکید کرده و خواهان آنیم که کسانی که ادعای مبارزه قاطع با رژیم پهلوی / این مزدور امپریالیسم / را دارند موضع خود را صریحا اعلام کنند . کاری که خط راست هر بار از زیر آن شانه خالی کرده است و میکند .

## ۲/ مسئله دفاع از شهید پرویز حکمت جو

وقایع : رفیق حکمت جو ۹ (نه) سال پیش توسط رژیم دستگیر و بعد ده سال زندان محکوم گشت . وی سال گذشته شدیدا تحت شکنجه ماموران ساواک قرار گرفت . از او میخواستند که برای مشارکتی رژیم بهشت تلو یزین بپاید که همچنان با مخالفت سر سخت رفیق روز بروز میشدند . شدت و مداومت شکنجه بانداز های بود که سرانجام رفیق حکمت جو بر اثر آن شهید شد . اگر چه حاملین خط راست از سه محل محل مختلف مسئولین کفدراسیون را در جریان شهادت رفیق گذاشتند/ اگر چه دبیران فدراسیون آلمان ( هر سه از حاملین خط راست ) در يك جزوه ( زندان/ سنگری از مبارزه ) از رفیق حکمت جو بعنوان فرزند خلق نام برده بودند و اگر چه همین حاملین خط راست بخاطر بزرگداشت روح رفیق شهید در سازمان مونیخ یک دقیقه سکوت اعلام کرده بودند/ بسجده شنیدن خبر رادیوی کمیته مرکزی حزب توده مبنی بر عضویت رفیق حکمت جو در کمیته مرکزی داد و فریادشان بلند شد که حکمت جو جاسوس سوسیال امپریالیسم شوروی بوده است . در این رابطه ما سال گذشته در کفدراسیون حدود شش ماه تضاد داخلی داشتیم که آیا باید از حکمت جو دفاع کرد یا نه . کار بدانجایی کشید که یکی از حاملین خط راست اعلام کرد که اگر وی يك رولور فقط يك گلوله داشته باشد و سرتیب نصیری ( رئیس ساواک ) و ایچ اسکندری ( دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ) حضور داشته باشند/ او با تنها گلوله اش ایچ اسکندری را خواهد کشت . یکی دیگر از حاملین خط راست اعلام کرد که چه رژیم لمر ( سفیر آمریکا در ایران و رئیس سابق سیا ) را بکشد چه حکمت جو را برای ما فرقی نمیکند .

باید باین رفقا گفت که اولا شما بدام این دارو دسته ضد خلقی افتاده اید که بصرف اعلام این موضوع از

طرف آنها که رفیق حکمت جو عضو کمیته مرکزی ( رهبری حزب توده ) بود است / آنرا قبول کرده ایم چرا که اصولاً این عادت این گروه ضد انقلابی است که از حیثیت سیاسی مبارزین شهید استفاده میکنند همانطور هم که در مبارزه قهرمان طی خسرو روزه کردند و مبارزین شهید وی اعلام نمودند که وی عضو کمیته مرکزی بوده است.

ثالثاً شما علیهم داد و فریادتان در مبارزه با این داور دسته ضد انقلابی و علیهم اندعیان که همه با کوشش پرچمداری مبارزه با این خائنین و دولت ضد خلقی و ضد انقلابی شوروی را میزنید اصولاً دید صحیحی از آنها ندارید و تصور میکنید که کسانی که شرایط اوج مبارزات انقلابی خلق ما در سالهای ۳۲-۱۳۲۷ بعنوان کمیته مرکزی و رهبری حزب توده قرار را برقرار میکنند و هنوز هم در کاره های دریای سیاه مسئول استراحتند / در شرایط فعلی توجیه و اختناق برای مبارزه با ایران خواهند رفت و بارزیم تا دندان مسلح مبارزه روزی خواهند کرد.

و ثالثاً اینکه شما با چنین نظرات و اعلام موضعی آب با سیاب این داور دسته ضد خلقی میریزید و انتظار دارید این میان ما هم باید چوبند انم کاریها و خط انحرافی شما را بخوریم.

چنین است اختلاف عمیق و اصولی ما با خط راست در دفاع بدون قید و شرط از مبارزین داخل کشور / این اختلافی که نتیجه یک اشتباه سیاسی نبوده بلکه در پشت آن دو دید و دو تجزیه و تحلیل کاملاً متفاوت سیاسی نهفته است. چنین مواضع غلطی ناشی از یک خط انحرافی سیستماتیک میباشد و در صورت عدم مبارزه با آن / جنبش دانشجویی ما به مواضع انحرافی و ارتجاعی / تا حد توجیه استبداد رژیم پیش خواهد رفت. چنین که جنبش مرقی و رزنده خارج کشور به هیچوجه من الوجوه بان گردن نخواهد گذارد. در این رابطه باید یاد آور شد که بعد از چنین اعلام موضعی بود که داور دسته ضد خلقی کمیته مرکزی اعلام کرد که " صدای ساواک از پشت بلند گوی گفتراسیون بلند شد ". چنین است مبارزه آقایان خط راست با این داور دسته ضد خلقی. در حقیقت دنیا راست با این چنین مبارزه ای به این داور دسته واداره و سازشکار حیات سیاسی نیز میبخشد.

### ۳/ مسئله طرح شعار سرنگونی

قبل از طرح مسئله توضیح یک نکته لازم است. تبلیغات ضد ولوک رژیم و باصطلاح هنرمندان و نویسندگان وی چنین بوده که هر وقت کسی حرفی ندارد شعار میدهند / یا شعاری حرف میزنند. در این مجمل مجال جوابگوئی باین تبلیغات نیست و نویسندگان مرقی تاکنون بدان جواب داده اند. در سطح سیاسی / شعار بمعنای خلاصه شده یک سیاست / تبایر آن وجهت دار کردن یک آکسیون میباشد. بی جهت نیست که طرح یک شعار مستلزم تجزیه و تحلیل شرایط مشخص بوده و شدیدترین بحثها نیز میتواند در پیرامون آن صورت گیرد.

گنگره ۱۱ گفتراسیون جهانی تصمیم با اتخاذ منشور ( برنامه سیاسی ) گرفت و در این رابطه طرحی پیشنهاد شد که از لحاظ سیاسی خواستار مبارزه گفتراسیون جهانی در کادر قانون اساسی و برای بدست آوردن حقوق مندرج در آن بخواهد نظر باینکه یکی از اصول قانون اساسی اصل سلطنت میباشد / و نظر باینکه اکثریت قاطع گنگره بتصمیم از خواست کل توده های خلق مخالف آن میباشد / در گنگره بحث و مبارزه سیاسی حادی بر گرفت و سرانجام خواستار بودن قانون اساسی و مبارزه کردن در کادر آن از طرح پیشنهادی منشور حذف گردید و منشور مورد تصویب گنگره قرار گرفت.

در خلال گنگره ۱۲ و پس از آن یکی از بحثهای درونی کنفدراسیون جهانی این بود که آیا جنبش دانشجویی خارج از کشور بعنوان بخشی از جنبش خلق خواستار سرنگونی رژیم ضد خلقی و وابسته ایران است یا نه ؟

دلایل مختلفی در رد شعار سرنگونی آورده شد که در هیچ رابطه مفطقی و عقلانی با هم نبودند / از قبیل توده دانشجویی از این شعار میریزد / ما ابزار سرنگونی رژیم را نداریم / در ایران حزب طبقه کارگر وجود ندارد / با قبول اینها ما نیز به چه دردی میرسیم / جنبش و توده های خلق هنوز باین خواست نرسیده اند // ما خواستار استقرار جمهوری دموکراتیک خلق هستیم / و غیره و غیره که هیچ نبودند مگر دلایلی این نوع که فرصت طلبانه و ماهیتاً سازشکار و راست گنگره برای پوشاندن

ماهیست راست خود/ در جامه "چپ" ظاهر میشوند و مادر جای دیگر بانها جواب خواهیم داد. بالاخره پس از چهار سال مبارزه و افشاکاری سیاسی/ کنگره شانزدهم کفدراسیون طرح منشوری را باخواست سرنگونی تصویب نمود. در اینجا لازم بتذکر است که نمایندگان سازشکار خط راست باین منشور رأی ندادند.

در حقیقت کنگره ۱۶ کنگره‌ای بود که بخاطر حدت تضادهای درونی و بن بست موجود/ کنگره "انقلاب" انشعاب بود و فقط بخاطر افشاکاری شدید سیاسی بود که نیروهای انشعابگر نتوانستند دست بانشعاب بزنند (ما قبل از کنگره ۱۶ در اینجا و آنجا بانشعاب سیاسی و تشکیلاتی روبرو بودیم/ این انشعاب پس از کنگره مسیر تحول و تکامل خود را با سرعت بیشتری ادامه داد) و اگرچه بخاطر همین افشاکاری سیاسی/ خط راست خود را در موضع دفاعی میدید و بلافاصله پس از کنگره ۱۶ صریحا صحبتی از عدم قبول سرنگونی نمیکرد/ پس از بن بست کشاندن کفدراسیون و تکمیل انشعاب سیاسی و تشکیلاتی (که در اینجا تنها نبودند و بخش انشعابگر دیگری/ از موضع راستروانه و سازشکارانه دیگری آنها را در این انشعاب سیاسی و تشکیلاتی همراهی کرد) در حال حاضر در گوشه و کنار صریحا صحبت از عدم قبول سرنگونی میگردد.

ما فکر میکنیم در زمانی که رژیم فاشیستی/ ضد خلقی و وابسته/ محمدرضا شاه هر روز خلق زحمتکش را زیر ضربات وحشی خود میکوبد/ در زمانی که مبارزات بحق طبقات و افشار خلقی از کارگردن حقان گرفته تا روشنفکران و دانشجویان/ روحانیون و کسبه با گلوله‌های مزدوران رژیم پاسخ داده میشود جنبش دانشجویی خارج از کشور/ بعنوان بخشی از جنبش خلق ما و در خدمت دفاع از مبارزین و مبارزات داخل کشور نمیتواند خواستار سرنگونی این رژیم نباشد.

ما فکر میکنیم که دیگر زمان بحثهای فله کفدهای از قبیل اینکه آیا ما خواستار سرنگونی هستیم یا نه پایان رسیده و جنبش دانشجویی نمیتواند توده دانشجویان را بدور محوری غیر از سرنگونی رژیم بسیج کند/ ما نمیتوانیم و نباید فعالیت خود را بدور محور کارهای صنفی برای دانشجویان قرار داده و در پی ایجاد "کمیته‌های امدادی" و یا حتی "کمیپ تعمیر ماشین" (چیزی که در سازمان استراسبورگ انجام میگردد) برویم.

زمان زمان تعیین تکلیف و روشن نمودن مواضع است و ما غیر از این حرفی نداریم. و بر پایه این خواست بود که برای بهتر شناساندن خطوط رزمنده و راست مایشتنها را شامل هفت نکته/ که نیستند مگر مصوبات کنگره‌های کفدراسیون جهانی و منشور آن (و همه آنها را در حرف قبول دارند) مطرح نمودیم و نمایندگان خط راست همانطور که حتی از طرح چنین پیشنهادی در سازمان برلن جلوگیری کرده بود/ در جلسه سازمان گرونویل در روز یکشنبه ۲۳ نوامبر ۱۹۷۲/ پس از سعی در جلوگیری از مطرح شدن پیشنهاد عدم موفقیت در این امر و پس از چندین با عتضت کردن جلسه سازمان سرانجام از شرکت در رأی گیری خودداری کردند/ تو گوئی که با این جریان نمیتواند محتوای سازشکار خط راست خود را از نظر توده دانشجویی مخفی نگاه دارد.

ما فکر میکنیم که حامین و نمایندگان خط راست با تحت سوال قرار دادن و زیر پا گذاشتن اساسیترین اصول کفدراسیون جهانی که نتیجه سالها مبارزه قاطع و پیگیر با رژیم ضد خلقی و وابسته با امپریالیسم شاه میباشند/ عملا از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی از جنبش دانشجویی که بخشی از جنبش خلق میباشد انشعاب نموده‌اند. خط راست با این مواضع سازشکار و انحرافی خود هیچگونه جایی برای خویش در جنبش موقتی دانشجویان ایرانی و سازمان مشکل و رزمنده آنها کفدراسیون جهانی باقی نگذاشته است.

ما از تمام دانشجویان موقتی که معتقد بمبارزه قاطع و بیچون و چرا علیه رژیم فاشیستی محمدرضا شاه و امپریالیسم بر اساس کلیه مصوبات و منشور کفدراسیون جهانی میباشند دعوت میکنیم در درون سازمان رزمنده گرونویل باین مبارزه ادامه دهند باشد که بدین وسیله گوشه‌ای از وظیفه خود را در قبال خلق مبارز و زحمتکش بنحو ایستاد انجام دهیم.

با مبارزه قاطع علیه رژیم ضد خلقی و وابسته با امپریالیسم شاه و طرد خطوط سازشکار و انحرافی دستاوردهای موقتی کفدراسیون جهانی - نتیجه پانزده سال مبارزه درخشان جنبش دانشجویی خارج از کشور را حفظ نموده و قوام بخشیم!

سنگون بنام رژیم منشور پیرو ی لوی!

سازمان دانشجویان و محصلین ایرانی در گرونویل

فات  
نظریه‌تشدید اختلافات درونی کفدراسیون و درکهای متفاوت از اساسی‌ترین اصول آن و نظریه‌ای که این اختلافات سازمان‌ها و فعالیتهای آنها به‌رکود کشانده/مالاژم میدانیم برای دقیق نمودن مواضع خود و حفظ دستاوردهای مترقی گذشته کفدراسیون جهانی نکات زیر را یادآوری نمود و قبول بدون قید و شرط آنها را برای همکاری و مبارزه مشترک در درجه اول اهمیت قرار دهیم.

از یک دیدگاه مبارز و مترقی، نکات زیر شامل حداقل زمینه لازم برای مبارزه قاطع مشترک علیه رژیم خودکامه و فاشیستی شاه و دفاع از مبارزات و مبارزین خلق زحمتکش ما می‌باشد:

۱/ سرنگونی - جنبش مردم ایران و در تبعیت از آن جنبش دانشجویی بخاطر سرنگونی حکومت مطلقه پهلوی/ پایان دادن به سلطه طبقات ارتجاعی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و ایجاد جامعه مستقل و استقرار دموکراسی و آزادی به نفع مردم ایران و بویژه بنفع توده‌های ملیونی زحمتکشان مبارزه مینماید. لذا شعار سرنگونی بایستی در تمام آکسیونهای دفاعی سازمان بدون هیچ قید و شرطی آورده شده و مبنای سرنگونی تبلیغ گردد.

۲/ دفاع بی‌قید و شرط از مبارزات خلق - سازمان ماکه سازمانی دموکراتیک و توده‌ایست بعنوان بخشی از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ما موظف است از کلیه مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی طبقات و اقشار مختلف کارگران/ دهقانان/ روشنفکران و روحانیون مترقی/ کسبه و سایر اقشار خلق و سازمانهای رزمنده انقلابی خلق ما از جمله "سازمان چریکهای فدائی خلق" و "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدون هیچگونه قید و شرطی دفاع نماید.

۳/ عمان - از آنجاییکه خلق برادر ما خلق عمان بوسیله رژیم فاشیستی ایران مورد تجاوز قرار گرفته و نیروهای مزدور ایرانی مستقیماً در قتل و کشتار میهن پرستان عمان دخالت دارند/ گذشته از وظیفه انترناسیونالیستی ما/ وظیفه ملی و میهنی ماست که از جنبه آزاد بیخش خلق عمان بانام نیرو و بدون هیچگونه قید و شرطی دفاع نمود و برای خروج نیروهای مزدور رژیم فاشیستی شاه از عمان مبارزه نموده و نقش شاه را بعنوان ژاندارم امپریالیسم آمریکا در این منطقه افشا نمائیم.

۴/ دفاع از زندانیان سیاسی - باتوجه به اهمیت توده‌های دموکراتیک آن/ سازمان ما موظف است از کلیه مبارزین در بند/ از هر طبقه و قشر که بخاطر مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی گرفتار رژیم فاشیستی محمد رضا شاه گردیده‌اند/ بدون توجه به عقاید سیاسی و وابستگیهای ایدئولوژیکی آنها دفاع نموده و برای آزادی آنها از چنگال رژیم خونخوار پهلوی مبارزه نماید.

۵/ سازمان ما موظف است بر اساس مصوبات کنگره‌های کفدراسیون نسبت به افشای سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی دولت شوروی که در رقابت و همکاری با امپریالیسم آمریکا و منظور سیادت طلبی جهانی اعمال میگردد و هم چنین افشای ماهیت ضد خلقی/ تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه/ دارودسته/ کمیته مرکزی عمل نماید.

۶/ روابط و همکاری با سازمانهای مترقی و ضد امپریالیستی - سازمان ما موظف است در روابط بین‌المللی خود/ با حفظ و دفاع از مواضع کفدراسیون و در کادر مصوبات کنگره‌های آن/ با سازمانهای پیشرو و ضد امپریالیستی همکاری نماید.

۷/ سازمان ما مواضع ارتجاعی سازمان "امانیته روژ" در شناسائی باصطلاح "سیاست مستقل و ملی" رژیم وابسته با امپریالیسم شاه را محکوم کرده و افشای این مواضع ارتجاعی را در سطح افکار عمومی مترقی از وظایف خود مینماید.

## سازمان دانشجویان ایرانی در گرونوبل

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (تاریخچه طرح "خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کنفدراسیون بر اساس اسناد)

مواضع سازمان دانشجویان و محصلین ایرانی در گرونوبل

"امروز در درون جنبش دانشجویی خارج از کشور - کنفدراسیون جهانی - و بخش متشکل آن در گرونوبل سازمان دانشجویان ایرانی در گرونوبل - مسائلی می‌گذرد که، نظر به تعهد و مسئولیتی که در مقابل توده دانشجویی خارج از کشور احساس می‌کنیم، خود را موظف به بدون آنها به میان رفقای عضو و غیرعضو دانسته تا در جهت توجیه و تقویت خط رزمنده و افشاء و طرد مواضع انحرافی و سازشکار بکوشیم. باشد که به سهم خود و در حد توانائیمان در خدمت این امر کوشیده و در خدمت دفاع از مبارزین و مبارزات خلق و افشای ماهیت و سیاست ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم رژیم ارتجاعی محمد رضاشاه وظیفه خود را ادا کرده باشیم.

اصولا در درون هرگروه‌بندی یا تشکل همیشه عقاید و نظرات مختلف و ناهمگونی وجود دارد و این امر برای یک سازمان توده ای دموکراتیک دو چندان صادقست چرا که در یک چنین سازمانی افراد بر پایه یک هدف مشترک با افکاروایدئولوژی های مختلف و حتی در مواردی متضاد گرد هم جمع می‌شوند.

تشکلی که در درون آن تضاد وجود نداشته باشد مانند هر پدیده یا پروسه ای نمی‌تواند رشد کند و در حقیقت این وجود تضاد و حل صحیح آنست که به تشکل قوام داده و محتوای آنرا غنی‌تر می‌سازد.

چنین است در مورد سازمان دانشجویی ما کنفدراسیون جهانی که در طول حیات سیاسی و مبارزاتی درخشان گذشته خود همواره تضادهایی را بخود دیده و با حل صحیح آنها محتوای خود را غنی‌تر و مستحکم‌تر نموده و سطح سیاسی مواضع خود را در جهت هرچه بیشتر و بهتر خدمت کردن به خلق ارتقاء داده است.

یکی از این موارد، تضاد با دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی "حزب" توده ایران بود که می‌خواستند با قبولاندن مواضع رفرمیست و سازشکار و واداده خود سازمان ما را به سازمانی زرد و فرصت طلب تبدیل نمایند که توده دانشجوی هوشیارانه به آنها برخورد نموده با تو دهنی محکمی آنها را از میان صفوف خود طرد نمود و آنها را بیش از پیش به منجلاب رفرمیست و سازشکارشان فرو رفتند. پس از طرد مشی رفرمیست کمیته مرکزی، خط مشی دیگری در قالب پوشش جدیدی در کنفدراسیون جهانی نمودار گردید که در حقیقت از لحاظ سیاسی هیچ تضاد و تفاوتی با خط مشی سازشکارانه کمیته مرکزی نداشت، مگر در ظاهر امر این خط مشی که در کنفدراسیون جهانی به خط راست معروف شد و همچنان نیز همانست (با عمده‌کردن به اصطلاح مبارزه بر علیه دولت ضد خلقی شوروی و کمیته مرکزی. تخطئه کردن مبارزات انقلابی سازمان‌های پیششار جنبش نوین انقلابی درون کشور و خرابکاری در مبارزات قاطع ضد رژیمی کنفدراسیون) سعی نمود تا خط غلط و انحرافی خود را به سازمان ما تحمیل نماید. گرایش انحرافی جدید در کنفدراسیون جهانی از همان ابتدا با مبارزه شدیدی روبرو شد و ظرف چند سال گذشته تضاد داخلی عمده سازمان ما را تشکیل میداد که متأسفانه نتوانسته است تاکنون حل شود و ظرف تقریباً دو سال گذشته سازمان مرفقی ما را عملاً فلج و از مبارزه قاطع پیگیر با رژیم ضد خلقی و وابسته بامپریالیسم شاه بازداشته است.

امروز ما با دیدها و درک‌های کاملاً متفاوت و متضاد از اساسی‌ترین اصول کنفدراسیونی مواجه هستیم که در زیر به نکات مهمی که مورد اختلاف یا یکی از انحراف‌های کنفدراسیون می‌باشد برخورد می‌کنیم:

مسائلی که توضیح خلاصه آنها را لازم می‌دانیم نکات زیر است:

- ۱- روابط ما با سازمان‌های خارجی و افشای مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز"!
- ۲- وظیفه ما در قبال مبارزین داخل کشور در دفاع بدون قید و شرط از آنها و مسئله رفیق شهید پرویز حکمت جو!
- ۳- موضع ما در جهت مبارزه با رژیم و خواستار بودن سرنگونی رژیم منفور پهلوی!

## ۱- مسئله مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز"

در ماه ژوئن سال گذشته (۱۹۷۴) شاه خائن برای بیش‌تر به تاراج گذاردن ثروت‌های ملی خلق ما/ به فرانسه آمد. بنابر سنت کنفدراسیون/ که هیچ‌گاه مسافرت‌های این خائن به منافع خلق ما را بی جواب نمی‌گذارد/ فدراسیون فرانسه وارد یک کارزار وسیع افشاگرانه شد و از سازمان‌های مترقی فرانسوی و خارجی در راه این هدف کمک گرفت. یکی از سازمان‌هایی که فدراسیون فرانسه با آن تماس گرفت سازمان "اومانیته روز" بود که پس از سه جلسه بحث و گفتگو که بیش از ۸ طول کشید اعلام کردند که از مواضع فدراسیون فرانسه در افشای سیاست وابسته به امپریالیسم شاه دفاع نمی‌کند.

آنها نه تنها از مواضع مترقی ما دفاع نکردند/ بلکه در جهت مواضع ارتجاعی خویش تا بدانجا پیش رفتند که اعلام نمودند که شاه سیاستی مستقل و ملی دارد و در منطقه بر ضد دو ابر قدرت مبارزه می‌کند. تجزیه و تحلیل غلط آنها را بدانجا کشاند که ژاندارم شماره یک امپریالیسم آمریکا در منطقه را دارنده سیاستی مستقل و ملی دانستند.

با مقایسه وسعت این سازمان و امکانات وسیع آن در سطح افکار عمومی مترقی/ با وسعت فدراسیون فرانسه و امکانات ما در این زمینه به خوبی متوجه می‌شویم چه ضربهای این مواضع ارتجاعی به مواضع مترقی ما زده و چگونه حرکت آنها در توجیح تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم/ حقوق منافع و مبارزات خلق زحمتکش و استثمار شده ما را پامال نموده است. در این رابطه فدراسیون فرانسه با هوشیاری کامل و به حق با انتشار جزوهای جواب شایسته و دندان‌شکنی به آنها داد و ما فعلا در اینجا وارد جزئیات امر نمی‌شویم.

در کنگره شانزدهم کنفدراسیون/ قطعنامه ای مبنی بر محکوم کردن مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز" ارائه شد که کنگره آنرا علیرغم رای مخالف خط راست تصویب نمود.

مدتیست که زمزمه هائی شنیده می‌شود که گویا این باصطلاح افراد مترقی از خود انتقاد کرده اند یا اینکه در حال انتقاد از خود هستند. که حرفی پوچ و عاری از حقیقت بوده و این افراد همچنان بروی مواضع ارتجاعی خود اصرار و پافشاری دارند. این مسئله فقط مربوط به رژیم ارتجاعی و وابسته شاه نبوده، بلکه در برگرفته مجموعه‌ای از رژیم‌هائی نظیر رژیم ایران است. بدین جهت است که ما بروی این دستاورد جنبش مترقی خود تاکید کرده و خواهان آنیم که کسانی که ادعای مبارزه قاطع با رژیم پهلوی/ این مزدور امپریالیسم/ را دارند موضع خود را صریحا اعلام کنند. کاری که خط راست هر بار از زیر آن شانه خالی کرده است و می‌کند.

## ۲- مسئله دفاع از شهید پرویز حکمت جو

وقایع: رفیق حکمت جو ۹ (نه) سال پیش توسط رژیم دستگیر و به ده سال زندان محکوم گشت. وی سال گذشته شدیداً تحت شکنجه ماموران ساواک قرار گرفت. از او می‌خواستند که برای مشاطه‌گری رژیم به پشت تلویزیون بیاید که هم‌چنان با مخالفت سرسخت رفیق روبرو می‌شدند. شدت و مداومت شکنجه باندازه ای بود که سرانجام رفیق حکمت جو بر اثر آن شهید شد. اگر چه حاملین خط راست از سه محل مختلف مسئولین کنفدراسیون را در جریان شهادت رفیق گذاشتند/ اگر چه دبیران فدراسیون آلمان (هر سه از حاملین خط راست) در یک جزوه (زندان/ سنگری از مبارزه) از رفیق حکمت جو به عنوان فرزند خلق نام برده بودند و اگر چه همین حاملین خط راست به خاطر بزرگداشت روح رفیق شهید در سازمان مونیخ یک دقیقه سکوت اعلام کرده بودند/ به مجرد شنیدن خبر رادیوی کمیته مرکزی حزب توده مبنی بر عضویت رفیق حکمت جو در کمیته مرکزی داد و فریاد شان بلند شد که حکمت جو جاسوس سوسیال امپریالیسم شوروی بوده است. در این رابطه ما سال گذشته در کنفدراسیون حدود شش ماه تضاد داخلی داشتیم که آیا باید از حکمت جو دفاع کرد یا نه. کار بدانجائی کشید که یکی از حاملین خط راست اعلام کرد که اگر وی یک رولور و فقط یک گلوله داشته باشد و سرتیپ نصیری (رئیس ساواک) و ایرج اسکندری (دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده) حضور داشته باشند/ او با تنها گلوله اش ایرج اسکندری را خواهد کشت. یکی دیگر از حاملین خط راست اعلام کرد که چه رژیم هلمز (سفیر آمریکا در ایران و رئیس سابق سیا) را بکشد چه حکمت جو را برای ما فرقی نمی‌کند.

باید باین رفا گفت که اولاً شما بدام دارودسته ضد خلقی افتاده‌اید که به صرف اعلام این موضوع از طرف آنها که رفیق حکمت جو عضو کمیته مرکزی (رهبر حزب توده) بوده است/ آنرا قبول کرده‌اید. چرا که اصولاً این عادت این گروه ضد انقلابی است که از حیثیت سیاسی مبارزین شهید استفاده می‌کنند. همان‌طور هم که در باره قهرمان ملی خسرو روزبه کردند و پس از شهادت وی اعلام نمودند که وی عضو کمیته مرکزی بوده است.

ثانیاً شما علیرغم دادو فریادتان در مبارزه با این دارودسته ضد انقلابی و علیرغم ادعایتان که همه جا کوس پرچم‌داری مبارزه با این خائنین و دولت ضد خلقی و ضد انقلابی شوروی را می‌زنید اصولاً دید صحیحی از آنها ندارید و تصور می‌کنید که کسانی که در شرایط اوج مبارزات انقلابی خلق ما در سال‌های ۳۲ - ۱۳۲۷ بعنوان کمیته مرکزی و رهبری حزب توده فرار را بر قرار ترجیح دادند و هنوز هم در کناره های دریای سیاه مشغول استراحتند/ در شرایط فعلی ترور و اختناق برای مبارزه به ایران خواهند رفت و با رژیم تا دندان مسلح مبارزه رودروی خواهند کرد.

و ثالثاً اینکه شما با چنین نظرات و اعلام موضع‌هائی آب به آسیاب این دارودسته ضد خلقی می‌ریزید و در این میان ما هم باید چوب ندانم‌کاری‌ها و خط انحرافی شما را بخوریم.

چنین است اختلاف عمیق و اصولی ما با خط راست در دفاع بدون قید و شرط از مبارزین داخل کشور/ اختلافی که نتیجه یک اشتباه سیاسی نبوده، بلکه در پشت آن دو دید و دو تجزیه و تحلیل کاملاً متفاوت سیاسی نهفته است. چنین مواضع غلطی ناشی از یک خط انحرافی سیستماتیک می‌باشد و در صورت عدم مبارزه با آن/ جنبش دانشجویی ما به مواضع انحرافی و ارتجاعی/ تا حد توجیه استبداد رژیم پیش خواهد رفت. چیزی که جنبش مترقی و رزمنده خارج کشور به هیچ‌وجه من‌الوجه به آن گردن نخواهد گذارد. در این رابطه باید یادآور شد که بعد از چنین اعلام موضع‌هائی بود که دارودسته ضد خلقی کمیته

مرکزی اعلام کرد که "صدای ساواک از پشت بلندگوی کنفدراسیون بلند شد". چنین است مبارزه آقایان خط راست با این دارودسته ضد خلقی. در حقیقت خط راست با این چنین مبارزهای به این دارودسته واداده و سازشکار حیات سیاسی نیز می‌بخشد.

### ۳/ مسئله طرح شعار سرنگونی

قبل از طرح مسئله توضیح یک نکته لازم است. تبلیغات ایدئولوژیک رژیم و باصطلاح هنرمندان و نویسندگان وی چنین بوده که هر وقت کسی حرفی ندارد شعار میدادند/ یا شعاری حرف میزدند. در این مجمل مجال جوابگوئی باین تبلیغات نیست و نویسندگان مترقی تاکنون بدان جواب داده اند. در سطح سیاسی/ شعار بمعنای خلاصه شده یک سیاست/ تبلور آن وجهت دار کردن یک آکسیون میباشد، بی جهت نیست که طرح یک شعار مستلزم تجزیه و تحلیل شرایط مشخص بوده و شدیدترین بحثها نیز میتواند در پیرامون آن صورت گیرد.

کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی تصمیم باتخاذ منشور (برنامه سیاسی) گرفت و در این رابطه طرحی پیشنهاد شد که از لحاظ سیاسی خواستار مبارزه کنفدراسیون جهانی در کادر قانون اساسی و برای بدست آوردن حقوق مندرج در آن بودند نظر به اینکه یکی از اصول قانون اساسی اصل سلطنت میباشد/ و نظر به اینکه اکثریت قاطع کنگره به تبعیت از خواست کل توده‌های خلق مخالف آن میباشد/ در کنگره بحث و مبارزه سیاسی حادی سرگرفت و سرانجام خواستار بودن قانون اساسی و مبارزه کردن در کادر آن از طرح پیشنهادی منشور حذف گردید و منشور مورد تصویب قرار گرفت.

در خلال کنگره ۱۲ و پس از آن/ یکی از بحث‌های درونی کنفدراسیون جهانی این بود که آیا جنبش دانشجویی خارج از کشور به عنوان بخشی از جنبش خلق خواستار سرنگونی رژیم ضد خلقی و وابسته ایران است یا نه؟

دلایل مختلفی در رد شعار سرنگونی آورده شد که در هیچ رابط منطقی و عقلانی با هم نبودند/ از قبیل توده دانشجویان از این شعار می‌رمد/ ما ابزار سرنگونی رژیم را نداریم/ در ایران حزب طبقه کارگر وجود ندارد/ با قبول این ما زیر پرچم بورژوازی می‌رویم/ جنبش و توده‌های خلق هنوز به این خواست نرسیده‌اند/ ما خواستار استقرار جمهوری دموکراتیک خلق هستیم/ و غیره و غیره که هیچ نبودند مگر دلایلی این‌الوقت/ فرصت‌طلبانه و ماهیتا سازشکار و راست که گه‌گاه برای پوشاندن ماهیت راست خود/ در جامه "چپ" ظاهر می‌شدند و ما در جای دیگر به آنها جواب خواهیم داد. بالاخره پس از چهار سال مبارزه و افشاءگری سیاسی/ کنگره شانزدهم کنفدراسیون طرح منشوری را با خواست سرنگونی تصویب نمود. در اینجا لازم به تذکر است که نمایندگان سازشکار خط راست به این منشور رای ندادند. (تاکید از توفان)

در حقیقت کنگره ۱۶ کنگره‌ای بود که به خاطر حدت تضادهای درونی و بن‌بست موجود/ کنگره انشعاب بود و فقط به خاطر افشاگری شدید سیاسی بود که نیروهای انشعاب‌گر نتوانستند دست به انشعاب بزنند (ما قبل از کنگره ۱۶ در اینجا و آنجا با انشعاب سیاسی و تشکیلاتی روبرو بودیم/ این انشعاب پس از کنگره سیر تحول و تکامل خود را با سرعت بیشتری ادامه داد) و اگر چه به خاطر همین افشاءگری سیاسی/ خط راست خود را در موضع دفاعی می‌دید و بلافاصله پس از کنگره ۱۶ صریحا صحبتی از عدم قبول سرنگونی نمی‌کرد/ پس از به بن‌بست کشاندن کنفدراسیون و تکمیل انشعاب سیاسی و تشکیلاتیشان (که در این کار تنها نبودند و بخش انشعاب‌گر دیگری/ از موضع راست‌روانه و سازش‌کارانه دیگری آنها را در این انشعاب سیاسی و تشکیلاتی همراهی کرد) در حال حاضر در گوشه و کنار صریحا صحبت از عدم قبول سرنگونی می‌کند.

ما فکر می‌کنیم در زمانی که رژیم فاشیستی/ ضد خلقی و وابسته محمد رضا شاه هر روز خلق زحمتکش ما را زیر ضربات وحشی خود می‌کوبد/ در زمانی که مبارزات به حق طبقات و اقشار خلقی از کارگر و دهقان گرفته تا روشنفکران از جنبش خلق ما و در خدمت دفاع از مبارزان و مبارزات داخل کشور نمی‌تواند خواستار سرنگونی این رژیم نباشد.

ما فکر می‌کنیم که دیگر زمان بحث‌های فلج‌کننده‌ای از قبیل اینکه آیا ما خواستار سرنگونی هستیم یا نه به پایان رسیده و جنبش دانشجویی نمی‌تواند توده دانشجویان را به دور محوری غیر از سرنگونی رژیم بسیج کند/ ما نمی‌توانیم و نباید فعالیت خود را به دور محور کارهای صنفی برای دانشجویان قرار داده و در پی ایجاد "اکیپ‌های امدادی" و یا حتی "اکیپ تعمیر ماشین" (چیزی که در سازمان استراسبورگ انجام می‌گیرد) بود، برویم.

زمان زمان تعیین تکلیف و روشن‌نمودن مواضع است و ما غیر از این حرفی نداریم.

و برپایه این خواست بود که برای بهتر شناساندن خطوط رزمنده و راست ما پیشنهادی را شامل هفت نکته/ که نیستند مگر مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون و منشور آن (و همه آنها را در حرف قبول دارند) مطرح نمودیم و نمایندگان خط راست/ همان‌گونه که حتی چنین طرح چنین پیشنهادی در سازمان برلن جلوگیری کرده بود/ در جلسه سازمان گرونیول در روز یکشنبه ۲۳ نوامبر ۱۹۷۵ / پس از سعی در جلوگیری از مطرح شدن پیشنهاد و عدم موفقیت در این امر و پس از چندین بار متشنج کردن جلسه سازمان سرانجام از شرکت در رای‌گیری خودداری کردند/ تو گوئی که با این جریانات می‌تواند محتوای سازشکار خط راست خود را از نظر توده دانشجوی مخفی نگاهدارد.

ما فکر می‌کنیم که حاملین و نمایندگان خط راست با تحت سؤال قرار دادن و زیر پا گذاشتن اساسی ترین اصول کنفدراسیون جهانی که نتیجه سال‌ها مبارزه قاطع و پیگیر با رژیم ضد خلقی وابسته به امپریالیسم شاه می‌باشد/ عملا از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی از جنبش دانشجویی که بخشی از جنبش خلق می‌باشد انشعاب نموده‌اند.

خط راست با این مواضع سازشکار و انحرافی خود هیچ‌گونه جانی برای خویش در جنبش مترقی دانشجویان ایرانی و سازمان متشکل و رزمنده آنها کنفدراسیون جهانی باقی نگذاشته است.

ما از تمام دانشجویان مترقی که معتقد به مبارزه قاطع و بی چون و چرا علیه رژیم فاشیستی محمد رضا شاه و امپریالیسم بر اساس کلیه مصوبات و منشور کنفدراسیون جهانی می‌باشند دعوت می‌کنیم در درون سازمان رزمنده گرونیبل به این مبارزه ادامه دهند. باشد که بدین وسیله گوشه‌ای از وظیفه خود را در قبال خلق مبارز زحمتکش به نحو احسن انجام دهیم.

با مبارزه قاطع علیه رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم شاه و طرد خطوط سازشکار و انحرافی دستاوردهای مترقی کنفدراسیون جهانی - نتیجه پانزده سال مبارزه درخشان جنبش دانشجویی خارج از کشور - را حفظ نموده و قوام بخشیم!

سرنگون باد رژیم منفور پهلوی!

سازمان دانشجویان و محصلین ایرانی در گرونیبل " (تکیه همه جا از توفان)

\*\*\*

"نظریه تشدید اختلافات درونی کنفدراسیون و درک‌های متفاوت از اساسی‌ترین اصول آن و نظر به اینکه این اختلافات سازمان‌ها و فعالیت‌های آنها به رکود کشانده/ ما لازم می‌دانیم برای دقیق‌نمودن مواضع خود و حفظ دستاوردهای مترقی گذشته کنفدراسیون جهانی نکات زیر را یادآوری نموده و قبول بدون قید و شرط آنها را برای همکاری و مبارزه مشترک در درجه اول اهمیت قرار دهیم .

۱- سرنگونی - جنبش مردم ایران و در تبعیت از آن جنبش دانشجویی به خاطر سرنگونی حکومت مطلقه پهلوی/ پایان دادن به سلطه طبقات ارتجاعی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم و ایجاد جامعه ای مستقل و استقرار دموکراسی و آزادی به نفع مردم ایران و به ویژه به نفع توده‌های میلیونی زحمتکشان مبارزه می‌نماید. لذا شعار سرنگونی بایستی در تمام آکسیون‌های دفاعی سازمان بدون هیچ قید و شرطی آورده شود و مشی سرنگونی تبلیغ گردد.

۲- دفاع بی قید و شرط از مبارزات خلق - سازمان ما که سازمانی دموکراتیک و توده‌ایست به عنوان بخشی از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ما موظف است از کلیه مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی طبقات و اقشار مختلف کارگران/ دهقانان/ روشنفکران و روحانیون مترقی/ کسبه و سایر اقشار خلقی و سازمان‌های رزمنده انقلابی خلق ما از جمله "سازمان چریک‌های فدائی خلق" و "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدون هیچ‌گونه قید و شرطی دفاع نماید.

۳- عمان - از آنجائی که خلق برادر ما خلق عمان به وسیله رژیم فاشیستی ایران مورد تجاوز قرار گرفته و نیروهای مزدور ایرانی مستقیماً در قتل و کشتار میهن‌پرستان عمان دخالت دارند/ گذشته از وظیفه انترناسیونالیستی ما/ وظیفه ملی و میهنی ماست که از جبهه آزادیبخش خلق عمان با تمام نیرو و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی دفاع نموده و برای خروج نیروهای مزدور رژیم فاشیستی شاه از عمان مبارزه نموده و نقش شاه را به عنوان ژاندارم امپریالیسم آمریکا در این منطقه افشا نمائیم.

۴- دفاع از زندانیان سیاسی - با توجه به ماهیت توده‌ای و دموکراتیک آن/ سازمان ما موظف است از کلیه مبارزین دربند/ از هر طبقه و قشر که بخاطر مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی گرفتار دژخیمان رژیم فاشیستی محمد رضا شاه گردیده‌اند/ بدون توجه به عقاید سیاسی و وابستگی‌های ایدئولوژیکی آنها دفاع نموده و برای آزادی آنها از چنگال رژیم خونخوار پهلوی مبارزه نماید.

۵- سازمان ما موظف است بر اساس مصوبات کنگره های کنفدراسیون نسبت به افشای سیاست ضد خلقی و ضد انقلابی دولت شوروی که در رقابت و همکاری با امپریالیسم آمریکا و به منظور سیادت طلبی جهانی اعمال می‌گردد و همچنین افشای ماهیت ضد خلقی/ تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه دارودسته کمیته مرکزی عمل نماید

۶- روابط و همکاری با سازمان‌های مترقی و ضد امپریالیستی - سازمان ما موظف است در روابط بین‌المللی خود/ با حفظ و دفاع از مواضع کنفدراسیون و در کادر مصوبات کنگره‌های آن/ با سازمان‌های پیشرو و ضد امپریالیستی همکاری نماید.

۷- سازمان ما مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روژ" - در شناسائی باصطلاح "سیاست مستقل و ملی" رژیم وابسته به امپریالیسم شاه - را محکوم کرده و افشای این مواضع ارتجاعی را در سطح افکار عمومی مترقی از وظائف خود می‌شمارد.

سازمان دانشجویان و محصلین ایرانی در گرونیبل<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - آقای کاظم کردوانی یکی از بلندگوهای گروه "کادر" ها، بعد از انقلاب به عنوان فردی رفرمیست و اصلاح‌طلب، مشتری دائمی برنامه‌های رادیو "بی. بی. سی." لندن شد و با ایشان به عنوان "کارشناس" امور کنفدراسیون مرتب مصاحبه می‌گردید.

قای کاظم کردوانی در برنامه "به عبارت دیگر: گفت و گو با آقای کاظم کردوانی" توسط آقای عنایت فانی به تمام اعتقادات "انقلابی" و "رزمنده" گذشته خود ه بهانه "آرمانخواهی دوران گذشته" پشت پای محکمی زدند و مدعی شدند که: "برغم همه خدماتی که چه رضا شاه و چه محمد رضا شاه" به ایران کردند، آنها

غول استبداد را که آزادیخواهان مشروطیت مهار کرده بودند از بطری بدر آوردند و مجدداً در ایران برقرار کردند. ایشان مدعی شدند که مبارزه آقای کردوانی با رژیم شاه تنها برای استقرار آزادی و دموکراسی و نفی استبداد بوده است نه چیز دیگر.

وی به شاه انتقاد کرد که وی تمام خواست‌های روشنفکران را رد می‌کرد و راهی برای آنها باقی نگذاشت که با شاه مخالفت کنند. به نظر ایشان انقلاب ایران را نیز مردمی کردند که نظریات خویش را به آزادیخواهان درون کنفدراسیون از جمله آقای کاظم کردوانی تحمیل نمودند. آقای کاظم کردوانی با توسل به فشار توده‌ها از زیر بار اظهار نظر در مورد ماهیت انقلاب ایران طفره می‌رود.

روشن است که این نظریات کنونی آقای کاظم کردوانی در مغایرت کامل با نظرات دیروز ایشان است. جا داشت که آقای کردوانی به گذشته خویش و خطامشی‌ای که به کنفدراسیون همراه با دوستانشان تحمیل کردند، انتقاد می‌نمودند. ایشان که تا دیروز خواهان درج سرنگونی رژیم شاه در منشور کنفدراسیون بوده و به نفی مبارزه دموکراتیک در آن زمان رسیده بود و از سازمان صنفی دانشجویی حزب سیاسی می‌ساخت، در این مصاحبه از "خدمات و میهن‌پرستی" شاه و رضا شاه صحبت می‌کند که نشانه درک نازل ایشان از تاریخ ایران است. هم رضا شاه و هم محمد رضا شاه عمال بیگانه بوده و با یاری آنها در ایران به حکومت رسیدند و لذا نمی‌توانستند به ایران خدماتی کرده و میهن‌پرست بوده باشند. آنها به منافع امپریالیسم خدمت کردند. مراجعه کنید به مصاحبه زیر:

<https://youtu.be/JYxgtmdHEPA>

## سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در فصل هفتم بخش: (تاریخچه طرح "خواست سرنگونی رژیم شاه" در کنگره کنفدراسیون بر اساس اسناد)  
نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" - نشریه شماره ۸، سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

## خط مشی سازمان توفان در قبال کنفدراسیون

## ما و کنفدراسیون

خط مشی سازمان توفان در قبال کنفدراسیون  
مصبو هیئت مرکزی سازمان توفان

## ما و کنفدراسیون

۱- کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در حال حاضر سست‌ترین صدائی است که علیه جنایات و خیانت‌های شاه و دولت ایران در سراسر جهان طنین می‌افکند. نقش برجسته کنفدراسیون در شناساندن ماهیت ضد ملی و ضد مردم-کراتیک حکومت شاه، در مبارزه با این حکومت و با پشتیبانان خودی و بیگانه آن، در پشتیبانی از مبارزات توده‌های مردم ایران بخاطر آزادی و استقلال و در دفاع از حقوق حقه توده دانشجویان قبال تجاوز و اجحاف، در برابر همبستگی با نهضت‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی جهان، سازمان ما را بر آن می‌دارد که کنفدراسیون را همه جانبه مورد پشتیبانی قرار دهد و در حفظ و حراست آن بکوشد. حفظ و حراست کنفدراسیون بویژه در شرایط کنونی که شاه و پشتیبانان وی در امحاء و نابودی آن اصرار می‌ورزند وظیفه گلب نیروهای انقلابی و آنجمله سازمان ما است.

رفقای سازمانی وظیفه دارند در سازمانهای دانشجویی شرکت جویند، در پیش برد امور این سازمانها، در پیش برد امور کنفدراسیون از هیچ کوششی فرونگدارند، اهمیت نقش کنفدراسیون را برای توده دانشجویان تشریح کنند، آنها را به شرکت فعال در سازمانهای دانشجویی ترغیب و تشویق نمایند و آنچنان محیط جالب و آموزنده ای در سازمانهای دانشجویی پیدا آورند که توده دانشجویان میل و رغبت به آن به پیوند.

۲- حفظ کنفدراسیون مستلزم حفظ وحدت صفوف آنست، وحدتی اصولی و بیگارجویانه در چارچوب مشی گفتن-راسیون که باید بخاطر آن با هرگونه اندیشه و عمل تفرقه افکنانه مبارزه برخاست، همبستگی و وحدت در درون کنفدراسیون ضامن گامیابی در مبارزه است.

۳- کنفدراسیون سازمانی است توده ای و می‌تواند باید اکثریت عظیم توده دانشجویان را در برگیرد. گسترش کنفدراسیون چه از لحاظ افزایش تعداد سازمانهای دانشجویی و چه از لحاظ افزایش تعداد اعضای هر یک از این سازمانها به تقویت و تحکیم کنفدراسیون یاری میرساند، مبارزه آنها شریکتر و استقامت آنها در برابر حملات شاه و مخالفان بیشتر میکند. کنگره کنفدراسیون اکنون توسعه سازمانی را در منشور خویش گنجانیده است.

رفقای سازمانی ما باید به استقبال منشور کنفدراسیون بشتابند. در هر محلی که سازمان دانشجویی نیست و برای آنها امکان کوشش برای ایجاد چنین سازمانی هست بلا درنگ به ابتکار اقدام کنند اعم از اینکه خود بقیم آن محل باشند یا نباشند. رفقای سازمانی ابتکار خود را بکار اندازند که جلسات سازمان دانشجویی رونق گیرد و دانشجویان هر چه بیشتر به آنها روی آورند. رفقای ما تا آنجا که امکان دارد و هر موقع که فرصت بدست آید باید موضوع اهمیت گسترش کنفدراسیون را در سازمانهای دانشجویی خود مطرح سازند و این سازمانها را به فعالیت در این زمینه بکشانند. بنا برارائه طرح‌ها و طرق مشخص در طرف این سازمانها به هیئت دبیران کنفدراسیون انجام آنها را از هیئت دبیران بخواهند سازمان ما و رفقای ما می‌توانند به کلیه هواداران خود در دهند که از انجام این وظیفه دانشجویی و میهنی غفلت نورزند.

۴- گسترش کنفدراسیون با خط مشی آن پیوند ناگسستنی دارد. کنفدراسیون سازمانی است دموکراتیک ضد امپریالیست که در کنار دفاع از حقوق حقه دانشجویان، از مبارزات خلق ایران علیه رژیم شاه و حامیان خود و بیگانه‌اش همه جانبه پشتیبانی میکند. مبارزه با حکومت شاه و امپریالیسم حامی آن، آنچنان شعارهای است که اکثریت عظیم دانش‌جویان را میتوان بگرد آن گرد آورد. و همین خط مشی است که در منشور کنفدراسیون آمده است.

هرگونه انحراف از این خط مشی در جهت چپ یا راست، هرگونه انحرافی از این خط مشی که نتیجه اش تبدیل کنفدراسیون از سازمان توده ای به سازمان سیاسی باشد، هرگونه انحرافی که توده دانشجویان را از گرد کنفدراسیون بپراکند بدون شک به تضعیف کنفدراسیون و تضعیف مبارزات آن خواهد انجامید.

وظیفه سازمان ما که صمیمانه خواهان حفظ و تقویت و تحکیم کنفدراسیون است و وظیفه رفقای سازمانی اینست که به دفاع از خط مشی صحیح در کنفدراسیون همت گمارند، با هرگونه انحرافی از خط مشی که زیانمند به خصلت توده ای کنفدراسیون باشد به محض بروز آن بمبارزه برخیزند.

۵- شعبه دانشجویی موظف است با دادن رهنمودهای مشخص در هر مورد و هر موقع این خط مشی را بطور بی‌کمر و مداوم به مرحله اجرا درآورد. شعبه دانشجویی برای انجام کلیه فعالیت‌های خود میتواند از شعب نشریه ارگان، تشکیلات، تعلیمات یا هر شعبه دیگری کمک بگیرد و هر جا که مشکلی پیش آمد که خود قادر بر حل آن نبود آن را در هیئت مرکزی مطرح کند.

نعمه دانشجویی باید تا آنجا که در قدرت وی است بکوشد که فعالیت کنفدراسیون بنحو احسن و مبری از هرگونه کج روی جریان یابد و در صورت بروز خطا یا اشتباه آنرا بشکل مناسبی به مقامات مربوطه کنفدراسیون تذکر دهد و در صورت لزوم به انتشار مقاله ای در ارگانهای کنفدراسیون یا حتی در ارگان مرکزی سازمان ما دست زند .  
نعمه دانشجویی موظف است سیاست سازمان مارا در کنگره کنفدراسیون از پیش تدارک به بیند و آنرا در جریان کنگره سازمان دهد .

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم  
خط مشی سازمان توفان در قبال کنفدراسیون

#### خط مشی سازمان توفان در قبال کنفدراسیون مصوب هیئت مرکزی سازمان توفان

##### ما و کنفدراسیون

"۱ - کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در حال حاضر رساترین صدائی است که علیه جنایات و خیانت‌های شاه و دولت ایران در سراسر جهان طنین می‌افکند. نقش برجسته کنفدراسیون در شناساندن ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک حکومت شاه، در مبارزه با این حکومت و با پشتیبانان خودی و بیگانه آن، در پشتیبانی از مبارزات توده‌ای مردم ایران بخاطر آزادی و استقلال و در دفاع از حقوق حقه‌ی توده‌ی دانشجو در قبال تجاوز و اجحاف، در ابراز همبستگی با نهضت‌های دموکراتیک و ضدامپریالیستی جهان، سازمان ما را بر آن می‌دارد که کنفدراسیون را همه‌جانبه مورد پشتیبانی قرار دهد و در حفظ و حراست آن بکوشد. حفظ و حراست کنفدراسیون بویژه در شرایط کنونی که شاه و پشتیبانان وی در امحاء و نابودی آن اصرار می‌ورزند، وظیفه‌ی کلیه‌ی نیروهای انقلابی و از آن جمله سازمان ماست.

رفقای سازمان وظیفه دارند در سازمان‌های دانشجویی شرکت جویند، در پیشبرد امور این سازمان‌ها، در پیشبرد امور کنفدراسیون از هیچ کوششی فرو نگذارند، اهمیت نقش کنفدراسیون را برای توده‌ی دانشجو تشریح کنند، آنها را به شرکت فعال در سازمان‌های دانشجویی ترغیب و تشویق نمایند و آنچنان محیط جالب و آموزنده‌ای در سازمان‌های دانشجویی پدید آورند که توده‌ی دانشجو با میل و رغبت به آن بپیوندد.

۲ - حفظ کنفدراسیون مستلزم حفظ وحدت صفوف آنست، وحدتی اصولی و پیکارجویانه در چارچوب مشی کنفدراسیون که باید بخاطر آن با هرگونه اندیشه و عمل تفرقه‌افکنانه به مبارزه برخاست. همبستگی و وحدت در درون کنفدراسیون ضامن کامیابی در مبارزه است.

۳ - کنفدراسیون سازمانی است توده‌ای و می‌تواند و باید اکثریت عظیم توده‌ی دانشجویان را در برگیرد. گسترش کنفدراسیون چه از لحاظ افزایش تعداد سازمان‌های دانشجویی و چه از لحاظ افزایش تعداد اعضای هر یک از سازمان‌ها به تقویت و تحکیم کنفدراسیون یاری می‌رساند، مبارزه آن را ثمربخش‌تر و استقامت آن را در برابر حملات شاه و مخالفان بیش‌تر می‌کند. کنگره کنفدراسیون اکنون توسعه سازمانی را در منشور خویش گنجانیده است.

رفقای سازمانی ما باید به استقبال منشور کنفدراسیون بشتابند. در هر محلی که سازمان دانشجویی نیست و برای آنها امکان کوشش برای ایجاد چنین سازمانی هست، بلادرنگ به اینکار اقدام کنند اعم از اینکه خود مقیم آن محل باشند یا نباشند. رفقای سازمانی ابتکار خود را بکار اندازند که جلسات سازمان دانشجویی رونق گیرد و دانشجویان هرچه بیش‌تر به آنها روی آورند. رفقای ما تا آنجا که امکان دارد و هر موقع که فرصت بدست آید باید موضوع اهمیت گسترش کنفدراسیون را در سازمان‌های دانشجویی خود مطرح سازند و این سازمان‌ها را به فعالیت در این زمینه بکشانند. با ارائه طرح و طرق مشخص در طرف این سازمان‌ها به هیئت دبیران کنفدراسیون انجام آنها را از هیئت دبیران بخواهند. سازمان ما و رفقای ما می‌توانند به کلیه‌ی هواداران خود ندا دهند که از انجام این وظیفه‌ی دانشجویی و میهنی غفلت نورزند.

۴ - گسترش کنفدراسیون با خط مشی آن پیوند ناگسستنی دارد. کنفدراسیون سازمانی است دموکراتیک ضدامپریالیست که در کنار دفاع از حقوق حقه‌ی دانشجویان، از مبارزات خلق ایران علیه رژیم شاه و حامیان خود و بیگانه‌اش همه‌جانبه پشتیبانی می‌کند. مبارزه با حکومت شاه و امپریالیسم حامی آن، آنچنان شعار عامی است که اکثریت عظیم دانشجویان را می‌توان به گرد آن گرد آورد. و همین خط مشی است که در منشور کنفدراسیون آمده است.

هرگونه انحراف از این خط مشی در جهت چپ یا راست، هرگونه انحرافی از این خط مشی که نتیجه‌اش تبدیل کنفدراسیون از سازمان توده‌ای به سازمان سیاسی باشد، هرگونه انحرافی که توده‌ی دانشجو را از گرد کنفدراسیون بپراکند، بدون شک به تضعیف کنفدراسیون و تضعیف مبارزات آن خواهد انجامید.

وظیفه‌ی سازمان ما که صمیمانه خواهان حفظ و تقویت و تحکیم کنفدراسیون است و وظیفه‌ی رفقای سازمانی این است که به دفاع از خط مشی صحیح در کنفدراسیون همت گمارند، با هرگونه انحرافی از خط مشی که زیانمند به خصلت توده‌ای کنفدراسیون باشد، به محض بروز آن به مبارزه برخیزند.

۵ - شعبه‌ی دانشجویی موظف است با دادن رهنمودهای مشخص در هر مورد و هر موقع این خط مشی را بطور پی‌گیر و مداوم به مرحله‌ی اجرا در آورد. شعبه‌ی دانشجویی برای انجام کلیه‌ی فعالیت‌های خود می‌تواند از شعب نشریه ارگان، تشکیلات، تعلیمات یا هر شعبه‌ی دیگری کمک بگیرد و هر جا که مشکلی پیش آمد که خود قادر به حل آن نبود آن را در هیئت مرکزی مطرح کند.

شعبه‌ی دانشجویی باید تا آنجا که در قدرت وی است بکوشد که فعالیت کنفدراسیون به نحو احسن و مبرا از هرگونه کجروی جریان یابد و در صورت بروز خطا یا اشتباه، آن را به شکل مناسبی به مقامات مربوطه‌ی کنفدراسیون تذکر دهد و در صورت لزوم به انتشار مقاله‌ای در ارگان‌های کنفدراسیون یا حتی در ارگان مرکزی سازمان ما دست زند.

شعبه‌ی دانشجویی موظف است سیاست ما را در کنگره‌ی کنفدراسیون از پیش تدارک ببیند و آن را در جریان کنگره، سازمان دهد."



[illegible][illegible]

برای این کار خداوند صاحب هر یک از ادیان و دین را در میان خود ترجیح کرده و تشریف داده است. پس باید که

عبدت صاحبہ کا راجہ اجب اس کے لیے ہے۔ دیگر ان کے ساتھ لکھنؤ پہنچ ۷ اگست ۱۹۵۷ء

Union des banques suisses

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

فردی که در این کتاب آمده است، از آن دسته افرادی است که در این کتاب آمده است.

故

میرزا یحییٰ خان شین «اثر نفوس خد» در سن ۱۹۶۱ زجست : «در اوست آسمان دلیس به بریں بهادر کرد» - دلیلی نہیں  
نہیں دیکھا کہ «اراضی خیز» زبان سرخسی، جو میرزا «در نفوس آئین» کہ خنجر بریدہ دہان لکھتے معانی لغت و ادب حسن خواندہ  
آسمان دلیس بہ آب نہ بہت شہزادہ نام ہزارف، خواجہ ہنگو، «ارادہ و معنی آب» ہو کہ بہ خنجر دلیس طوفان  
و بادیں دلیس سرور دشت فزاد کہ «دست بر صدف آرزو بر آید» «در کشتی دلیس» ۱۹۵۷ء، علی بن علی

مجلس شورای ملی  
در روز ۱۷ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۲۲ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران

این مجلس شورای ملی در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران

در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران

در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران  
در روز ۱۳ بهمن ۱۳۰۱ در تهران

نکته: ~~سبب~~ سبب دین داری است؟ حتی ایران است حتی کمر می بست و من میانه که حتی همین دین داری است که دارد.  
 او در کل میانه که هیچی ندارد ای من، این دین که می بینم در این دین حق است، در سبب است از دین است که می بینم  
 غیر دینی و دین داری است. و این امر را چگونه می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 جناب پسر شاه را که می بینم در دین است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین

این امر را می بینم که دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین

این دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین

این دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین  
 دین داری است که می بینم که مردم از ایران است که این دین داری است، از آن که دین

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است که در کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است

درین کتبه از عین کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است و بعد از این کتبه است

سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

متن نامه تاریخی سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان به رفیق مائوتسه دون و رفیق چوئن لای نخست وزیر و وزیر امور خارجه جمهوری توده‌ای چین:

"آموزگار پرولتاریای جهان و صدر حزب کمونیست چین، رفیق مائوتسه دون

رفیق ارجمند

خواهشمندیم وقت گرامی خود را از توجه باین نامه دریغ ندارید. این نامه حاوی نظریاتی مربوط به سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در کشور ما، مناسبات خلق چین و ایران و همچنین حزب کمونیست چین و سازمان ماست. ما این نظریات را در ماه مه ۱۹۷۱ طی نامه‌ای به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین عرضه داشتیم. چون اثری بر آن مترتب نشد نمایندگان ما در ۲۹ ژوئن ۱۹۷۲ در سفارت جمهوری توده‌ای چین در برن حضور بهم رسانیده نامه و نظریات مذکور را یاد آور شدند و از جانب سازمان ما پیشنهاد کردند که برای بحث در باره آنها یا نماینده‌ای از طرف حزب کمونیست چین در برن معین گردد و یا هیئتی از سازمان ما بدین منظور به چین دعوت شود. ولی متأسفانه از این پیشنهاد نیز خبری نشد. اخیراً رفیق چوئن لای در پذیرائی ملکه ایران و همراهانش اظهار داشته بود: "ما صمیمانه آرزو می‌کنیم که میهمانان گرامی در جریان دیدار، نظرات گرانبهایشان را راجع به کارما با ما درمیان بگذارند". آیا نظریات سازمان ما آن ارزش را نداشت که از نزدیک مورد بررسی قرار گیرد و جوابی به آن داده شود؟

اما ما وظیفهٔ انترناسیونالیستی خویش دانستیم که کوشش برای نیل به مشاوره و تبادل نظر را ادامه دهیم و بهتر آن دیدیم که این بار سخنان خود را با شخص شما در میان گذاریم. نامه حاضر باین منظور نوشته شده است.

مطلب بر سر سیاست جمهوری توده‌ای چین در ایران پس از برقراری ارتباط دیپلماتیک با دولت ایران است. نخست باید برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم توضیح دهیم که ما پشتیبان سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین و از آنجمله سیاست همزیستی مسالمت آمیز وی با کشورهای سرمایه‌داری هستیم. ما استفاده از هرگونه تضاد میان امپریالیست‌ها، میان امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی، استفاده از هر عدم رضایت و مقاومت - اگر چه ضعیف و نا پایدار - را که در برابر این دو قدرت بزرگ بظهور برسد لازم می‌دانیم. ما استقرار جمهوری توده‌ای چین را در مقام خویش در سازما ن ملل، سفر نیکسون رئیس جمهوری آمریکا را به چین که در اثر ارتقاء حیثیت جهانی توده‌ای چین، پیروزی‌های روز افزون خلق‌های جهان و بویژه خلق‌های هند و چین در برابر امپریالیسم آمریکا، افزایش شکست‌ها و دشواری‌های اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا روی داده، عادی شدن روابط جمهوری توده‌ای چین با ژاپن، برقراری ارتباط دیپلماتیک بین جمهوری توده‌ای چین و یک سلسله از کشورهای دیگر و از آن جمله ایران را پیروزی بزرگ چین و همهٔ خلق‌های جهان و شکست امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم که از منفرد ساختن جمهوری توده‌ای چین می‌شماریم.

پس بحث ما بر سر اصل استقرار روابط دیپلماتیک با دولت ایران و مذاکرات و قراردادهای اقتصادی در حیطهٔ سود متقابل نیست بلکه بر سر چگونگی آنهاست. نخست ببینیم دولت ایران چگونه دولتی و محمد رضا شاه چگونه شخصیتی است.

زیاد به عقب بر نمی‌گردیم و در باره‌ی سرکوب قیام خلق آذربایجان در سال ۱۹۴۶ که با کشتار ده‌ها هزار نفر از فرزندان خلق ما بدست ارتش محمد رضا شاه صورت گرفت تفصیل نمی‌دهیم. چنانکه می‌دانید نهضت ملی و ضدامپریالیستی خلق ایران در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۳ نخستین نهضت در خاورمیانه برای ملی کردن صنعت نفت بود. خلق ایران با دادن قربانیان بسیار موفق شد منابع نفت را که تا آن زمان در انحصار شرکت نفت انگلیس و ایران بود بدست حکومت ملی دکتر مصدق ملی کند و این پایگاه بزرگ امپریالیسم انگلستان را از ایران براندازد. در طول این مبارزه مهم‌ترین نیروی داخلی که با پشتیبانی امپریالیست‌ها علیه خلق ایران و حکومت ملی دکتر مصدق به توطئه و دسیسه مشغول بود دربار، و در راس آن محمد رضا شاه، بود. محمد رضا شاه در تابستان ۱۹۵۲ بصورت غیر قانونی، فرمان غزل دکتر مصدق را صادر کرد ولی در اثر قیام توده‌ها مجبور شد وی را دوباره به نخست وزیری برگرداند. در زمستان همان سال با سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی ولومین پرولتاریای پایتخت به دسیسه علیه حکومت دکتر مصدق پرداخت. ولی باز با ناکامی روبرو شد. در اوت ۱۹۵۳ طبق نقشهٔ قبلی امپریالیست‌ها مجدداً در صدد سرنگون ساختن دکتر مصدق بر آمد. اما در اثر قیام پرشور توده‌ها مجبور به فرار از ایران شد و به ایتالیا رفت تا آنکه

امپریالیست‌ها با کودتای فاشیستی که به اعتراف خودشان ۱۹ میلیون دلار برایشان تمام شد نهضت توده‌ها را سرکوب کردند، محمد رضا شاه فراری را به تخت سلطنت باز گرداندند.

(از جمله اسناد بیشمار که از طرف مطبوعات اروپائی در باره مداخله سیاسی آمریکا در کودتای امپریالیستی اوت ۱۹۵۴ منتشر شده است عنوان نمونه از دو سند نام می‌بریم، یکی از مجله آمریکائی نیشن شماره ۱۵ - ۲۰۰ مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ که سیاهه رقی از پول‌هایی را که شاه از منابع آمریکائی در یافت داشته و بین دستیاران خود توزیع کرده نشر یافته است. سیاهه مذکور صورت حساب "اتحادیه بانک‌های سوئیس" است - و دیگر از روزنامه لوموند مورخ ۷ مارس ۱۹۶۷). Union des banques suisses

از این به بعد صفحه سیاه و خونی در تاریخ ایران گشوده شد. هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق، به پای چوبه اعدام، سیاهچال‌ها، شکنجه‌گاه‌ها کشانده شدند و تا امروز ماهی نمی‌گذرد که حکومت محمد رضا شاه، چند تن از مبارزان را تیرباران نکند. سازمانی بنام "سازمان امنیت کشور" که بدست اداره جاسوسی آمریکا تاسیس شده و اداره می‌شود کم‌ترین آزادی را از خلق ایران سلب کرده و چنان خفقا نی بوجود آورده که در دنیای کنونی کم نظیر است.

پس از کودتای اوت ۱۹۵۳ ایران بسرعت بصورت مظهر استعمار جمعی نوین و در راس آن امپریالیسم آمریکا در آمد. در همان موقع که انقلابیون ایران دسته دسته تیرباران می‌شدند قرارداد خائنانه کنسرسیوم بین‌المللی نفت بسته شد و تاراج این ثروت ملی ما از نو آغاز گشت.

قرار داد برای واگذاری منابع نفت ایران به امپریالیست‌ها و در راس آنها امپریالیست‌های آمریکائی به امضاء رسید و آخرین آنها موافقت نامه برای تمدید قرارداد با کنسرسیوم بین‌المللی نفت است. همانطور که در اعلامیه سازمان ما گفته شده است: "این خیانت جدیدی است نه تنها به منافع و مصالح میهن ما بلکه به منافع همه خلق‌هایی که با نفتخواران جهانی به مبارزه برخاسته اند، خیانتی است نه تنها در مقیاس ملی بلکه در مقیاس بین‌المللی... اقدام شاه جبهه مبارزه اوپک را تضعیف کرد زیرا تمدید فعالیت کنسرسیوم برای ۲۲ سال دیگر و افزایش تولید نفت تا سر حد ۵۰۰ میلیون تن در سال، به کمپانی‌ها امکان داد که نتایج ناشی از ملی شدن صنعت نفت را در عده‌ای از کشورها تحمل کنند، در برابر درخواست‌های حقه کشورهای تولید کننده نفت بایستند و کمبود تولید نفت از ذخائر ایران جبران نمایند... حقانیت گفته اوپک مبنی بر اینکه شاه ایران از پشت به او خنجر زد کاملاً روشن است...".

سایر منابع سرشار ثروت زیرزمینی ما نیز به همین سان در معرض تاراج است. امروزه هر گوشه‌ای از خاک وطن ما در اختیار یکی از امپریالیست‌ها است. کم‌تر کشوری را می‌توان یافت که اقتصاد او تا این در جه در قبضه امپریالیست‌ها باشد. واردات کشور ما قریب ۷۰ برابر صادرات آن است و این خود نشانه‌ی دیگری از غارت امپریالیست‌هاست که ارزی را که با یک دست به ایران می‌دهند با دست دیگر باز می‌ستانند. سرمایه‌داران بلژیکی درست گفته اند که ایران بهشت سرمایه‌داران خارجی است.

سوسیال امپریالیست‌های شوروی نیز بی نصیب نیستند. آنها از سال‌های ۶۰ با موافقت و در عین حال با رقابت امپریالیسم آمریکا به سرعت در اقتصاد ایران نفوذ کردند. دولت ایران که ماهیت آنها را در یافته بود از آنها استقبال کرد تا از پشتیبانی سیاسی آنها که هنوز کاملاً در نزد توده‌های خلق ایران افشا شده نیستند برای تثبیت قدرت لرزان خویش استفاده کند و نیز شاید در معاملات تهاتری با آنها راهی برای ترمیم کمبود تجارت خارجی بیابد. اینک سوسیال امپریالیست‌های شوروی رشته‌هایی از اقتصاد ایران را در اختیار دارند، گاز ایران را می‌برند، امتیاز نفت بدست آورده‌اند، و نقش آنها در تجارت خارجی ایران روز بروز بیش‌تر می‌شود.

دولت ایران در ۱۹۶۴ قانونی از مجلس گزارانیده به مستشاران آمریکائی مصونیت سیاسی داد و در واقع قانون شرم‌آور کاپیتولاسیون را در ایران احیاء کرد.

آنچه در ایران بنام "اصلاحات" صورت می‌گیرد چیز دیگری جز اجرای نقشه‌های نواستعماری، فریب توده‌ها، جلوگیری از انقلاب و تثبیت حکومت دست‌نشانده امپریالیست‌ها نیست. وضع توده‌های مردم روز بروز وخیم تر می‌گردد و مقاومت در برابر رژیم تا حد مقاومت مسلح روز بروز گسترده‌تر می‌شود. حکومت محمد رضا شاه فقط با پشتیبانی سر نیزه و حمایت امپریالیست‌ها و سوسیال امپریالیست‌ها برپاست.

نقشی که امپریالیست‌ها در منطقه خلیج فارس به حکومت محمد رضا شاه واگذار داشته‌اند نقش ژاندارم است. توطئه‌های محمد رضا شاه بر علیه خلق‌های عرب، بویژه خلق فلسطین، خلق ظفار، جمهوری توده‌ای یمن جنوبی و خلق‌های دیگر خلیج فارس و دستیاری وی با حکومت پوسیده عمان و نظائر آن بر کسی پوشیده نیست.

حکومت ایران به این قصد است که تعداد هر چه بیش‌تر از امپریالیست‌ها و نیز سوسیال امپریالیست‌های شوروی را در ایران منتفع گرداند تا از پشتیبانی بیش‌تری برخوردار گردد. ولی البته این امر موجب تشدید تضاد بین امپریالیست و سوسیال امپریالیست‌ها نیز خواهد شد که بموقع خود باید مورد استفاده انقلابیون ایران و جبهه ضدامپریالیستی جهانی قرار گیرد.

گفتارهای زهرآگینی که رادیوی رویونیست‌های حزب توده ایران (موسوم به رادیوی پیک ایران) در مدت اقامت فرح پهلوی در چین منتشر ساخت گواه ترسی است که رویونیست‌های شوروی از چنین استفاده‌هایی دارند و این امر نشان می‌دهد که بسط روابط دیپلماتیک و اقتصادی جمهوری توده‌ای چین با دولت ایران در شرایط معین می‌تواند به سیاست سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم آمریکا ضربه بزند و بسود جبهه ضدامپریالیستی جهانی، بسود جمهوری توده‌ای چین که در راس این جبهه قرار دارد، و بسود خلق ایران باشد. از این جهت سازمان ما همچنانکه قبلاً گفتیم - در اصول با این چنین روابطی طبیعتاً موافقت دارد.

اما بدیهی است که مناسبات با حکومتی نظیر حکومت ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم وابسته است و بعلت تزلزل موقعیت داخلی‌اش کوشش بسیار دارد که پیوسته در سیاست خارجی، مستمسکی برای احراز حیثیت بین‌المللی بیاید مناسبات بغرنجی خواهد بود که هم اصولیت انقلابی و هم نرمش پراتیک را در بر داشته باشد، اصولیت و نرمشی که نمونه‌های قابل تحسین آن از طرف جمهوری توده‌ای چین در بسیاری از موارد به نحوه برخورد با رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر ژاپن نشان داده شده است. بنظر ما محمد رضا شاه در مناسبات خود با جمهوری توده‌ای چین دانسته و فهمیده و طبق نقشه طوری عمل می‌کند که جمهوری توده‌ای چین در ا نظار جهانیان بمثابه موافق و پشتیبان رژیم وی و دربار ایران جلوه‌گر شود. نحوه تبلیغات جراند درباری و انتخاب اشرف پهلوی برای افتتاح روابط دیپلماتیک و سپس اعزام اعضاء دیگر خانواده سلطنتی و بالاخره فرستادن فرح پهلوی بعنوان یازدید از چین همگی در این جهت سیر می‌کند و متأسفانه باید گفت که از طرف جمهوری توده‌ای چین به این نیت پلید توجه بعمل نیامده و اکنون محمد رضا شاه در نقشه خود کامیاب بوده است. بنظر ما با توجه به درجه نفرتی که خلق ایران نسبت به خانواده سلطنتی - این کانون خیانت و فساد - دارد افتتاح مذاکرات برای استقرار روابط دیپلماتیک بین جمهوری توده‌ای چین و ایران می‌توانست - در صورت اظهار تمایل جمهوری توده‌ای چین - نه با واسطه اشرف پهلوی که طبق قانون اساسی اصولاً سمت رسمی و سیاسی نمی‌تواند داشته باشد بلکه با رابط مقامات دولتی ایران انجام گیرد. اشرف پهلوی بدنام‌ترین فرد دربار پهلوی است. او پیوسته در تمام ماجراهای سیاسی ارتجاعی شرکت جسته است. در دوران حکومت دکتر مصدق بعلت دسیسه بر ضد او از ایران تبعید شد. در خارج با تحریک برای سرنگونی حکومت دکتر مصدق وارد عمل شد و در جلسه‌ای که با حضور دالس و هندرسن (سفیر آمریکا در ایران) و ژنرال شوارتسکف رئیس سابق ژاندارمری ایران در سوئیس تشکیل گشت در طرح کودتای امپریالیستی ۱۹۵۳ شرکت جست.

مجله آمریکائی نیشین در شماره مخصوص خود در ژوئن ۱۹۶۱ نوشت: در دهم اوت آلن دالس به سوئیس پرواز کرد. لوئی هندرسن سفیر آمریکا در ایران نیز بعنوان مرخصی باو پیوست. "ولی فرد دیگری که بنظر می‌رسید در این لحظه بحرانی مجذوب مهمان نوازی آلن دالس در آلپ شده است شاهزاده خانم اشرف، خواهر دوقلو، با اراده و جذاب شاه بود که برخوردی طوفانی با برادرش در کاخ مرمر داشته زیرا که در مقابل مصدق متزلزل بوده است". کودتای اوت ۱۹۵۳ با طرح این چهار تن عملی شد.

اشرف شخصاً در راس باند قاجاق هروئین در ایران قرار دارد و در ۱۷ نوامبر ۱۹۶۰ در فرودگاه ژنو با یک چمدان محتوی چندین کیلو هروئین دستگیر شد. برای نمونه می‌توان مراجعه کرد به روزنامه لوکانار آشنه Le Canard enchaîné مورخ ۲۲ مه ۱۹۷۲ و روزنامه لوموند مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۷۲ و ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۲ او را به فساد اخلاق، شهوت‌رانی، قماربازی و غیره و غیره معروف است و چه بسا حکایت و طنز و اشعار که در زبان توده مردم در باره او جاری است. بدیهی است که وابستگی چنین شخصی در افتتاح روابط بین جمهوری توده‌ای چین و دولت ایران در نظر خلق ایران خوش آیند نبود. آیا دیپلماسی جمهوری توده‌ای چین قادر نبود اعزام فرد دیگری از میان مقامات رسمی دولت ایران را به آن دولت بقبولاند. نه متنها باین امر توجه نشد، بلکه رفیق چوئن لای ضمن سخنرانی پذیرائی خود از اشرف پهلوی او را "دوست قدیمی" خطاب کرد. کسی که

دوست قدیمی سیاسی آمریکا و دشمن دیرینه خلق ایران است چگونه می‌تواند دوست - آنهم دوست قدیمی - خلق چین و دولت چین باشد؟ آیا پرتکل سیاسی ایجاب می‌کرد که چنین لقبی به اشرف پهلوی داده شود؟ آیا بدون آن برقراری دیپلماتیک مابین او کشور به بن بست می‌رسید؟ بنظر ما شرایطی که دولت ایران را به نزدیکی با چین توده‌ای مجبور ساخته عمیق تر و استوارتر از این گونه ملاحظات است.

رفیق چوئن لای در سخنرانی خود گفت: "اخیرا ایران برای حفظ حاکمیت و منابع ملی خویش به همراهی سایر اعضا سازمان کشورهای صادر کننده نفت به مبارزهای موثر و پیرومند بر علیه کنسرسیومهای انحصاری نفتی امپریالیست‌های غربی دست زده است. ما از مبارزه محقانه شما پشتیبانی می‌کنیم و پیروزی شما را با صمیمیت کامل تبریک می‌گوئیم". این سخن در خطاب به اشرف پهلوی و از طرف او به شاه و هیئت حاکمه ایران گفته شده است. یعنی کسانی که - طبق آنچه در صدر نامه باختصار بیان کردیم - واسطه بزرگ‌ترین غارت جهانی در ایران هستند. همان موقع ماهنامه سازمان ما - توفان - خاطر نشان ساخت که شرکت دولت ایران در سازمان اوپک فقط بمنظور خرابکاری از داخل و اقدام بسود امپریالیست‌ها صورت می‌گیرد. قریب یکسال ونیم گذشت و در عرض این مدت و بویژه در سوداگری‌های اخیر ایران، و انحصارهای امپریالیستی نفت، این پیش بینی درست در آمد و چنانکه نوشتیم محمد رضا شاه از پشت به سازمان اوپک خنجر زد. معاذک رفیق چوئن لای در موقع پذیرائی از فرح پهلوی همان مطلب پیشین را با عبارت خفیف‌تر تکرار کرده و گفته است: "اکنون دولت و ملت ایران تحت رهبری اعلیحضرت شاهنشاه در راه حفظ حق حاکمیت کشور و دفاع از منافع ملی، شکوفائی فرهنگ ملی و ساختمان کشور خود کوشش‌های مداومی بخرج داده و به موفقیت‌هایی نائل آمده اند". می‌توان مثال‌های دیگر نیز ذکر کرد ولی همین اندازه برای نشان دادن منظور ما کافی است.

اخیرا پذیرائی جمهوری توده‌ای چین از فرح پهلوی برای خلق ما لرزاننده بود. این پذیرائی به هیچ وجه به مراسم پرتکلی محدود نمی‌شد. صرف نظر از سخنان بسیار گرمی نظیر سخنان فوق که گفته شد در هر جا ده‌ها یا هزارها از مردم انقلابی چین و از کودکان چینی با شور شوق باستقبال همسر جلاد خلق ایران شتافتند. و اگر نمی‌شتافتند و از فرح پهلوی فقط پذیرائی رسمی و محترمانه بعمل می‌آمد آیا مناسبات دولتی چهار تیرگی می‌شد؟ خلق ایران دوست خلق کبیر چین است و چنان می‌داند که با خلق چین دوستان و دشمنان مشترکی دارد. او درک می‌کند که مصالح جمهوری توده‌ای چین، این دژ تسخیر ناپذیر سوسیالیسم و دفاع از حقوق خلق‌ها، در بسط مناسبات همزیستی مسالمت آمیز با همه دولت‌های غیر سوسیالیستی و از آنجمله با دولت ایران است. ولی این امر را چگونه هضم کنند که توده مردم اترناسیونالیست چین از همسر دژخیم ایران از کسی که در عرض چند سال همسری شاه در اثر مکیدن خون خلق به میلیاردها ثروت رسیده است مانند عزیزترین کس پذیرائی کنند و او را در آغوش خود بشارند.

این امر ظاهرا ناشی از این ارزیابی است که حکومت محمد رضا شاه حکومتی ملی و ضدامپریالیستی و یا لاقال دارای گرایش‌های جدی ضدامپریالیستی است و باید هر چه بیش‌تر در جلب آن کوشید. در آن صورت رفتاری که با نمایندگان این حکومت در جمهوری توده‌ای چین می‌شود می‌تواند درست باشد. اما آنطور که سازمان ما بر اساس عمل روزانه این حکومت در طی سال‌ها تشخیص می‌دهد این حکومت آفریده امپریالیست‌های آمریکائی، فروشنده ایران به امپریالیست‌ها و سوسیال امپریالیست‌ها، واسطه غارت و اسارت میهن ما، خفه کننده خلق ماست. این حکومت کشور ما را بصورت مظهر استعمار نوین، مظهر استعمار جمعی و همکاری با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم در آورده است.

این رفتار جمهوری توده‌ای چین با نمایندگان حکومت ارتجاعی و ضد خلقی ایران زمینه تبلیغات فریبنده بدست رژیم ایران داده است تا به مردم چنین بنمایاند که اگر تا امروز از پشتیبانی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی بر خوردار بوده است از فردا تکیه‌گاهی چون چین توده‌ای نیز خواهد داشت. رویزیونیست‌های ایران نیز بدست و پا افتاده اند و شادی می‌کنند که بر خورد جمهوری توده‌ای چین با حکومت ایران همان برخورد رویزیونیست‌های شوروی است، مارکسیست‌ها-لنینیست‌های ایران که در موقع خود بافشاء سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در مورد ایران پرداختند چپ‌روی و ماجراجویی کرده‌اند. بدون تردید این جریانات در افکار عمومی خلق ایران اثر مثبت ندارد و به تفرقه نیروهای انقلابی کمک خواهد کرد.

آیا ما در ارزیابی خود در اشتباهیم؟

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان بارها این مسائل را مورد بررسی قرار داده و وظیفه خود دانست که آنها را با کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در میان بگذارد تا طرفین پس از بحث به نظریات واحدی برسند و سازمان

مارکسیستی - لنینیستی توفان بر اساس نظریات مذکور بتواند وظیفهٔ انترناسیونالیستی خویش را در دفاع از حزب کمونیست چین و جمهوری توده‌ای چین انجام دهد. ما در نامهٔ مه ۱۹۷۱ چنین نوشتیم و اینک تکرار می‌کنیم:

"سازمان ما سازمان کوچکی است ولی با اتکاء بر مارکسیسم - لنینیسم و اندیشهٔ مائوتسه دون و انترناسیونالیسم پرولتری یقین دارد که کمیتهٔ مرکزی حزب بزرگ شما نظریهٔ او را مورد بررسی دقیق قرار خواهد داد. ما منافع جمهوری توده‌ای چین را از منافع خلق‌های جهان و از جمله خلق ایران جدا نمی‌کنیم. ما حفظ و اعتلاء نفوذ و اعتبار جمهوری توده‌ای چین را در سراسر جهان و از جمله در ایران وظیفهٔ مقدس خود می‌شماریم. نامهٔ حاضر نیز در اجرای این وظیفه نگاشته شده است."

تقاضای ما از شخص شما و از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین اینست که از نمایندگان سازمان ما برای بحث در مورد مطالب این نامه و نیل به توافق نظر دعوت بعمل آید.

نیرومند باد جمهوری توده‌ای چین، دژ تسخیر ناپذیر سوسیالیسم، تکیه‌گاه انقلابی خلق‌های جهان

افراشته باد پرچم آموزش مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه دون

پیروز باد انترناسیونالیسم پرولتری

هئیت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان اکتبر ۱۹۷۲"

مندرج در بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

گزارش سفر به آلبانی مورخ ۶ مه ۱۹۷۱

۴۸



۵ (۱۵)

[illegible]

سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

گزارش سفر به آلبانی مورخ ۶ مه ۱۹۷۱

"گزارش سفر به آلبانی مورخ ۶ مه ۱۹۷۱"

هیئت نمایندگی ما روز ۹ آوریل وارد آلبانی شد و روز دوشنبه ۳ ماه مه، خاک آن کشور را ترک گفت. مطابق دعوت‌نامه قبلی، ما می‌بایست دو هفته در آلبانی می‌ماندیم ولی رفقای آلبانی از ما خواستند که جشن اول ماه مه را نیز در آلبانی بگذرانیم و ما پذیرفتیم.

پذیرائی رفقای آلبانی از ما به عنوان نمایندگان سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان سرشار از محبت و توجه رقیقانه بود بطوری که مشکل بتوان کلماتی را در تشکر از آن رفقا یافت. این بود خلاصه مذاکرات آن جلسه که در واقع در سخنان ما خلاصه می‌شد، سخنانی که قریب چهار ساعت به طول انجامید.

در جلسه‌ای که بعدها با حضور رفیق بهار تشکیل گردید نخست وی به نام کمیته مرکزی حزب کار آلبانی از اینکه دعوت آنها را پذیرفته‌ایم تشکر کرد و ورود ما را از طرف کمیته مرکزی با گرمی بسیار تهنیت گفت. به طور کلی برخورد رفیق بهار برخوردی آمیخته به محبت و توجه فراوان بود. متأسفانه بر ما میسر نشد که خلاصه کلیه سخنان او را یادداشت کنیم. از این جهت در اینجا به ناچار به ذکر چند نکته از سخنان او باید اکتفا کرد:

رفیق بهار گفت: شرحی که شما در جلسه قبل اظهار داشتید بودید در کمیته مرکزی مورد مطالعه قرار گرفت. تجزیه و تحلیل شما مرکسیستی لنینستی است.

رفیق بهار گفت: اگر آلبانی به رهائی و سپس به ساختمان سوسیالیسم نائل آمد از آن جهت نبود که ما چیزهایی از خود اختراع کردیم. نه. ما در کشور خودمان حزبی ساختیم آنطور که لنین و استالین گفته‌اند، حزبی که درهائش به روی همه‌کس باز نیست و شرایط عضویتش همان سه شرطی است که لنین در "یک گام به پیش دو گام به پس" گفته و بر سر آنها با مارتف مشاجره کرده است رفیق بهار گفت سازمان شما دو نقش دارد: یکی آنکه اکسپرتش از دانشجویان تشکیل می‌شود و دیگر اینکه اکثریتش در خارج است.

رفیق بهار گفت: شما هم اکنون از انقلاب دموکراتیک توده‌ای صحبت می‌کنید در صورتی که ممکن است در کشور شما حکومتی برقرار شود مانند حکومت مصدق که ضدامپریالیستی و مترقی باشد. ضمناً چون ما در ضمن صحبت با مسئول قسمت خارجی روزنامه زری‌ای‌پوپولیت از گفتار رادیو تیرانا در باره مبارزات اوپک که در آنجا ایران را در ردیف کشورهای ضداتحصارهای نفتی ذکر کرده و حتی از وزیر دارائی ایران (آموزگار) به نقل قول پرداخته بود، انتقاد کرده بودیم، رفیق بهار به این انتقاد پرداخته گفت: باید دید عمده در اینجا چیست؟ باید عمده را گرفت که مبارزه بر ضد امپریالیسم است. وقتی که ایران برضد امپریالیسم آمریکا عملی انجام می‌دهد ما از آن پشتیبانی می‌کنیم ولی هیچگاه ماهیت ارتجاعی این حکومت را از یاد نمی‌بریم و همیشه پشتیبان مبارزات خلق ایران علیه رژیم ایران هستیم. ضمناً رفیق بهار در این صحبت خود و یا در صحبت‌هایی که در لحظات بعد ایراد کرد دعوت جمهوری توده‌ای چین را از اشرف پهلوی درست دانست و گفت که قدرت جمهوری توده‌ای چین باعث شده است که دولت‌ها یکی پس از دیگری به شناخت رسمی او روی آورند و این امر به انفراد امپریالیسم آمریکا و به توسعه نفوذ جمهوری توده‌ای چین خواهد انجامید. ما باید از عمل این دولت‌ها پشتیبانی کنیم و باعث تشویق آنها در این راه شویم. عمده این است که شاه ایران به سوی شناسائی جمهوری توده‌ای چین می‌رود حالا چه فرق می‌کند که به وسیله اشرف پهلوی و یا وزیر خارجه باشد. آنها همه از یک کثافت‌اند. شاید هم شاه به وزیر خارجه خود اعتماد ندارد.

در این موقع چون ساعت ۲ بعد از ظهر بود به ناچار بر سر میز غذا رفتیم و متأسفانه توضیحات ما در جواب رفیق بهار بر سر میز غذا و بطور نامرتب انجام گرفت. خلاصه توضیحات مذکور چنین بود: سازمان ما پیوسته کوشیده است که موازین لنینی و استالینی را در امر سازمانی عملی گرداند.

... باید به تلفات عظیمی که ارتجاع و امپریالیسم بویژه در اثر ترور و رویزیونیست‌های شوروی و ایرانی در اثر سیاست اپورتونیستی خود به نهضت کمونیستی ایران و کادرهای قدیمی وارد آورده‌اند توجه کرد. باید توجه کرد به اینکه شکاف جبهه کمونیستی جهانی وقتی حاصل شد که ما (اعضاء کمیته مرکزی) در چنگال رویزیونیست‌های شوروی بودیم و فقط کادرهای حزبی مقیم اروپا کم و بیش در جریان امر قرار داشتند. باید توجه کرد که اگر ایران مظهر استعمار جمعی و مظهر سازش

امپریالیسم آمریکا و رویزیونیسم شوروی است ترور پلیسی در ایران نیز نتیجه کوشش‌های ضدانقلابی همه این نیروهاست و یکی از شدیدترین ترورهاست.

(رفیق بهار این اشکالات را تصدیق کرد). در هر صورت تمام کوشش ما مصروف به غلبه بر مشکلات و تشکیل حزب در عرصه ایران است. اما در انقلاب دموکراتیک نوین و حکومت احتمالی نظیر حکومت مصدق، باید گفت که ما در سند برنامه‌ای خودمان مرحله انقلاب ایران را معین کرده‌ایم و مرحله انقلاب از روی تضادهای موجود اجتماعی معین می‌شود نه از روی عوامل ذهنی. تضاد خلق ایران با فئودالیسم و با امپریالیسم ایجاب می‌کند که انقلاب ایران انقلابی ملی، ضدامپریالیستی و دموکراتیک باشد چنین انقلابی در عصر ما فقط، به رهبری طبقه کارگر می‌تواند به پیروزی بیانجامد، و این همان انقلاب دموکراتیک توده‌ای است. اما این به آن معنی نیست که روی کار آمدن حکومت‌هایی با نشئه ضدامپریالیستی و دموکراتیک منتفی است. بدیهی است که ما از چنین حکومت‌ها تا حد معین پشتیبانی می‌کنیم. اما در مورد مبارزات اوپک، ما جریان امر را چنین می‌بینیم... (و در اینجا مضمون اساسی مقاله "خیانتی دیگر در مسئله نفت" که در شماره ۴۴ توفان (سند توفان در زیر ارائه می‌شود- توفان) درج شده است بیان شد. پس مبارزه ضدامپریالیستی اقتضاء دارد که نقش خیانت‌آمیز شاه افشاء شود نه اینکه او را در شمار مقاومت کنندگان در برابر امپریالیسم در آورند. اما در مورد به رسمیت شناختن جمهوری توده‌ای چین و دعوت اشرف، ما کاملاً موافقیم و آرزو داریم که جمهوری توده‌ای چین هرچه پیش‌تر از طرف دولت‌ها به رسمیت شناخته شود ولی عامل اصلی واقعیت کنونی همانا قدرت و نفوذ جمهوری چین توده‌ای چین است و جمهوری مذکور می‌تواند و باید مناسب‌ترین راه‌ها را به دولت‌های دیگر تحمیل کند. به نظر ما بین اشرف و مثلاً وزیر خارجه ایران تفاوت بسیار است. زیرا که اولاً اشرف هیچ مقام رسمی در دولت ایران ندارد و ثانیاً از لحاظ سیاسی آدمی است بسیار بدنام (همکار دالس در تدارک کودتای ۲۸ مرداد) و از لحاظ اخلاقی آدمی است فاسد. مذاکره با او نه فقط به مبارزات خلق ایران صدمه می‌زند بلکه به حیثیت و اعتبار جمهوری توده‌ای چین زیان می‌رساند. اما درباره این نکته که: شاید شاه به وزیر امور خارجه خود اعتماد ندارد، باید گفت که به هیچ‌وجه صحیح نیست زیرا که وزیر خارجه نوکر شاه است و هر دو آنها نوکر امپریالیسم آمریکا هستند.

بیش از این در این زمینه امکان توضیح پیدا نشد ولی بعداً در مذاکراتی که با رفیق مسئول ستون خارجی زری‌ای‌پوپولیت صورت گرفت به تفصیل در این باره سخن گفتیم و به نظر می‌رسید که آن رفیق استدلال‌ات ما را می‌پذیرفت"

## سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در فصل هفتم بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

نامه سرگشاده کنفدراسیون جهانی به دولت جمهوری توده‌ای چین



**نامه سرگشاده/کنفدراسیون جهانی  
به دولت جمهوری توده‌ای چین**

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی باکمال تعجب و تأسف اطلاع یافت که اشرف پهلوی از طرف جمهوری توده‌ای چین برای مدت ده روزه آن کشور دعوت شده است چنین دعوتی از جانب دولتی که مدافع و پشتیبان مبارزه خلق های جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع است دولتی که معتقد و پشتیبان مبارزه آنتی ناپلیر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیر بری آن در سراسر جهان است به هیچ وجه برای جنبش جوانان و نیروهای مترقی و ضد امپریالیسم ایران قابل توجه نیست.

دولت شما از اشرف از کسی که پس از مراد رجلا در مشهورترین و مرتجع ترین عنصر در بار پهلوی است از عنصری که در رکود تازی سیاه ۱۹۵۳ شرکت مستقیم و تعیین کننده داشته و بعنوان مأمور سازمان جاسوسی آمریکا بزرگترین خدمت راه امپریالیستهای آمریکائی انگلیسی و ارتجاع ایران کرده است و از عنصری که همراه برادر پیکتاتور رجلا در راه خیانت به منافع خلق ما و کشتار انقلابیون و آزاد یخواهان ایران همواره نقش عمده ای را داشته است و از عنصری که در رأس کمیسیون با اصطلاح حقوق بشر وزیر پرچم مدافع از حقوق بشر بزرگترین جنایت هار انست به خلق و حقوق بشر اعمال کرده است و بالاخره از عنصری که حتی طبق قانون اساسی ایران دارای هیچگونه مائده و رصافه ۷

مشغولیت سیاسی نیست؛ دولت بعمل آورده است و از این  
مهمترین دولت‌دشراطلائی انجام میگیرد که :  
— جنبش ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم مادرخال  
اوجگیری نمایی است .  
— دشراطلائی که این جنبش شدت مورد هجوم و حمله  
رژیم فاشیستی شاه قرار دارد ،  
— دشراطلائی که بهترین رزمندگان انقلابی همین مائگروه  
گروه در درگاههای درسته نظامی " محاکمه " و سپس  
اعدام میشوند و یا در شکنجه گاهها بقتل میرسند .  
— دشراطلائی که جنبش ضد امپریالیستی جوانان و خلق ما  
بیش از هر زمان دیگر به همبستگی و پشتیبانی خلقها و نیرو-  
های انقلابی ضد امپریالیست جهان نیازمند است .  
در زمانی که سیاست امپریالیستی " دو چین " در آستانه  
ورشکستگی نهایی است و امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی  
بحکم جبر تاریخ ناچارند به این واقعیت تن در دهند که در  
جهان نه " دو چین " بلکه تنها یک چین وجود دارد و تنها  
جمهوری توده ای چین نماینده منافع مصالح خلق چین  
است . در این پهلوی نیز در نتیجه ناگزیری اجتناب ناپذیر  
کردن نهادن به این حکم تاریخ برای غریب افکار صوم  
و بغا طرائیک سیاست خارجی کاملاً وابسته خود را سیاستی  
مستقل " نشان دهد و بالاخر برای بهره برداری سیاسی  
بمنظور مقابله با جنبش انقلابی خلق ما ، با اصلاح یه اربابا  
امپریالیست خود تصمیم گرفته است در راه شناسائی جمهو-  
ری توده ای چین قدم بردارد .

کنفدراسیون جهانی محملین و دانشجویان ایرانی  
بنام جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویان ایران  
و بنام دانشجویان و جوانان ضد امپریالیست همین ماهها  
توجه به مراتب بالا نسبت به اقدام دولت جمهوری توده ای  
چین مبنی بر دعوت حضور منفوری نظیر اشرف اعراض کرده و  
این اقدام رانه در جهت مصالح خلق ما ، بلکه در جهت  
بهره برداری رژیم دست نشانده ای میداند که هم اکنون  
با کمک امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی جهان ، برگزاری  
دو هزارمین سال باصطلاح " شاهنشاهی " ایران  
را بمنظور سرکوتن کردن بر روی مشکلات و بین بست های  
عظیم اقتصادی و سیاسی و بمنظور غریب افکار صوم ایران  
و جهان تد ارك میمند ، برای این تد ارك و نشان دادن  
اینکه ایران " جزیره ای آرام و مستقل " است ، به پوشش  
فاشیستی بی سابقه ای طبع خلق ما و عناصر انقلابی آن  
دست زده است .

خلق ما که همواره بحق خواهان شناسائی جمهوری  
توده ای چین در سطح جهانی و پشتیبان واقعی و یگانه  
دوستی میان خلقهای ایران و چین بوده است هم چنان  
با روحیه ای قاطع و خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و حال  
سماء آن در ایران علیه دیکتاتوری فاشیستی شاه و به  
منظور ایجاد پایه های واقعی این دوستی به مبارزه خود  
ادامه خواهد داد . \*

پیروزی و مبارزه مشترک خلقهای جهان طبع

امپریالیسم و سگهای زنجیری آن  
زنده باد پیوند رزمندگان میان خلقهای ایران و چین  
هیئت ایران کنفدراسیون جهانی

مراجعه کنید به شانزدهم آذر شماره ۲ سال هفتم، اردیبهشت ۵۰ - مه ۱۹۷۱  
مراجعه کنید به شانزدهم آذر ارگان کنفدراسیون جهانی در تارنمای کنفدراسیون جهانی  
www.cisnu.org

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم  
مندرج در فصل هفتم بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)  
نامه دسر گشاه کنفدراسیون جهانی به دولت جمهوری توده‌ای چین

#### "نامه سرگشاده کنفدراسیون جهانی به دولت جمهوری توده‌ای چین"

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی با کمال تعجب و تاسف اطلاع یافت که اشرف پهلوی از طرف جمهوری توده‌ای چین برای مدت ده روز به آن کشور دعوت شده است. چنین دعوتی از جانب دولتی که مدافع و پشتیبان مبارزه خلق‌های جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع است، دولتی که معتقد و پشتیبان مبارزه آشتی ناپذیر علیه امپریالیسم و سگ‌های زنجیری آن در سراسر جهان است، به هیچ‌وجه برای جنبش جوانان و نیروهای مترقی و ضدامپریالیست ایران قابل توجه نیست. دولت شما از اشرف، از کسی که پس از برادر جلادش منفورترین و مرتجع‌ترین عنصر دربار پهلوی است از عنصری که در کودتای سیاه ۱۹۵۳ شرکت مستقیم و تعیین کننده داشته و به عنوان مامور سازمان جاسوسی آمریکا بزرگ‌ترین خدمت را به امپریالیست‌های آمریکائی، انگلیسی و ارتجاع ایران کرده است، از عنصری که همراه برادر دیکتاتور و جلادش در راه خیانت به منافع خلق ما و کشتار انقلابیون و آزادی‌خواهان ایران همواره نقش عمده‌ای را داشته است، از عنصری که در راس کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر و زیر پرچم "دفاع از حقوق بشر" بزرگ‌ترین جنایت‌ها را نسبت به خلق و حقوق بشر اعمال کرده است و بالاخره از عنصری که حتی طبق قانون اساسی ایران دارای هیچ‌گونه مسئولیت سیاسی نیست، دعوت به عمل آورده است و از این مهم‌تر این دعوت در شرایطی انجام می‌گیرد که:

جنبش ضدامپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم ما در حال اوجگیری نوینی است. در شرایطی که این جنبش بشدت مورد هجوم وحشیانه رژیم فاشیستی شاه قرار دارد. در شرایطی که بهترین رزمندگان انقلابی میهن ما گروه گروه در دادگاه‌های در بسته نظامی "محاکمه" و سپس اعدام می‌شوند و یا در شکنجه گاه‌ها بقتل می‌رسند. در شرایطی که جنبش ضدامپریالیستی جوانان و خلق ما بیش از هر زمان دیگر به همبستگی و پشتیبانی خلق‌ها و نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست جهان نیازمند است. در زمانی که سیاست امپریالیستی "دو چین" در آستانه ورشکستگی نهائی است و امپریالیست‌ها و نیروهای ارتجاعی به حکم جبر ناچارند به این واقعیت تن در دهند که در جهان نه "دو چین" بلکه تنها یک چین وجود دارد و تنها جمهوری توده‌ای نماینده منافع و مصالح خلق چین است. دربار پهلوی نیز در نتیجه ناگزیری اجتناب ناپذیر گردن نهادن به این حکم تاریخ و برای فریب افکار عمومی و به خاطر این که سیاست خارجی کاملاً وابسته خود را سیاستی مستقل نشان دهد و بالاخره برای بهره برداری سیاسی به منظور مقابله با جنبش انقلابی خلق ما، با صلاح‌دید اربابان امپریالیست خود تصمیم گرفته است در راه شناسائی جمهوری توده‌ای چین قدم بردارد.

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی بنام جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی دانشجویان ایران و به نام دانشجویان و جوانان ضدامپریالیست میهن ما، با توجه به مراتب بالا نسبت به اقدام دولت جمهوری توده‌ای چین مبنی بر دعوت عنصر منفوری نظیر اشرف اعتراض کرده و این اقدام را نه در جهت مصالح خلق ما، بلکه در جهت بهره برداری رژیم دست‌نشانده‌ای می‌داند که هم اکنون با کمک امپریالیست‌ها و نیروهای ارتجاعی جهان، برگزاری دو هزار و پانصدمین سال به اصطلاح "شاهنشاهی" ایران را به منظور سرپوش گذاردن بر روی مشکلات و بن‌بست‌های عظیم اقتصادی و سیاسی و به منظور فریب افکار عمومی ایران و جهان تدارک می‌بیند، و برای این تدارک و نشان دادن این که ایران "جزیره‌ای آرام و مستقل" است، به یورش فاشیستی بی‌سابقه‌ای علیه خلق ما و عناصر انقلابی آن دست زده است.

خلق ما که همواره به حق خواهان شناسائی جمهوری توده‌ای چین در سطح جهانی و پشتیبان واقعی و پی‌گیر دوستی میان خلق‌های ایران و چین بوده است هم چنان با روحیه‌ای قاطع و خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و عمال سیاه آن در ایران، علیه دیکتاتوری فاشیستی شاه و به منظور ایجاد پایه‌های واقعی این دوستی به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

پیروز باد مبارزه خلق‌های جهان علیه امپریالیسم و سگ‌های زنجیری آن

زنده باد پیوند رزمندگان میان خلق‌های ایران و چین

هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی"

## سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

طرح‌ها و مسائلی چند برای کنگره امسال

۲۱۳

طرح هادسالی چند برای کنگره امسال

فعالیت سال گذشته در ایران نشان داد که بعضی مسائل گذشته یا تکرار می‌شود و یا صورت خود را  
از دست داده اند، در همین حال برخی مسائل دیگر به طرز آهسته آهسته که عموماً تا زمانی دارند که در مرکز فعلی ایران  
مسائل امر چین، رابطه آن با ایران و مسائل مربوط به همکاری بین دو کشور استیم یا غیر استیم با هم گسیم -  
بسیار زیاد به طرز کار گرفته اند. بخوبی بتواند دید که چه کمترین و چه بیشترین مسائل گذشته  
استیم یا غیر استیم. در بعضی حالات یکس العمل بوده‌اند از رانجیر یا و نظایر آن در قبایل سیکن فارسی  
چین، ایران، یکس العملی طبعی - و یا حداقل برای مردمی که کمینیت و ملی طبعی - بوده‌اند و نتوانسته  
در اینجا و آنجا تحت تأثیر یکس العمل ای می‌کنند و یا برکنار می‌روند و مجموعاً در یک سو جمع می‌گردند و یا برکنار  
می‌روند برای به کار بردن رانجیر یا و نظایر آن یکس العملی از هر کمینیت کمینیت است. آنهمه روشن  
است که کمینیت آهسته آهسته تا حد زیادی تحت تأثیر صف ایران می‌باشد و این بقیه کارها را  
داشت.

در زیر به طرح چند مسئله مهم و پیشنهاداتی در این زمینه می‌پردازیم.

۱- رفقاس ما و اکثر همکاران ما چون توده‌ای با اعلامیه در ایران درباره سوزا سوزا به چین  
توده‌ای در خلا آذربایجان است. نظر آنان بر اینست که این اعلامیه و این موضع گیری در کنگره  
آهسته آهسته از طاعت نمایی گمان برود. اما طرح این مسئله در کنگره با چند مشکل برخورد خواهد کرد.  
اولاً با احتمال کمینیت در اعلامیه که اکثریت را خواهد آورد و در این به صلاح ما و چین نخواهد بود  
ثانیاً مخالفت با اعلامیه بدون استدلال قوی باعث تقویت جهت کمینیت و نزدیکی  
بیشتر فوج آن می‌شود و این کار را نمی‌توانیم بکنیم. در این آذربایجان - چنانچه دیدیم در آن طرح گفته  
بمسئله اعلامیه نباشیم و حق کمینیت را نمی‌توانیم غیر استیم - هر این مسئله در کنگره مطرح نگردد.  
کلیتاً ما باید آماره باشیم که با طرح برگردن کمینیت در زمینه چین و سیاست‌ها چین آن با ایران  
در جلد به چین توده‌ای را بدست خود دارد و به جهت کمینیت در زمینه چین و سیاست‌ها چین آن با ایران  
آنچه ~~طرح می‌کنیم~~ ~~که در کنگره مطرح کنیم~~ یکس العملی طبعی در ایران و فوج آن با آن  
- در این برخط شکل خواهد بود - با برگردن صدای کمینیت و سوزا سوزا در این کنگره بازده  
کنیم. برای رد اعلامیه آن در ایران - و در ایران - با احتمال کمینیت فوج آن با آن  
گاهی در دست در خلا آذربایجان می‌باشد و ما نتوانیم و یا نمی‌توانیم به دنبال قرار بگیریم.  
در حال حاضر انتظار داریم که به چین از طاعت کنگره عبارت سهل تر است.

۳ - سندگیر در شایه در این نگاره بر سر کشود، طرح مجید منشور کنفدراسیون  
 می باشد. از آنجا که سال گذشته نسبت به این منشور، متحدان آن و یا برخی نکات آن  
 بین رفقا همسازان نظرات گوناگون و جروا داشت، لازم است مع این حلقه نظر خود را  
 نسبت به آن ابراز دارد، تا در نگاره بعد رفقا بر وجه این دانسته باشند. ~~مجلس~~ معنی بر این  
 نظرات ~~مجلس~~ هر جمع و قابل پذیرش است. چند ایراد کوچک در ایجاد اینجا در دراز  
 طرح مجید منشور <sup>این</sup> طرح ایرادات کوچک نیز درک نیست چه تجربه نشان داده است که عموماً  
 طرح مجید را تبدیل به نگاره‌های گوناگون می‌کنند و نامش بیشتر آن می‌گردد. چنانچه دیگران منشور را  
 مطرح کردند ما نیز می‌توانیم به تصحیح آن بپردازیم. اما اگر این <sup>نقطه</sup> نظر خواننده منشور را سبب  
 تغییر کند، باید نگاره‌های گوناگون و آنرا در نگاره طرح سافت

۴ - پیشنهاد میشود در طبق تقریب هفت مرکز یا دگنر، رفقا نظر بر این برهه  
 در ما هم نظر بکنند و اگر این دیر می‌کشد باید به هم گفتش ما در این جهت باشد که ما به نظر از جمله  
 برآورد شود چنانچه مرتباً نشیتم، طرح سافت هفت مرکز که معنی بر این است غیر مستقیم و غیر  
 در مرکز آن است و در دراز آنرا نگاره غیر روزی نیست عملی گردد.

۵ - برای در بران ندراسیون و کنفدراسیون پیشنهاد میشود: رفیق گودرز، رفیق ارس  
 رفیق

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (دعوت از اشرف خواهر توماس شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

طرح‌ها و مسائلی چند برای کنگره امسال

#### "طرح‌ها و مسائلی چند برای کنگره امسال"

فعالیت سال گذشته دبیران نشان داد که بعضی از مسائل گذشته یا تقریباً حل شده و یا حدت خود را از دست داده‌اند، در عین حال برخی مسائل دیگر پدید آمده‌اند که عموماً تازگی دارند. و مرکز ثقل این مسائل امر چین، رابطه آن با ایران و مسائل دیگری که بهر حال مستقیم یا غیر مستقیم با مارکسیسم-لنینیسم در ارتباطاند قرار گرفته‌اند. به خوبی می‌توان دید که ضدکمونیسم و ضد چینی در سال گذشته رشد یافته است. در برخی حالات عکس‌العمل عده‌ای از دانشجویان و فعالین در قبال سیاست خارجی چین با ایران، عکس‌العملی طبیعی - و یا حداقل برای فردی غیرکمونیست و ملی طبیعی - بوده است که متأسفانه در این جا و آن جا تحت تاثیر عکس‌العمل‌های ضدکمونیستی قرار گرفته‌اند و مجموعاً در یک موضع قرار گرفته‌اند. شرایط کنونی برای جدا کردن دانشجویان میهن پرست ملی از ضدکمونیست‌ها بسیار دشوار است. آن چه روشن است آنست که کنگره آینده تا حدود زیادی تحت تاثیر صف آرائی ضد چینی‌ها و بقیه قرار خواهد داشت.

در زیر به طرح چند مسئله مهم و پیشنهاداتی در این زمینه می‌پردازم:

۱ - رفقای ما و اکثر هواداران چین توده‌ای با درج اطلاعاتی دبیران در باره سفر اشرف به چین توده‌ای در ۱۶ آذر مخالفانند. نظر آنان بر اینست که این اطلاعات و این موضع‌گیری در کنگره آینده از طرف نمایندگان رد شود. اما طرح این مسئله در کنگره با چند مشکل روبرو خواهد شد.

اولاً به احتمال قوی رد اطلاعاتی، رای اکثریت را نخواهد آورد و این به صلاح ما و چین توده‌ای نخواهد بود. ثانیاً مخالفت با اطلاعاتی بدون استدلال قوی باعث تقویت جبهه‌ی ضدکمونیست‌ها و نزدیکی بیش‌تر جناح‌های ضدچینی خواهد گشت که این نیز زیان آور است. پیشنهاد می‌شود که ما طرح‌کننده مسئله اطلاعاتی نباشیم و حتی کوشش کنیم - غیر مستقیم - که این مسئله در کنگره مطرح نگردد.

لیکن ما باید آماده باشیم که با طرح هرگونه پیشنهادی در زمینه چین و سیاست خارجی آن با ایران که حمله به چین توده‌ای را هدف خود دارد بشدت مخالفت ورزیم.

۲ - کوشش کنیم به جای طرح مجدد اطلاعاتی دبیران و مخالفت با آن - که از هر لحاظ مشکل خواهد بود - با هرگونه صدای ضدکمونیستی و پیشنهاد ضدچینی در این کنگره مبارزه کنیم. برای رد اطلاعاتی که دبیران - و تنها دبیران - ماه‌ها قبل با زیرکی خاصی و استدلالات گاهی درست در ۱۶ آذر به چاپ رسانده‌اند ما ناتوانیم و جبهه قوی‌ای نمی‌توانیم به دنبال خود بکشیم در حالی که رد انتقاد و حمله به چین از طرف کنگره به مراتب سهل‌تر است.

۳ - سند دیگر که شاید در این کنگره بررسی شود، طرح مجدد منشور کنفدراسیون می‌باشد. از آن جا که در سال گذشته نسبت به این منشور، محتوی آن و یا برخی نکات آن بین رفقای سازمان نظرات گوناگون وجود داشت، لازم است که این جلسه نظر خود را نسبت به آن ابراز دارد، تا در کنگره جمله‌ی رفقا موضع یکسان داشته باشند. بر این نظرم که منشور در اساس خود صحیح و قابل پذیرش است. چند ایراد کوچک در این جا و آن جا وجود دارد. طرح مجدد منشور به خاطر رفع این ایرادات کوچک نیز درست نیست. چه تجربه نشان داده است که عموماً طرح مجدد برای رفع ایرادات غیرمهم تبدیل به مخدوش کردن مجموعه و نارسائی بیش‌تر آن می‌گردد. چنانچه دیگران منشور را مطرح کردند ما نیز می‌توانیم به تصحیح آن پردازیم. اما اگر رفقا نظر دارند که منشور اساساً باید تغییر کند که باید فکر دیگری کرد و آن را در کنگره مطرح ساخت.

۴ - پیشنهاد می‌شود که طبق تصویب هئیات مرکزی اکنون رفقا نظر موافق بدهند که ما دو نفرکاندید برای دبیری کنفدراسیون بدهیم کوشش ما در این جهت باشد که با سه نفر از جبهه ملی همکاری شود چنانچه موفق نگشتیم، طرح مصوبه هیات مرکزی مبنی بر انتخابات غیر لیستی و شرکت در هیات دبیران حتی با وجود افراد دیگر غیرروزیونیست عملی گردد. برای دبیران فدراسیون و کنفدراسیون پیشنهاد می‌شود: رفیق گودرز، رفیق آرش."

## سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (عملیات مسلحانه سیاهکل، پیدایش خط مشی چریکی و روحیه چریکی در میان قشر خرده بورژوازی روشنفکران).

مندرج در فصل هفتم بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

گزارش یک سال فعالیت روزنامه ارگان (از ژوئیه ۱۹۷۱ تا ژوئیه ۱۹۷۲)

از این یک سال فعالیت روزنامه ارگان (از ژوئیه ۱۹۷۱ تا ژوئیه ۱۹۷۲)  
این گزارش در بخش: «بهترین نمونه‌های مبارزه» : بخش اول سال سالیانه مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
بهترین نمونه‌های مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و بهترین نمونه‌های مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
بهترین نمونه‌های مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و بهترین نمونه‌های مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و

۵- سالی که در آنجا، بهر حال، در پیاده‌سازی و اجرای طرح‌های مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و  
مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و مبارزه با ایدئولوژی کاپیتالیستی و

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (عملیات مسلحانه سپاهک، پیدایش خط مشی چریکی و روحیه چریکی در میان قشر خرده بورژوازی روشنفکران).

مندرج در فصل هفتم بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

گزارش یک سال فعالیت روزنامه ارگان (از ژوئیه ۱۹۷۱ تا ژوئیه ۱۹۷۲)

"گزارش یک سال فعالیت روزنامه‌ی ارگان (از ژوئیه ۱۹۷۱ تا ژوئیه ۱۹۷۲)

این گزارش در سه بخش به هئیت مرکزی تقدیم می‌شود: بخش اول شامل مسائل عمده ایدئولوژیک و سیاسی که در طی یک سال با رهنمودهای هئیت مرکزی در ماهنامه‌ی توفان مطرح و تحلیل شده است. بخش دوم مربوط به مضمون و لحن مقالات توفان بطور کلی و بخش سوم در باره‌ی نویسندگان مقالات توفان.

بخش اول - مسائل عمده‌ای که در طی یک سال اخیر در ماهنامه‌ی توفان مطرح شده و چگونگی تحلیل آنها از این قرار است:

۱ - مسئله مبارزات مسلحانه در ایران: برخورد توفان به این مسئله مبتنی بر اصول زیرین بوده است. ارزیابی مقاومت مسلح به عنوان پدیده‌ای جدید در مبارزات سال‌های اخیر خلق ایران، ستایش قهرمانی جوانانی که نشانه‌ای از سرسختی خلق ماست و دفاع از آنها در برابر رژیم، انتقاد از راه نادرست مبارزه آنان که در جدائی از خلق و بدون رهبری طبقه‌ی کارگر انجام می‌گیرد. توفان در این مسئله به مبارزه با رویزبونیست‌های حزب توده‌ی ایران برخاست که می‌خواهند اشتباهات مبارزان جوان را دلیل نادرستی اصولی راه قهرآمیز مبارزه جلوه دهند و از آن به سود نفی این راه استدلال کنند. همچنین روش توفان با روش سازمان‌هایی که دید انتقادی به این مبارزه مسلحانه نداشتند متفاوت بود..."

..."

۵ - مسائلی که در ارتباط با استقرار روابط سیاسی میان جمهوری توده‌ای چین و ایران پیش آمد. در این مسائل روش توفان طبق رهنمودهای هئیت مرکزی مبتنی بر مراعات اکید اصل انترناسیونالیستی پرولتری بود. از یک سو توفان در مواضع خود که به صحت آنها ایمان کامل دارد پافشاری کرد و از سوی دیگر به تحریکات ضدکمونیست‌ها و عناصری که نادانسته تحت تاثیر تبلیغات آنها قرار داشتند و نیز بدسائس رویزبونیست‌ها تسلیم نشد و از هرگونه نوشته‌ای و تبلیغی که به حیثیت انقلابی جمهوری توده‌ای چین لطمه وارد سازد و واقعیت وجود او را به مثابه دژ نیرومند سوسیالیسم خدشه‌دار گرداند خودداری ورزید. باید گفت که هیچ‌یک از مطبوعات خارج از کشور که خود را مارکسیست-لنینیست می‌نامند نتوانستند چنین روش اصولی را تعقیب کنند و از این یا از آن جهت گرفتار تردید و تزلزل نشوند..."

**سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم**

مندرج در فصل هفتم بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

## گزارش یک ساله فعالیت شعبه روابط خارجی

[illegible]

[illegible][illegible]



[illegible]

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در فصل هفتم بخش: (دعوت از اشرف خواهر توامان شاه به جمهوری توده‌ای چین و نظر سازمان توفان)

گزارش یک ساله فعالیت شعبه روابط خارجی

### "گزارش یک ساله فعالیت شعبه روابط خارجی (ژوئیه ۱۹۷۱ - ژوئیه ۱۹۷۲)

در فاصله‌ی یک سال اخیر روابط سازمان ما با احزاب برادر بسط زیادی نیافت ولی عمیق‌تر شد. سازمان ما از لحاظ توضیح و تشریح نظریات و موضع‌گیری‌های خویش با احزاب برادر و شناساندن ماهیت مبارزات خلق ایران به مرحله‌ی ثمربخش‌تری قدم گذاشت.

۱ - رابطه با احزاب برادر را باید از حزب کمونیست چین شروع کرد، نه فقط به علت عظمت حزب کمونیست چین بلکه همچنین به علت اهمیت مسائلی که بین سازمان ما و آن حزب مطرح شده است. رفقا به خاطر دارند که هئیت مرکزی ما پس از مسائلی که به مناسبت برقراری روابط سیاسی میان چین و دولت ایران پیش آمد وظیفه‌ی انترناسیونالیستی خویش دانست که در عین دفاع از جمهوری توده‌ای چین در برابر آنتی‌کمونیست‌ها و دیگران، نظریات خویش را صریحاً و رقیقانه با حزب کمونیست چین در میان بگذارد و این کار را با ارسال نامه‌ای مورخ ۱۵ مه ۱۹۷۱ انجام داد. ولی متأسفانه از جانب رفقای چینی جوابی دریافت نشد و در این فاصله کسانی که می‌خواستند از آب گل آلود ماهی گرفته اذهان عمومی را بر علیه جمهوری توده‌ای چین آشفته سازند به کار خود شدت می‌دادند. پس لازم بوده است که این مسائل با حزب کمونیست چین بطور جدی بحث شود و نتیجه‌گیری واحدی به دست آید. از این جهت تصمیم گرفته شد که نمایندگان سازمان ما سالگرد تاسیس حزب کمونیست چین را فرصت مغتنمی شمرده تهنیت نامه‌ی سازمان توفان را مستقیماً به سفارت چین برسانند و ضمناً بحث نامه‌ی ۱۵ مه ۱۹۷۱ را از سر گیرند. این ملاقات روز ۲۹ ژوئن با نماینده‌ی فرهنگی انجام گرفت. از آنجا که پُرسیدور این ملاقات حائز اهمیت است اجازه بدهید قسمتی از گزارش نمایندگان سازمان را در این مورد عیناً برای تذکر نقل کنیم، اگرچه ورود در جزئیات در شیوه‌ی گزارش حاضر نیست. اینک قسمت مذکور: "رفیق چینی ما کلیه‌ی مطالب را بدقت یادداشت کرد. مطالب مورد استناد ما را از مجله پکن انفرماسیون مطالعه کرد. شماره‌های مجله را برداشت و پرسید که آیا تاکنون در این باره با رفقای چینی صحبت کرده‌ایم یا نه. توضیح دادیم که یکسال پیش نامه‌ای در این زمینه نگاشته‌ایم. اظهار بی‌اطلاعی کرد. گفتیم که همین رفیق سنجر آن را آورده است ولی در همان دم در از او گرفته‌اند، بدون آن که از او پذیرائی کنند و حتی اول پنداشته‌اند که روزنامه است نه نامه. او تعجب کرد و تکرار کرد که از وجود چنین نامه‌ای بی‌خبر است و افزود که چون اعضاء سفارت عوض می‌شوند اتفاق می‌افتد که مراجعه کنندگان را نمی‌شناسند و به مناسبت رفتار با رفیق سنجر معذرت خواست. ما گفتیم که باید در مورد مطالبی که بر شمرديم بحثی جدی با رفقای چینی در گیر شود. یا نماینده‌ای صلاحیت‌دار از طرف حزب کمونیست چین پیش ما بیاید و یا هئیتی از ما به پکن دعوت کنید. آن رفیق از نامه‌ی تبریک و از حضور ما تشکر کرد. گفت که نامه به پکن ارسال خواهد شد و چون مسئول سفارت‌خانه عجالتاً حضور ندارد عین مطالب را به اطلاع او خواهد رسانید". امیدواریم که ملاقات ما با رفقای چینی و حل مسائلی که برای مبارزات ما و خلق ایران و برای سیاست جمهوری توده‌ای چین در کشور ما حائز اهمیت است هر چه زودتر صورت پذیرد.

اما ارتباط ما با رفقای چینی از لحاظ مبادله و دریافت مطبوعات کاملاً رضایت بخش است. رفقای چینی علاوه بر مجلاتی که برای ما می‌فرستند سال گذشته ۲۱۵۰ جلد از آثار رفیق مائو تسه دون به زبان فارسی به مبلغ ۱۷۳۵ مارک<sup>۱</sup> برای ما ارسال داشته‌اند که خود کمک انترناسیونالیستی ارزنده‌ای است.

۲ - در مورد رابطه با حزب کار آلبانی نخست باید گفت که از موقع مذاکرات هئیت نمایندگی ما با نمایندگان کمیته مرکزی آن حزب در آوریل سال گذشته تاکنون مطبوعات و رادیوی آلبانی در تفسیرهای مربوط به نفت شیوه‌ای داشته‌اند که کاملاً می‌تواند مورد تأیید سازمان ما باشد. در آنها هیچ نکته‌ای که کم‌ترین ابهامی در باره‌ی ماهیت حکومت ایران ایجاد کند موجود

<sup>۱</sup> - توضیح این که این مبلغ به توفان به صورت نقدی پرداخت نشد زیرا سازمان م- ل توفان برخلاف "سازمان انقلابی" که موجودیتش به دلارهای رفقای چینی گره خورده بود، سازمانی متکی بر نیروی خود بود. رفقای چینی این کتب را برای توزیع و فروش در غرب ارسال کرده بودند. جالب این است که سازمان توفان به منبع پخش چهار اثر منتخب رفیق مائو تسه دون در غرب بدل شد و اعضاء "سازمان انقلابی" این کتب را در کنگره‌های کنفدراسیون که میز کتاب برای فروش گذاشته می‌شد از میز توفان تهیه می‌کردند. توفان بسیاری از این آثار را به رایگان در اختیار علاقمندان و یا به بهای نازل در اختیار آنها می‌گذاشت.

نبوده است. رفقای آلبانی همچنان که تعهد کرده بودند سه رساله‌ی سازمان ما را از هر کدام سه هزار نسخه چاپ کردند و در دسترس ما قرار داده‌اند. مجله‌ی "آلبانی امروز" و آژانس تلگرافیک آلبانی مرتباً برای ما ارسال می‌گردد. همین آژانس در ۸ اکتبر ۱۹۷۱ مقاله‌ی توفان را تحت عنوان "خلق فلسطین پیروز است" نقل کرد که بطور خلاصه از رادیوی تیرانا قرائت شد. نامه‌ی تبریک سازمان ما به کنگره ششم حزب کار آلبانی نیز در جلسه‌ی رسمی کنگره خوانده شد و این امر در برخی از مطبوعات مارکسیستی-لنینیستی انعکاس یافت. به نظر شعبه‌ی روابط خارجی اگر ما بتوانیم رساله‌ی "جهان نوین در آلبانی" را به فرانسه ترجمه کنیم و بوسیله‌ای و از آن جمله بوسیله‌ی بنگاه‌های رسمی چاپ به طبع برسانیم وظیفه‌ای انترناسیونالیستی انجام داده‌ایم. شعبه‌ی روابط خارجی از آنجا که در موافقت هئیت مرکزی در این امر تردید ندارد مقدمات ترجمه را فراهم ساخته است.

۳ - سازمان ما در ۱۹۷۱/۷/۱۰ نامه‌ی مشترکی به روزنامه‌های "هومانیته سرخ"، "کلارته"، "نووا اونیتا" در افشاء جشن‌های ۲۵۰۰ ساله نوشت و خواستار شد که آنان در مبارزه با تبلیغات محمد رضا شاه به خلق ایران یاری برسانند. در تعقیب این نامه روزنامه‌ی "هومانیته سرخ" در شماره ۱۵ ژوئیه تا ۳۰ اوت خود مقاله‌ی توفان تحت عنوان "پوسیده دو هزار و پانصد ساله" را نقل کرد و خود نیز مقاله پرشوری در این موضوع نگاشت. روزنامه کلارته نیز مقاله‌ای در شماره ۱ - ۱۵ نوامبر ۱۹۷۱ خویش با استفاده از نوشته‌های توفان در همین موضوع درج کرد. ولی متأسفانه نووا اونیتا، اگر چه در شماره ۸ ژوئیه ۱۹۷۱ خود سر مقاله‌ی توفان تحت عنوان "مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم" را نقل کرده بود در مورد جشن‌های دو هزار و پانصد ساله چیزی ننوشت.

۴ - در روز ۱ آوریل ۱۹۷۲ به منظور تبادل انفرماسیون با حزب کمونیست بلژیک تماس گرفته شد. دوفز از اعضاء هئیت سیاسی حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست بلژیک در مذاکرات شرکت داشتند. رفقای بلژیکی خواستند که ما در باره‌ی نقش محمد رضا شاه در اوپک و استقرار روابط با چین توده‌ای توضیحاتی بدهیم. آنها علی‌الاصول و حتی پیش از توضیحات کامل ما با مواضع سازمان ما موافق بودند. رفیق لوفور سردبیر روزنامه‌ی کلارته توضیح داد که چندی پیش ماندل، ترنسکیست و پرووکاتور معروف به اینجا آمد و خبر گذاشت. از من دعوت شد که در جلسات او حضور بهم برسانم و نظریات خودمان را بیان کنم. ماندل در پایان یکی از سخنرانی‌ها گفت: در حالتی که شاه ایران ده‌ها نفر از انقلابیون ایران را اعدام می‌کند چینی‌ها نمایندگان محمد رضا شاه را دعوت و احترام می‌کنند و از وی پشتیبانی می‌کنند. رفیق لوفور گفت من در جواب او فقط گفتم که ما رفقای چینی را از روی سیاست عمومی آنها در عرصه‌ی جهان، در پشتیبانی بی قید و شرط آنها از جنگ ویتنام، از نهضت فلسطین، از کلیه نهضت‌های ضدامپریالیستی، از مواضع ایدئولوژیک و سیاسی آنها ارزیابی می‌کنیم نه از روی ایزودها. بهر حال رفقای بلژیکی، اگر چه لزوم استفاده از تضاد در اردوی دشمن را تا کید می‌کردند (که ماد نیز تأکید می‌کنیم) با نظریات سازمان ما موافقت داشتند.

۵ - نظیر همین برخورد در ۳۱ ماه مارس با نماینده حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست فرانسه به عمل آمد. رفیق فرانسوی که از موضع رفقای چینی مستحضر بود نخست موضع آنها را با تکیه بر لزوم متحد ساختن کلیه نیروها بر علیه امپریالیسم تأیید می‌کرد. ما بدون آن که موضع رفقای چینی را مستقیماً مطرح سازیم موضع سازمان توفان را تشریح کردیم. به نظر می‌رسید که رفیق فرانسوی در پایان بحث به نظر ما پیوست. سپس او ما را در جریان مبارزات و تحولات درونی رهبری حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست فرانسه گذاشت. رفیق فرانسوی از کمکی که از جانب رفقای ما در استراسبورگ به تشکیل شعبه‌ی حزب کمونیست فرانسه در آن شهر به عمل آمده است تشکر کرد.

به طور کلی برخورد سازمان ما با حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست فرانسه و بلژیک به ویژه از آن جهت که مواضع اصولی سازمان ما را در مسائل مربوط به مبارزه با رژیم محمد رضا شاه بر آنها روشن ساخت برخورد مفید و لازمی بود...."

## سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (عملیات مسلحانه سیاهکل، پیدایش خط مشی چریکی و روحیه چریکی در میان قشر خرده بورژوائی روشنفکران).

## یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

تحولات نوید بخشی جنبش مارکسیستی ایران را فرا گرفته و افق‌های گسترده و تابناکی در برابر آن گشوده است. "بیانیه" اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران " بمثابة نتیجه و انعکاس این تحول و پیروزی بزرگ مارکسیسم لنینیسم در صحنه پیکار انقلابی میهن ما، پیام آور این افق روشن است. درگونی عمیق در جهان بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق رویداد تاریخی مهمی است که با تأثیرات تعیین کننده خود بر مجموع جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، راه‌های اعتلا و تکامل آتی آنرا روشنی می بخشد. پیروزی سازمان مجاهدین خلق ایران در یافتن ریشه های اساسی نارسائی ها، در شناخت منشأ ایدئولوژیک ضعف ها، در طرد معیارهای کهنه و در درک ضرورت ها نوین تاریخی و سیاسی که بر اساس تجربه و پراتیک ده سال مبارزه انقلابی، چهار سال مبارزه مسلحانه و دو سال مبارزه پیرومند ایدئولوژیک و در دشوارترین شرائط داخلی و خارجی و در جریان پرشورترین پیکارهای انقلابی بدست آمده است، نه تنها پیروزی سازمان و رزمندگان آگاه، مصمم و وفادار آن، بلکه همچنین یک پیروزی بزرگ مارکسیسم لنینیسم، یک پیروزی خلق زحمتکش ما و ضربه سهمگینی است بر پیکر رژیم مزدور شاه. این پیروزی بزرگ که قلوب همه مارکسیست-لنینیست های واقعی و انقلابیون راستین را گرمی می بخشد، نیروی محرکه قدرتمندی است در تسریع حرکت و تحول آتی و انسداد ناپذیر جنبش انقلابی خلق ما و ایجاد امکانات عملی و تضمین های واقعی پیشروی ظفرمند آن.

رخداد تاریخی پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در شرائطی بوقوع می پیوندد که یک کارزار وسیع جعل و تحریف و سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک، یورش همگانه پلیسی و سرکوب فاشیستی رژیم شاه را همراهی میکند. در سالهای اخیر، بموازات رشد جنبش انقلابی و نفوذ روزافزون اندیشه های مترقی و پیدایش و شکل گیری گروه ها و تشکلهای متعدد مارکسیستی و انقلابی در ایران، امپریالیسم جهانی، ارتجاع بومی و بورژوازی وابسته ایران به نمایندگی دار و دسته مزدور محمد رضا شاه که تجربه دیرینه تبه کاریهای ضد انقلابی و برنامه ها و تدابیر گوناگون ضد کمونیستی نه تنها در ایران بلکه همچنین در سایر نقاط جهان را توشه دارند، علاوه بر اعمال شدیدترین ترور فاشیستی، از طریق سازمان دادن یک کارزار پر دامنه ضد کمونیستی و گسترش بیسابقه سرکوب سیاسی - ایدئولوژیک نیز به مقابله با اندیشه های انقلابی رشد یافته، به مقابله با مارکسیسم لنینیسم دست زده و با استفاده از کلیه جریب یانات ضد مارکسیستی، از ترسکیم و انحرافات گوناگون آنتی کمونیستی مشابه تا "مارکسیسم" جیره خواران تلویزیونی، به این بسیج ضد انقلابی در زمینه ایدئولوژیک، ابعاد گسترده ای بخشید فاند. و بالاخره این تحول در شرائطی انجام میگیرد که تشبثات و تبلیغات ضد انقلابی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی و عوامل ایرانی آن، دار و دسته خائن "کمته" مرکزی حزب توده، علیه مارکسیسم لنینیسم، اندیشه مائوسه دون اوج افسار گسیخته ای یافته و به نحو انه واری دامن زده میشود. پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در چنین شرائطی به این رخداد تاریخی ویژگی و برجستگی خاصی می بخشد و درعین آشکارا شاختن ناکامی تلاشهای گوناگون و تعرضات ایدئولوژیک نیروهای ارتجاعی، نشانه عمق این تحول بزرگ، نشانه دست یابی آگاهانه و مستحکم سازمان مجاهدین خلق ایران به مارکسیسم لنینیسم بمثابة یکانه تئوری صحیح انقلابی و تنها وسیله رهائی قطعی پرولتاریا و زحمتکشان است.

تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران به غلبه بر پندارگراییهای آیدالیستی، به درگونی مانی فلسفی و اعتقادات ایدئولوژیک آن و قبول احکام عام مارکسیسم لنینیسم خلاصه نمیکرد و دامنه آن تا زمینه های مختلف سیاست، برنامه و مشی سازمان گسترش می یابد. سمنگیری صحیح در پارهای مسائل مهم تئوری و پراتیک جنبش مارکسیستی و انقلابی ایران، رسیدن به یک سلسله استنتاجات مهم عملی و انتخاب مواضع عمیق و روشن در قبال رویزیونیسم جهانی بمثابة یک جریان عمده ضد انقلاب جلوه های دیگر این تحول و پیروزیست. درگونی در جهان بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق به سبب عمق و ابعاد بزرگ آن و از آنجا که به یک پیروزی مارکسیسم لنینیسم در یکی از میدانهای مهم مبارزه ایدئولوژیک محدود نمیکرد، بلکه در این حقیقت تجلی می یابد که این پیروزی در آتش پیکارهای انقلابی و در بونه آزمایش و پراکند بدست آمده و صیقل یافته است، لاجرم در کار ایجاد تغییرات عمیق در تناسب قوی موجود در جنبش انقلابی میهن ما و در صحنه مبارزه طبقاتی در ایران، بر سمنگیری، پراتیک و مشی جنبش عمیقاً تأثیر می بخشد و بطور موثری به ایجاد درکی درست از مطالبات و نیازهای واقعی جنبش یاری میرساند.

سمتگیری صحیح سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت پیوند سیاسی - تشکیلاتی با زحمتکشان و جنبش خود بخود طبقه کارگر، درك روشن ضرورت این سمتگیری، تلاش در شناخت و كشف قانون مندی هلی آن، در یافتن راه های عملی مشخص، در سازماندهی و فراهم آوردن وسائل موثر انجام این وظیفه، میرم و تخطی ناپذیر، یکی از تظاهرات مهم این تحول و از نتایج درخشانی است که سازمان مجاهدین خلق بر اساس ارزیابی مبارزات سالهای اخیر، بویژه مبارزات مسلحانه، سازمانهای انقلابی و بانگ تجارب، دستاوردها و کمبودهای اساسی این مبارزات بدان نائل آمده است. آمادگی و انعطاف انقلابی سازمان در انتقاد اصولی از ضعفها، نارسائیهها و خطاها، در پذیرش صادقانه ضرورتها، مبارزه، در گردن نهادن به "حقایق ناشی از درك عمیق تر منافع توده ها و لزوم سمت گیری مشخص به سمت زحمتکش - ترین اقشار و طبقات اجتماع" (نقل از "بیانیه ...") که نمونه برجسته حرکت صمیمانه از منافع والای خلق و قدرت و کیفیت سازمان در تحلیل درست واقعیت ها و آموزش خلاق از تجربه و پراتیک انقلابیست، امکان داد که سازمان بتواند بجای بی اعتنائی به واقعیت ها و تجارب مبارزه، بجای زنجیر شدن در حصار پراتیک محدود و اندیشه های التقاطی و نارسا، با خلاقیت و روشن بینی راه آینده خویش را روشن سازد و بموازات رشد مبارزه و تکامل سازمان گامهای بزرگی در راه غلبه بر نواقصی که بطور عمده محصول ضعف جنبش نوین انقلابی، نارسائیههای تئوریک و تجربه محدود و عملی آن و انعکاس مراحل کودکی سازمان، شرایط شکل گیری، ترکیب و کاراکتر طبقاتی عناصر تشکیل دهنده آن بود بردارد و مدرك وسیعتری و عمیقتری از وظائف جنبش و سازمان از مبارزه مسلحانه و از پیوند با زحمتکشان نائل آید: "استنباطات امروزه مبارزه مسلحانه مسلما نمیتواند و نباید درست بر همان استنباطات محدود چهار یا پنج سال پیش، وقتی که اولین برخوردهای "مسلحانه بین نیروهای پیشتاز خلق و دشمن بوجود آمد، منطبق باشد. این استنباطات اکنون باید بسیار پیشرفته تر و پیچیده تر و ناظر بر ابعاد جدیدتری از پیشرفت همه جانبه کار باشد. این موضوع مصداق بارزی در سازمان ما دارد. ما در طی این دوران ابعاد جدید تر و معنای بسیار وسیعتری از مبارزه مسلحانه را درك کردیم که برخورد با دشمن تنها یک "بعد آنرا نشان میدهد." (نقل از "بیانیه ...." - صفحه ۲۸). این حرکت رشد یابنده، استنباطات پیشرفته و درك وسیع از مبارزه مسلحانه که بر تجربه و شواهد عینی، بر جمع بندی از دستاوردهای جنبش نوین انقلابی ایران مبتنی است سازمان را بسوی استنتاج واقع بینانه از گذشته و شناخت درست وظائف کنونی رهنمون میسازد:

"بدین ترتیب ملاحظه میشود که جنبش مسلحانه پیشتاز بلافاصله در اولین گامهایش به آنی ترین و ملموس ترین گرایشات "روشنفکران (هدفهای دموکراتیک مبارزه مسلحانه، پیشتاز) و منافع و نظرات سیاسی جناح چپ خرده بورژوازی سنتی) شکل "قهرآمیز مبارزه علیه رژیم حاکم) نزدیک میشود. و متقابلا این دو قشر نیز حمایت و وابستگی فعال خود را به جنبش مسلحانه اعلام داشته و به اولین دخاثر تغذیه جنبش تبدیل میشوند.

"اما مسلما هدفهای جنبش مسلحانه پیشتاز به جلب و پشتیبانی و همکاری این اقشار که بخش بسیار کوچکی از نیروها "خلق را تشکیل میدهند، خاتمه نمییابد. مخصوصا که حمایت و همکاری این نیروها و ارتباطشان با جنبش مسلحانه بنا به "دلائلی که به ماهیت متزلزل طبقاتی آنها و به استنباطات غیر پرولتری آنها از مبارزه مسلحانه بر میگردد، همواره مشروط "و ضربه پذیر است. در واقع غیر از آن عناصر بسیار معدودی از این قبیل روشنفکران (و عناصر بسیار بسیار معدود تری از "خرده بورژوازی) که میتوانند بهند های طبقاتی را پاره کرده و بتمامه در هدفهای اساسی سوسیالیستی جنبش مسلحانه حل "شوند، بقیه آنها که اکثریت عظیمی را تشکیل میدهند، تنها در حدود درخواستهای دموکراتیک ویا منافع محدود طبقاتی "خویش پیش خواهند آمد (و لاجرم فشارهای مبارزه انقلابی را نه تا حد یک مبارزه پرولتری، بلکه تا حد همین درخواستها و "منافع تحمل خواهند کرد). بدین ترتیب، به مرور و با افزایش و تشدید قهر ضد انقلابی دشمن، یا این نیروها صفوف جنبش "را ترك خواهند کرد و یا آنرا وادار به ورود در بن بست و تاویلات محدود و انحرافی خود خواهند نمود.

"نتیجه آنکه، سازمانهای مسلح پیشتاز (یا سازمان جنبش) باید اساسیترین تکیه گاههایش را نه بر احساسات "جریحه خورده، روشنفکران از دیکتاتوری موجود، نه بر عصیان خشم آلود خرده بورژوازی چپ در مقابل هجوم نابود کنند، "بورژوازی حاکم، بلکه باید بردوش توده، تحت مستم و طبقات زحمتکش قرار دهد که رژیم هیچ گونه امکانی برای سازش با آنها " - وجد اگر نشان از جنبش انقلابی - ندارد. این طبقات با آنکه از آگاهی بسیار کمتری نسبت به طبقات متوسط "برخوردارند، اما بمجرد آنکه تئوری انقلابی بمیان آنها رسوخ کند و بعضی اینکه منافع اساسی خویش را در هدفهای "سیاسی جنبش انقلابی درك نمایند، تبدیل به چنان دژهای عظیم تسخیر ناشدنی از نیروهای انقلابی خواهند شد "که پیروزی بازگشت ناپذیر انقلاب را تضمین خواهند ساخت." (نقل از "بیانیه ...." - صفحه ۳۳/۳۲).

این نتیجه گیری عمیق از حرکت جنبش نوین انقلابی و از وظائف جنبش مارکسیستی لنینیستی و بویژه سازمانهای مسلح آن و این ارزیابی از ضرورت پیوند سیاسی و تشکیلاتی با زحمتکشان و روی آوردن آگاهانه و استوار بسوی جنبش خود-بخودی طبقه کارگر و مبارزه خلل ناپذیر و غیرقابل شکست پرولتاریا، بویژه در لحظات کنونی، در شرایط رشد مبارزات و اعتصابات کارگری، در شرایط بیداری روزافزون توده های کارگر، بیش از پیش اهمیت می یابد. در چنین شرائطی، وجود سازمانهای آگاه و مبارزان مصمم و ثابت قدمی که با درک ضرورت تلفیق مارکسیسم با جنبش کارگری، با درک ضرورت مبرم پیوند عناصر آگاه با مبارزه طبقه کارگر، با سلاح تئوری انقلابی و با پرچم مارکسیسم لنینیسم بسوی کارگران و بسوی مبارزات خود بخودی طبقه کارگر گام برمیدارند، امکانات و دورنمای گسترده ای را در برابر جنبش انقلابی و مارکسیستی میهن ما می گشاید. بدین ترتیب، جنبش نوین کمونیستی و انقلابی ایران میتواند با گامهای بلندی از حصار مستحکمی که از یکسوسیسم گسترش یافته پلیسی و از سوی دیگر ضعف جنبش میان عناصر پیشرو و توده های زحمتکش ایجاد کرده بود، عبور کند و علیرغم شرائط دشوار مبارزه سیاسی و محدودیت امکانات ارتباط با توده ها و سازماندهی پرولتاریا، بتدریج راه پیمائی بزرگ خود را آغاز نماید. بدون تردید، هرگامی در این راه، در عین حال گامیت در راه طرد انحرافات، در راه زدودن تاثیرات ایدئولوژی های غیرپرولتری و در راه تحکیم و اعتلای جنبش، استحکام ایدئولوژیکی هسته های رزمنده، روشنفکری، تصحیح مواضع و استنتاجات ناصحیح و غلبه بر انحرافات، ضعف ها و ناتوانی ها تنها میتواند طی شرکت طولانی در برانیک مستقیم پرولتاریا و خلق و در جریان پیوند استوار سازمانی و سیاسی با نیروها و سبب اصلی انقلاب تحقق یابد. (مسائل انقلاب و سوسیالیسم - ارگان گروه اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر - شماره ۱).

یکی دیگر از دستاوردهای عمده سازمان مجاهدین خلق ایران در جریان مبارزه ایدئولوژیک و تحول اخیر، مرزبندی روشن و قاطع با رویزیونیسم جهانی، بمنابۀ یک جریان ضد انقلابیست، مرزبندی عمیقی که به بیان تئوریک مشخصات رویزیونیسم معاصر محدود نبوده، بلکه به بررسی "منشاء اجتماعی و تاریخی"، "پروژه پیدایش و رشد"، "پایگاه اجتماعی" و نتایج عملی آن هم بطور عام و هم بطور مشخص، در ارتباط با رویزیونیسم خروشنجفی و سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در صحنه جهانی، و سیاست وشی "سازشکارانه، تسلیم طلبانه و کودتاگرانه" نمایندگان و مبلغین ایرانی آن یعنی درودسته خائن کمیته مرکزی حزب توده در جنبش انقلابی میهن ما، بسط می یابد.

این واقعیت که امروز در میدان نبرد انقلابی میهن ما، از درون جنبش نوین کمونیستی ایران، بار دیگر رزمندگانانی برمی خیزند که روشن تر از همیشه در برابر رویزیونیسم وطنی و جهانی، در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی قد علم میکنند، نه تنها نشاندهنده درستی این حکم داهیانۀ لنینی است که مبارزه علیه امپریالیسم، بدوم مبارزه علیه ایورتونیسم، بدون مبارزه علیه رویزیونیسم سخن پوچی پیش نیست، بلکه همچنین همین این حقیقت است که هر قدم واقعی و رشد-یابنده ای که جنبش کمونیستی ما به پیش برمیدارد، نمی تواند با مرزبندی صریح و مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم در صحنه جهانی و در عرصه ملی همراه نباشد. درواقع، برای مارکسیست لنینیست های واقعی مبارزه علیه رویزیونیسم یک موضعگیری نبوده بلکه یک ضرورت حیاتی جنبش را تشکیل میدهد. در شرائط تعرض ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی، هیچ جنبش انقلابی نمیتواند بدون حفظ هشاری انقلابی، بدون شناخت هدفها و مقاصد واقعی این جبهه ضد انقلاب، خلل ناپذیری و استحکام انقلابی خود را تضمین کند. هیچ جنبش مارکسیستی نمیتواند بقا و دوام خود را تضمین نماید مگر اینکه در پروژه آموزش و عمل انقلابی، در جریان مبارزه طبقاتی، همواره و بطور وقفه ناپذیری گرایش های التقاطی و انحرافی غیرمارکسیستی و ضد مارکسیستی و قبل از همه رویزیونیسم را از کلیه صحنه های حیات و فعالیت سیاسی، ایدئولوژیکی، تشکیلاتی و عملی خود بزداید و خود را از گزند دستبرد و تعرض آن مصون نگاهدارد. این ضرورت بویژه از اینجا ناشی میشود که رویزیونیسم جهانی به سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی به سازش و رقابت با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان بمناطق نفوذ اکتفا نکرده، بلکه تلاش دارد بطرق مختلف و بویژه از طریق سیاسی و ایدئولوژیک بدرون جنبش های آزاد ییخس و جنبش های انقلابی جهان رخنه کرده و مابهربرد از نارسائی ها، ضعف ها و مشکلات مرحله ای این جنبش ها، آنها را از نظر سیاسی / ایدئولوژیک منحرف ساخته، تحت نفوذ و سیطره خود درآورد و حتی وجهال معامله سازش با سایر قدرتهای امپریالیستی قرار دهد. لذا در چنین شرائطی، انقلابیون راستین و مارکسیست لنینیست های واقعی نمیتوانند به مقابله جدی و پایدار در برابر این خطر عظیمی که همواره جنبش را تهدید میکند برخیزند. هرگونه کم بهادان به این خطر حتی اگر با سخت ترین و خشن ترین و بیشرورترین مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم همراه باشد، در تحلیل نهائی بمنزله بازگذاشتن درهای است برای رخنه و نفوذ رویزیونیسم، برای هجوم ضد انقلاب، برای درغلتیدن جنبش انقلابی به ورطه سازش و ارتداد.

بر این اساس، هشیاری و مواضع روشن و قاطع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر رویزیونیسم و تحلیل از این پدیده "بمثابه" انحرافی.... بسمت تفکر و منافع سرمایه داری" و از سرنجام تئوریهای تسلیم طلبانه، رویزیونیست های شوروی و تبلور آن "در بازگشت به نوعی از مناسبات سرمایه داری در داخل جامعه شوروی" و "در اتخاذ نوعی سیاست امپریالیستی" و بالاخره این آگاهی عمیق و ارزیابی روشن که "رویزیونیست ها بدترین دشمنان توده ها هستند، چرا که خود را در لباس دوست می آرایند"، تضمینی واقعی در برابر رخنه و نفوذ این خطر و در تحکیم میانی ایدئولوژیک سازمان است.

بدون تردید، تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران و دستاوردهای آن برانگیزنده شور و شوق عمیق در میان کبیله مارکسیست لنینیست های واقعی و مبارزات آگاه میهن ماست. اما شک نیست که وظیفه و تعهد مارکسیست لنینیست ها در قبال این تحول بزرگ نمیتواند تنها به بیان هیجان و اشتیاق انقلابی آنان، به تهنیت و ستایش این درگونی و یا حتی پیش از آن به شمارش دستاوردها و نشان دادن اهمیت تاریخی واقعی این رخداد محدود گردد. در اینصورت چنین تجلیل و ستایشی، چنین شور و شوقی چیزی جز عبارت پردازیهای انقلابی و بیان و ارضاء احساسات آنی و گذرانخواهد بود. این شور و هیجان باید نه در تظاهر و بیان ساده، آن بلکه در میدان مبارزه و در پراتیک انقلابی تجلی یابد. بر روی تحول سازمان مجاهدین خلق باید بمنظور آموزش عمیق از آن، بمنظور روشن ساختن وظائف و تسریع حرکتی انجام گیرد. سازمان مجاهدین خلق با مبارزه ای پرشور و با انرژی انقلابی خستگی ناپذیری، مصممانه در راه آن گام نهادهاست. همراهی سازمانها و گروه های مارکسیستی و انقلابی درون کشور با حرکت سازمان مجاهدین خلق و پاسخ مثبت آنان به دعوت و راه گشائی آن، گام بزرگی در راه مستگیری صحیح جنبش، در راه بسط همه جانبه مبارزه، در راه رشد مبارزه ایدئولوژیک فعال، در راه تجمع گردانهای پراکنده، انقلاب و پاسخ به نیازهای جنبش و به مطالبات واقعی مبارزه است.

طرح "جبهه" واحد توده ای "از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، بمثابه" یک امکان تمرکز نیروهای پراکنده جنبش، در شرائطی که تمرکز بیش از پیش نیروهای دشمن و قدرت متشکلی، هماهنگی نیروهای انقلابی، غلبه بر خرد کاری و پراکندگی سازمانی را هرچه بیشتر ضروری میسازد، در شرائطی که همه نیروهای مارکسیستی و انقلابی ایران از لزوم جمع و تمرکز ساختن نیروهای پراکنده جنبش سخن میرانند ولی تصور روشنی از چگونگی و آغاز آن ندارند و یا با ارائه نقطه نظرهای نادرست، با مطلق کردن این یا آن جنبه و با گرایشات سکناریستی بجای چاره اندیشی های موثر، عملاً بر ابهامات و سردرگمی ها می افزایند، میتواند بعنوان یک راه یابی مشخص یابد. بحث مارکسیست لنینیست ها و نیروهای انقلابی ایران قرار گیرد و در روند کوشش مشترک و بموازات برداشتن گامهای عملی که بی شک باید با مبارزه ایدئولوژیک سالم و خلاق همراه باشد، مشخص و دقیق تر گردد.

مارکسیست لنینیست های ایرانی در خارج از کشور که بخاطر دوری از صحنه اصلی پیکار انقلابی و داشتن نقش ثانوی در مجموع مبارزه خلق، وظائف مارکسیستی خود را بطور عمده از طریق کمک همه جانبه به جنبش مارکسیستی درون کشور و خدمت در راه نیازمندیهای آن و ترویج مارکسیسم و شرکت فعال در مبارزات ایدئولوژیک و در طرح و بحث مسائل نظری جنبش، انجام میدهند، باید - بعنوان وظائف مارکسیستی خود - با تمام وسائل و امکانات به پشتیبانی و حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران برخاسته و به سهم خود در دفاع از دستاوردهای آن - که دستاوردهای کل جنبش کمونیستی ایران است - و در حفظ و تعمیق این دستاوردها بکوشند و این بویژه در شرائط کنونی که سازمان بیش از هر زمان آماج یورش همه جانبه رژیم دست نشانده شاه است، در شرائطی که عده های بخاطر جریحه دار شدن تمایلات و احساسات خرد بورژوائی خود و یا در معرض مخاطره دیدن منافع گروهی خویش مستقیم و غیر مستقیم در تلاش تضعیف آنند، در شرائطی که پارهای از عناصر عقب مانده مذهبی بجای وفاداری به سنن انقلابی اسلام و تکیه بر روی زمینهای مشترک مبارزه انقلابی، کینه توزی علیه سازمان مجاهدین خلق را هدف خویش ساخته اند، اهمیت خاصی می یابد و نادیده گرفتن آن بمثابه نادیده گرفتن وظائف مارکسیستی و نادیده گرفتن مسئولیت عاجلیست که امروز در برابر ما قرار دارد.

گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"

فوریه ۱۹۷۶ - بهمن ماه ۱۳۵۴

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (عملیات مسلحانه سیاهکل، پیدایش خط مشی چریکی و روحیه چریکی در میان قشر خرده بورژوازی روشنفکران).

یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

### "یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران"

تحولات نوید بخشی جنبش مارکسیستی ایران را فراگرفته و افق‌های گسترده و تابناکی در برابر آن گشوده است. "بیانیه‌ی اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران" به مثابه نتیجه و انعکاس این تحول و پیروزی بزرگ مارکسیسم-لنینیسم در صحنه پیکار انقلابی میهن ما، پیام آور این افق روشن است. دگرگونی عمیق در جهان‌بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق رویداد تاریخی مهمی است که با تأثیرات تعیین کننده‌ی خود بر مجموع جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، راه‌های اعتلاء و تکامل آتی آن را روشنی می‌بخشد. پیروزی سازمان مجاهدین خلق ایران در یافتن ریشه‌های اساسی نارسائی‌ها، در شناخت منشأ ایدئولوژیک ضعف‌ها، در طرد معیارهای کهنه و در درک ضرورت‌های نوین تاریخی و سیاسی که بر اساس تجربه و پراتیک ده سال مبارزه‌ی انقلابی، چهار سال مبارزه‌ی مسلحانه و دو سال مبارزه‌ی پیروزمند ایدئولوژیک و در دشوارترین شرایط داخلی و خارجی و در جریان پرشورترین پیکارهای انقلابی بدست آمده است، نه تنها پیروزی سازمان و رزمندگان آگاه، مصمم و وفادار آن، بلکه همچنین یک پیروزی بزرگ مارکسیسم-لنینیسم، یک پیروزی خلق زحمت‌کش ما و ضربه‌ی سهمگینی است بر پیکر مزدور شاه. این پیروزی بزرگ که قلوب همه‌ی مارکسیست-لنینیست‌های واقعی و انقلابیون راستین را گرمی می‌بخشد، نیروی محرکه‌ی قدرتمندی است در تسریع حرکت و تحول آتی و انسداد ناپذیر جنبش انقلابی خلق ما و ایجاد امکانات عملی و تضمین‌های واقعی پیشروی ظفرمند آن.

رخداد تاریخی پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در شرائطی به وقوع می‌پیوندد که یک کارزار وسیع جعل و تحریف و سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک، یورش سبعانه پلیسی و سرکوب فاشیستی رژیم شاه را همراهی می‌کند. در سال‌های اخیر، به موازات رشد جنبش انقلابی و نفوذ روزافزون اندیشه‌های مترقی و پیدایش و شکل‌گیری گروه‌ها و تشکلات متعدد مارکسیستی و انقلابی در ایران، امپریالیسم جهانی، ارتجاع بومی و بورژوازی وابسته ایران به نمایندگی دارودسته مزدور محمد رضا شاه که تجربه دیرینه تبه کاری‌های ضد انقلابی و برنامه‌ها و تدابیر گوناگون ضد کمونیستی نه تنها در ایران، بلکه همچنین در سایر نقاط جهان را توشه دارند. علاوه بر اعمال شدیدترین ترور فاشیستی، از طریق سازمان‌دادن یک کارزار پرمایه ضد کمونیستی و گسترش بی‌سابقه سرکوب سیاسی-ایدئولوژیک نیز به مقابله با اندیشه‌های انقلابی رشدیابنده، به مقابله با مارکسیسم-لنینیسم دست زده و با استفاده از کلیه جریان‌ها ضد مارکسیستی، از ترسکیسم و انحرافات گوناگون آنتی کمونیسم مشابه تا "مارکسیسم" جیره خواران تلویزیونی، به این بسیج ضد انقلابی در زمینه ایدئولوژیک، ابعاد گسترده‌ای بخشیده اند. و بالاخره این تحول در شرائطی انجام می‌گیرد که تشبثات و تبلیغات ضد انقلابی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی و عوامل ایرانی آن، دارودسته خائن "کمیته مرکزی حزب توده" علیه مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه مانوتسه دون اوج افسارگسیخته‌ای یافته و به نحو دیوانه‌واری دامن زده می‌شود. پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در چنین شرائطی به این رخداد تاریخی ویژگی و برجستگی خاصی می‌بخشد و در عین آشکار ساختن ناکامی تلاش‌های گوناگون و تعرضات ایدئولوژیک نیروهای ارتجاعی، نشانه عمق این تحول بزرگ، نشانه دست‌یابی آگاهانه و مستحکم سازمان مجاهدین خلق ایران به مارکسیسم-لنینیسم به مثابه یگانه تئوری صحیح انقلابی و تنها وسیله رهایی قطعی پرولتاریا و زحمتکشان است.

تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران به غلبه بر پندارگرایی‌های ایدئالستی، به دگرگونی مبانی فلسفی و اعتقادات ایدئولوژیک آن و قبول احکام عام مارکسیسم-لنینیسم خلاصه نمی‌گردد و دامنه آن تا زمینه‌های مختلف سیاست، برنامه و مشی سازمان گسترش می‌یابد. سمت‌گیری صحیح در پاره‌ای مسائل مهم تئوری و پراتیک جنبش مارکسیستی و انقلابی ایران، رسیدن به یک سلسله استنتاجات مهم عملی و اتخاذ مواضع عمیق و روشن در قبال رویزیونیسم جهانی به مثابه یک جریان عمده ضد انقلاب جلوه‌های دیگر این تحول و پیروزیست. دگرگونی در جهان‌بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق به سبب عمق و ابعاد بزرگ آن و از آنجا که به یک پیروزی مارکسیسم-لنینیسم در یکی از میدان‌های مهم مبارزه ایدئولوژیک محدود نمی‌گردد، بلکه در این حقیقت تجلی می‌یابد که این پیروزی در آتش پیکارهای انقلابی و در بوتۀ آزمایش و پراتیک به دست آمده و حقیقت یافته است، لاجرم در کنار ایجاد تغییرات عمیق در تناسب قوای موجود در جنبش انقلابی میهن ما و در صحنه مبارزه طبقاتی در

ایران، بر سمت‌گیری، پراتیک و مشی جنبش عمیقاً تأثیر می‌بخشد و به طور موثری به ایجاد درکی درست از مطالبات و نیازهای واقعی جنبش یاری می‌رساند.

سمت‌گیری صحیح سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت پیوند سیاسی-تشکیلاتی با زحمتکشان و جنبش خود بخودی طبقه کارگر، درک روشن ضرورت این سمت‌گیری، تلاش در شناخت و کشف قانون‌مندی‌های آن، در یافتن راه‌های عملی مشخص، در سازماندهی و فراهم آوردن وسائل موثر انجام این وظیفه مبرم و تخطی ناپذیر، یکی از تظاهرات مهم این تحول و از نتایج درخشانی است که سازمان مجاهدین خلق براساس ارزیابی مبارزات سال‌های اخیر، به ویژه مبارزات مسلحانه سازمان‌های انقلابی و به اتکاء تجارب، دستاوردها و کمبودهای اساسی این مبارزات بدان نائل آمده است. آمادگی و انعطاف انقلابی سازمان در انتقاد اصولی از ضعف‌ها، نارسائی‌ها و خطاها، در پذیرش صادقانه ضرورت‌های مبارزه، در گردن‌نهادن به "حقایق ناشی از درک عمیق‌تر منافع توده‌ها و لزوم سمت‌گیری مشخص به سمت زحمتکش‌ترین اقشار و طبقات اجتماع" (نقل از "بیانیه...") که نمونه برجسته حرکت صمیمانه از منافع والای خلق و قدرت و کیفیت سازمان در تحلیل درست واقعیت‌ها و آموزش خلاق از تجربه و پراتیک انقلابیست، امکان داد که سازمان بتواند به جای بی‌اعتنائی به واقعیت‌ها و تجارب مبارزه، به جای زنجیرشدن در حصار پراتیک محدود و اندیشه‌های التقاطی و نارسا، با خلاقیت و روشن‌بینی راه آینده خویش را روشن سازد و به موازات رشد مبارزه و تکامل سازمان گام‌های بزرگی در راه غلبه بر نواقصی که به طور عمده محصول ضعف جنبش نوین انقلابی، نارسائی‌های تئوریک و تجربه محدود و عملی آن و انعکاس مراحل کودکی سازمان، شرائط شکل‌گیری، ترکیب و کاراکتر طبقاتی عناصر تشکیل‌دهنده آن بود بردارد و به درک وسیع‌تر و عمیق‌تری از وظایف جنبش و سازمان از مبارزه مسلحانه و از پیوند با زحمتکشان نائل آید: "استنباطات امروزه مبارزه مسلمان نمی‌تواند نباید درست بر همان استنباطات محدود چهار یا پنج سال پیش، وقتی که اولین برخوردهای مسلحانه بین نیروهای پیش‌تاز خلق و دشمن به وجود آمد، منطبق باشد. این استنباطات اکنون باید بسیار پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر و ناظر بر ابعاد جدیدتری از پیشرفت همه‌جانبه کار باشد. این موضوع مصداق بارزی در سازمان ما دارد. ما در طی این دوران ابعاد جدیدتر و معنای بسیار وسیع‌تری از مبارزه مسلحانه را درک کردیم که برخورد با دشمن تنها یک بعد آنرا نشان می‌دهد". (نقل از "بیانیه... صفحه ۲۸). این حرکت رشدیابنده، استنباطات پیشرفته و درک وسیع از مبارزه مسلحانه که بر تجربه و شواهد عینی، بر جمع‌بندی از دستاوردهای جنبش نوین انقلابی ایران مبتنی است سازمان را به سوی استنتاج واقع‌بینانه از گذشته و شناخت درست وظائف کنونی رهنمون می‌سازد:

"بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که جنبش مسلحانه پیش‌تاز بلافاصله در اولین گام‌هایش به آنی‌ترین و ملموس‌ترین گرایش‌ات روشنفکران (هدف‌های دمکراتیک مبارزه مسلحانه پیش‌تاز) و منافع و نظرات سیاسی جناح چپ خرده بورژوازی سستی (شکل قهرآمیز مبارزه علیه رژیم حاکم) نزدیک می‌شود. و متقابلاً این دو قشر نیز حمایت و وابستگی فعال خود را به جنبش مسلحانه اعلام داشته و به اولین ذخائر تغذیه جنبش تبدیل می‌شوند."

"اما مسلمانان هدف‌های جنبش مسلحانه پیش‌تاز به جلب و پشتیبانی و همکاری این اقشار که بخش بسیار کوچکی از نیروهای خلق را تشکیل می‌دهند، خاتمه نمی‌یابد. مخصوصاً که حمایت و همکاری این نیروها و ارتباطشان با جنبش مسلحانه بنا به دلائلی که به ماهیت متزلزل طبقاتی آنها و به استنباطات غیر پرولتاری آنها از مبارزه مسلحانه برمی‌گردد، همواره مشروط و ضربه پذیر است. در واقع غیر از آن عناصر بسیار معدودی از این قبیل روشنفکران (و عناصر بسیار بسیار معدودتری از عناصر خرده بورژوازی) که می‌توانند بندهای طبقاتی را پاره کرده و به تمامه در هدف‌های اساسا سوسیالیستی جنبش مسلحانه حل شوند، بقیه آنها که اکثریت عظیمی را تشکیل می‌دهند، تنها در حدود در خواست‌های دمکراتیک و یا منافع محدود طبقاتی خویش پیش خواهند آمد (و لاجرم فشارهای مبارزه انقلابی را نه در حد یک مبارزه پرولتاری، بلکه تا حد همین درخواست‌ها و منافع تحمل خواهند کرد). بدین ترتیب، به مرور و با افزایش و تشدید قهر ضد انقلابی دشمن، یا این نیروها صفوف جنبش را ترک خواهند کرد و یا آنرا وادار به ورود در بن‌بستی از تمایلات محدود و انحرافی خود خواهند نمود.

نتیجه آنکه: سازمان‌های مسلح پیش‌تاز (یا سازمان جنبش) باید اساسی‌ترین تکیه‌گاه‌هایش را نه بر احساسات جریحه دار شده روشنفکران از دیکتاتوری موجود، نه بر عصیان خشم‌آلود خرده بورژوازی چپ در مقابل هجوم نابودکننده بورژوازی حاکم، بلکه باید بر دوش توده تحت ستم و طبقات زحمتکش قرار دهد که رژیم هیچ‌گونه امکانی برای سازش با آنها و جدا کردنشان از جنبش انقلابی - ندارد. این طبقات با آنکه از آگاهی بسیار کم‌تری نسبت به طبقات متوسط برخوردارند، اما به مجرد آنکه تئوری انقلابی به میان آنها رسوخ کند و به محض اینکه منافع اساسی خویش را در هدف‌های سیاسی جنبش انقلابی درک نمایند،

تبدیل به چنان دژهای عظیم تسخیرناشدنی از نیروهای انقلابی خواهند شد، که پیروزی بازگشت ناپذیر انقلاب را تضمین خواهند ساخت." (نقل از "بیانیه ... صفحه ۳۲/۳۳).

این نتیجه‌گیری عمیق از حرکت جنبش نوین انقلابی و از وظائف جنبش مارکسیستی-لنینیستی و به ویژه سازمان‌های مسلح آن و این ارزیابی از ضرورت پیوند سیاسی و تشکیلاتی با زحمتکشان و روی آوردن آگاهانه و استوار به سوی جنبش خود بخودی طبقه کارگر و مبارزه خلل ناپذیر و غیر قابل شکست پرولتاریا، به ویژه در لحظات کنونی، در شرایط رشد مبارزات و اعتصابات کارگری، در شرایط بیداری روزافزون توده‌های کارگر، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در چنین شرایطی وجود سازمان‌های آگاه و مبارزان مصمم و ثابت قدمی که با درک ضرورت تلفیق مارکسیسم با جنبش کارگری، با درک ضرورت مبرم پیوند عناصر آگاه با مبارزه طبقه کارگر، با سلاح تئوری انقلابی و با پرچم مارکسیسم-لنینیسم به سوی کارگران و به سوی مبارزات خود بخودی طبقه کارگر گام بر می‌دارند، امکانات و دورنمای گسترده‌ای را در برابر جنبش انقلابی و مارکسیستی میهن ما می‌گشاید. بدین ترتیب، جنبش نوین کمونیستی و انقلابی ایران می‌تواند با گام‌های بلندی از حصار مستحکمی که از یکسو سیستم گسترش یافته پلیسی و از سوی دیگر ضعف جنبش میان عناصر پیشرو و توده‌های زحمتکش ایجاد کرده بود، عبور کند و علیرغم شرایط دشوار مبارزه سیاسی و محدودیت امکانات ارتباط توده‌ها و سازماندهی پرولتاریا، به تدریج راه پیمائی بزرگ خود را آغاز نماید. بدون تردید، هر گامی در این راه، در عین حال گامیست در راه طرد انحرافات، در راه زدودن تأثیرات ایدئولوژی‌های غیر پرولتاری و در راه تحکیم و اعتلای جنبش: "استحکام ایدئولوژیکی هسته‌های رزمند روشنفکری، تصحیح مواضع و استنتاجات ناصحیح و غلبه بر انحرافات، ضعف‌ها و ناتوانی‌ها تنها می‌تواند طی شرکت طولانی در پراتیک مستقیم پرولتاریا و خلق و در جریان پیوند استوار سازمانی و سیاسی با نیروها و موافقین اصلی انقلاب تحقق یابد." (مسائل انقلاب و سوسیالیسم-ارگان گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" - شماره ۱).

یکی دیگر از دستاوردهای عمده سازمان مجاهدین خلق ایران در جریان مبارزه ایدئولوژیک و تحول اخیر، مرزبندی روشن و قاطع با رویزیونیسم جهانی به مثابه یک جریان ضد انقلابیست، مرزبندی عمیقی که به بیان تئوریک مشخصات رویزیونیسم معاصر محدود نبوده، بلکه به بررسی "منشاء اجتماعی و تاریخی"، "پروژه پیدایش و رشد"، "پایگاه اجتماعی" و نتایج عملی آن هم به طور عام و هم به طور مشخص، در ارتباط با رویزیونیسم خروشجفی و سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در صحنه جهانی، و سیاست و مشی "سازشکارانه، تسلیم‌طلبانه و کودتاگرانه" نمایندگان و مبلغین ایرانی آن یعنی دارودسته خائین کمیته مرکزی حزب توده در جنبش انقلابی میهن ما، بسط می‌یابد.

این واقعیت که امروز در میدان نبرد انقلابی میهن ما، از درون جنبش نوین کمونیستی ایران، بار دیگر رزمندگانی بر می‌خیزند که روشن‌تر از همیشه در برابر رویزیونیسم وطنی و جهانی، در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی قد علم می‌کنند، نه تنها نشان‌دهنده درستی این حکم دایمانه لنینی است که مبارزه علیه امپریالیسم، بدون مبارزه علیه اپورتونیسم، بدون مبارزه علیه رویزیونیسم سخن پوچی بیش نیست، بلکه هم‌چنین مبین این حقیقت است که هر قدم واقعی و رشد یابنده‌ای که جنبش کمونیستی ما به پیش برمی‌دارد، نمی‌تواند با مرزبندی صریح و مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم در صحنه جهانی و در عرصه ملی همراه نباشد. در واقع، برای مارکسیست-لنینیست‌های واقعی مبارزه علیه رویزیونیسم یک موضع‌گیری ساده نبوده، بلکه یک ضرورت حیاتی جنبش را تشکیل می‌دهد. در شرایط تعرض ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی، هیچ جنبش انقلابی نمی‌تواند بدون حفظ هشیار انقلابی، بدون شناخت هدف‌ها و مقاصد واقعی این جبهه ضد انقلاب پایداری، خلل ناپذیری و استحکام انقلابی خود را تضمین کند. هیچ جنبش مارکسیستی نمی‌تواند بقاء و دوام خود را تضمین نماید مگر اینکه در پروژه آموزش و عمل انقلابی، در جریان مبارزه طبقاتی، همواره و به طور وقفه‌ناپذیری گرایش‌های التقاطی و انحرافی غیر مارکسیستی و ضد مارکسیستی و قبل از همه رویزیونیسم را از کلیه صحنه‌های حیات و فعالیت سیاسی، ایدئولوژیکی، تشکیلاتی و عملی خود بزدايد و خود را از گزند دستبرد و تعرض آن مصون نگاه دارد. این ضرورت به ویژه از اینجا ناشی می‌شود که رویزیونیسم جهانی به سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی به سازش و رقابت با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان به مناطق نفوذ اکتفاء نکرده، بلکه تلاش دارد به طرق مختلف و به ویژه از طریق سیاسی و ایدئولوژیک بدرون جنبش‌های آزادیبخش و جنبش‌های انقلابی جهان رخته کرده و با بهره‌برداری از نارسائی‌ها، ضعف‌ها و مشکلات مرحله این جنبش‌ها، آنها را از نظر سیاسی، ایدئولوژیک منحرف ساخته، تحت نفوذ و سیطره خود در آورده و حتی وجه‌المعامله سازش با سایر قدرتهای امپریالیستی قرار دهد. لذا در چنین شرایطی، انقلابیون راستین و مارکسیست-لنینیست‌های واقعی نمی‌توانند به

مقابله جدی و پایدار در برابر این خطر عظیمی که همواره جنبش را تهدید می‌کند برنخیزند و هرگونه کم‌بها دادن به این خطر حتی اگر با سخت‌ترین، خشن‌ترین و پرشورترین مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم همراه باشد، در تحلیل نهایی به منزله بازگاردن دری یا درهائی است برای رخنه و نفوذ رویزیونیسم، برای هجوم ضد داندقلاب، برای درگلتیدن جنبش انقلابی به ورطه سازش و ارتداد.

بر این اساس، هشیاری و مواضع روشن و قاطع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر رویزیونیسم و تجلی از این پدیده "بمثابه انحرافی... به سمت تفکر و منافع سرمایه‌داری" و سرانجام تئوری‌های تسلییم‌طلبانه رویزیونیست‌های شوروی و تبلور آن "در بازگشت به نوعی از مناسبات سرمایه‌داری در داخل جامعه شوروی" و "در اتخاذ نوعی سیاست امپریالیستی" و بالاخره این آگاهی عمیق و ارزیابی روشن که "رویزیونیست‌ها بدترین دشمنان توده‌ها هستند، چرا که خود را در لباس دوست می‌آرایند"، تضمینی ناظمی در برابر رخنه و نفوذ این خطر و در تحکیم مبانی ایدئولوژیک سازمان است.

بدون تردید، تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران و دستاوردهای آن برانگیزنده شور و شوق عمیق در میان کلیه مارکسیست-لنینیست‌های واقعی و مبارزات آگاه میهن ماست. اما شک نیست که وظیفه و تعهد مارکسیست-لنینیست‌ها در قبال این تحول بزرگ نمی‌تواند تنها به بیان هیجان و اشتیاق انقلابی آنان، به تهنیت و ستایش این دگرگونی و یا حتی پیش از آن به شمارش دستاوردها و نشان دادن اهمیت تاریخی واقعی این رخداد محدود گردد. در اینصورت چنین تجلیل و ستایشی، چنین شور و شوقی چیزی جز عبارت پردازی‌های انقلابی و بیان ارضاء احساسات آبی و گذرا نخواهد بود. این شور و هیجان باید نه در تظاهر و بیان ساده آن بلکه در میدان مبارزه و در پراتیک انقلابی تجلی یابد. بررسی تحول سازمان مجاهدین خلق باید به منظور آموزش عمیق از آن، به منظور روشن ساختن وظائف و تسریع حرکتی انجام گیرد که سازمان مجاهدین خلق با مبارزه‌ای پرشور و با انرژی انقلابی خستگی ناپذیری، مصممانه در راه آن گام نهاده است. همراهی سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیستی و انقلابی درون کشور با حرکت سازمان مجاهدین خلق و پاسخ مثبت آنان به دعوت و راه‌گشائی آن، گام بزرگی در راه سمت‌گیری صحیح جنبش، در راه بسط همه‌جانبه مبارزه، در راه رشد مبارزه ایدئولوژیک فعال، در راه تجمع گردان‌های پراکنده انقلاب و پاسخ به نیازهای جنبش و به مطالبات واقعی مبارزه است.

طرح "جبهه واحد توده‌ای" از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، به مثابه یک امکان تمرکز نیروهای پراکنده جنبش، در شرائطی که تمرکز بیش از پیش نیروهای دشمن و قدرت متشکل وی، هم‌آهنگی نیروهای انقلابی، غلبه برخورده کاری و پراکندگی سازمانی را هر چه بیشتر ضروری می‌سازد، در شرائطی که همه نیروهای مارکسیستی و انقلابی ایران از لزوم جمع و تمرکز ساختن نیروهای پراکنده جنبش سخن می‌رانند ولی تصور روشنی از چگونگی و آغاز آن ندارند و یا با ارائه نقطه‌نظرهای نادرست، با مطلق کردن این یا آن جنبه و با گرایشات سکتاریستی به جای چاره‌اندیشی‌های موثر، عملاً بر ابهامات و سردرگمی‌ها می‌آفزایند، می‌تواند به عنوان یک راه‌یابی مشخص پایه بحث مارکسیست-لنینیست‌ها و نیروهای انقلابی ایران قرار گیرد و در روند کوشش مشترک و به موازات برداشتن گام‌های عملی که بی شک باید با مبارزه ایدئولوژیک سالم و خلاق همراه باشد، مشخص و دقیق‌تر گردد.

مارکسیست-لنینیست‌های ایرانی در خارج از کشور که به خاطر دوری از صحنه اصلی پیکار انقلابی و داشتن نقش ثانوی در مجموع مبارزه خلق، وظائف مارکسیستی خود را به طور عمده از طریق: کمک همه‌جانبه به جنبش مارکسیستی درون کشور و خدمت در راه نیازمندی‌های آن و ترویج مارکسیسم و شرکت فعال در مبارزات ایدئولوژیک و در طرح و بحث مسائل نظری جنبش، انجام می‌دهند، باید - به عنوان وظائف مرکسیستی خود - با تمام وسائل و امکانات به پشتیبانی و حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران برخاسته و به سهم خود در دفاع از دستاوردهای آن - که دست‌آورد کل جنبش کمونیستی ایران است - و در حفظ و تعمیق این دستاوردها بکوشند و این به ویژه در شرائط کنونی که سازمان بیش از هر زمان آماج یورش همه‌جانبه رژیم دست‌نشانده شاه است، در شرائطی که عده‌ای به خاطر جریحه دارشدن تمایلات و احساسات خرده بورژوائی خود و یا در معرض مخاطره دیدن منافع گروهی خویش مستقیم و غیر مستقیم در تلاش تضعیف‌آند، در شرائطی که پاره‌ای از عناصر عقب مانده مذهبی به جای وفاداری به سنن انقلابی اسلام و تکیه بر روی زمینه‌های مشترک مبارزه انقلابی، کینه توزی علیه سازمان مجاهدین خلق را هدف خویش ساخته‌اند، اهمیت خاصی می‌یابد و نادیده گرفتن آن به مثابه نادیده گرفتن وظائف مارکسیستی و نادیده گرفتن مسئولیت عاجلیست که امروز در برابر ما قرار دارد.

گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"

فوریه ۱۹۷۶ - بهمن ماه ۱۳۵۴

این نشریه مورخ ۱۹۷۲/۰۵/۱۸ بوده و در نشست هیات مرکزی در تاریخ ۱۹۷۲/۰۵/۲۷ تصویب شد.  
نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" - نشریه‌ی شماره ۸، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

### سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

مندرج در بخش: (عملیات مسلحانه سیاهکل، پیدایش خط مشی چریکی و روحیه چریکی در میان قشر خرده بورژوازی روشنفکران)  
نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" - نشریه‌ی ۸، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

ترازبندی فعالیت پنج سال کار و کوشش

..."

۵



...

۵- سازمان توفان یگانه سازمانی است که در باره راه قهرآمیز انقلاب ایران از یک سو با رویزیونیست های حزب توده ایران که بنا بر خصلت ضد انقلابی خود اصولاً منکر این راه اند و از هر خطای انقلابیون ایران دست آویزی برای نفی این راه میسازند مبارزه کرده و از سوی دیگر نادرستی نظریات آن عده از انقلابیونی را که عمل "قهرمانان" را بجای اقدام توده ها و تروریسم را بجای جنگ توده ای می نشانند ، باتکیه بر مواضع مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون ، نشان داده است . بویژه در شرایط کنونی ایران که خلق ما هر روز بیشتر به قهر انقلابی میکراید اهمیت اساسی مبارزه مذکور پوشیده نیست .

۶- در طی پنج سال سازمان توفان بمبارزه های آشتی ناپذیر بر علیه " سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور " که بنام مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون بر علیه مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون بر- خاسته و مروج کاستریسم و گواریسیم و نفی کننده لزوم حزب طبقه کارگر و اصول سازمانی حزب طبقه کارگر و گرفتار اپور- تونیسم در مسائل سیاسی و تشکیلاتی بود دست زده و بدون تردید نقش مهم در کوبیدن نظریات و مواضع ضد مارکسیستی این سازمان و تلاش ساختن آن داشته است .

۷- سازمان توفان توانسته است از گذشته حزب توده ایران بمثابة حزب طبقه کارگر ایران ( پیش از غلطیدن در اپوزونیسم و رویزیونیسم ) تحلیلی اگرچه مختصر و در خطوط کلی بدست دهد . قیلا ارزیابی حزب توده ایران یا از دیدگاه رویزیونیستی و یا از دیدگاه جریانان انحرافی دیگر صورت گرفته بود . ارزیابی سازمان توفان ارزیابی مارکسیستی لنینیستی است که تاحدودی برگزیده حزب طبقه کارگر ایران پرتومی افکند و میتواند کمک به رهنمائی آینده باشد .

۸- سازمان توفان در همه حال دفاع از مبارزات خلق های جهان و بویژه خلق های قهرمان هند و چین ، خلق های دلیبر فلسطین و ظفار را از وظائف مهم انترناسیونالیستی خویش شمرده و پیوسته در اجرای آن گام برداشته و در این مورد نه فقط در زمینه تبلیغات بلکه در زمینه های دیگر نیز از کلیه امکانات - اگرچه ناچیز - استفاده کرده است . سازمان توفان برای برقراری ارتباط و همکاری با نهضت های انقلابی خاورمیانه بکلیه وسائلی که در امکان اوست توسل جسته و امیدوار است که مساعی او در آینده به نتایج مطلوب برسد .

۹- سازمان توفان در همه حال به انترناسیونالیسم پر لتری وفادار بوده است . سازمان توفان در دفاع از مواضع مارکسیستی لنینیستی حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی و از جمهوری توده ای چین و جمهوری توده ای آلبانی با تمام قوا مبارزه کرده است . حملات امپریالیسم و دشمنان خلق ، دسائس آنها ، تبلیغات دروغین و گمراه کننده آنها و همچنین سرزنش دوستان اشتباه کار هرگز نتوانسته است سازمان توفان را از تعقیب سیاست اصولی انترناسیونالیستی خویش ، از روشن نگهداشتن کامل مرز میان دوست و دشمن بازدارد . سازمان توفان در اجرای همین وظیفه انترناسیون- نالیستی پیوسته بر نیروی خود اتکا حسته و استقلال فکر و عمل خود را بر اساس مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون در همه حال نگهداشته است .

۱۰- سازمان توفان در اثر فعالیت خود هم اکنون با عده ای از احزاب مارکسیستی لنینیستی در ارتباط است و بین سازمان توفان و آن احزاب کمک انترناسیونالیستی متقابل برقرار می باشد . این موفقیت بزرگی است که امیدواریم در آینده تحکیم و توسعه یابد .

۱۱- سازمان توفان پیوسته در تقویت و تحکیم و توسعه کفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی که یگانه سازمان مبارز و ضد امپریالیستی دانشجویان و محصلین ایرانی است و مبارزات افتخار آمیزی بر علیه رژیم کودتا و هرگونه استعمار انجام داده کوشیده است و بدون تردید راه نمائی های سازمان توفان و فعالیت اعضا و هواداران وی در تامین صحت خط مشی کفدراسیون و شیوه های عملی آن و تحصیل کامیابی های آن تاثیر بسزائی داشته است . بررسی مسائل عده های از کفدراسیون که در پیرامون آنها مبارزات طولانی درگیر شده و میشوند مانند جنبه صنفی و سیاسی کفدراسیون ، جنبه ملی و موکراتیک کفدراسیون ، تفاوت کفدراسیون با حزب سیاسی ، رابطه میان کفدراسیون با احزاب سیاسی ، لزوم حفظ کفدراسیون و مبارزه بر علیه انحلال آن ، اهمیت کمیت در کفدراسیون و غیره برای نشان دادن نقش مثبت و موثر سازمان توفان در تقویت و تحکیم و توسعه کفدراسیون جهانی است .

" ...

نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" - نشریه‌ی شماره ۸، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

#### ترازبندی فعالیت پنج سال کار و کوشش

...."

۵ - سازمان توفان یگانه سازمانی است که درباره‌ی راه قهرآمیز انقلاب ایران از یک سو با رویزیونیست‌های حزب توده‌ی ایران که بنا بر خصلت ضدانقلابی خود اصولاً منکر این راه‌اند و از هر خطای انقلابیون ایران دست‌آویزی برای نفی این راه می‌سازند، مبارزه کرده و از سوی دیگر نادرستی نظریات آن عده از انقلابیونی را که عمل "قهرمانان" را بجای اقدام توده‌ها و تروریسم را بجای جنگ توده‌ای می‌نشانند، با تکیه بر مواضع مارکسیسم لنینیسم و اندیشه‌ی مائو تسه دون، نشان داده است. بویژه در شرایط کنونی ایران که خلق ما هرروز بیش‌تر به قهر انقلابی می‌گراید، اهمیت اساسی مبارزه‌ی مذکور پوشیده نیست.

۶ - در طی پنج سال سازمان توفان به مبارزه‌های آشتی‌ناپذیر بر علیه "سازمان انقلابی حزب توده‌ی ایران در خارج از کشور" که به نام مارکسیسم لنینیسم و اندیشه‌ی مائوتسه دون بر علیه مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه‌ی مائو تسه دون برخاسته و مروج کاستریسم و گواریسیم و نفی‌کننده‌ی لزوم حزب طبقه‌ی کارگر و اصول سازمانی حزب طبقه‌ی کارگر و گرفتار اپورتونیسم در مسائل سیاسی و تشکیلاتی بود، دست زده و بدون تردید نقش مهم در کوبیدن نظریات و مواضع ضد مارکسیستی این سازمان و متلاشی ساختن آن داشته است.

۷ - سازمان توفان توانسته است از گذشته‌ی حزب توده‌ی ایران به مثابه‌ی حزب طبقه‌ی کارگر ایران (پیش از غلطیدن در اپورتونیسم و رویزیونیسم) تحلیلی اگرچه مختصر و در خطوط کلی به دست دهد. قبلاً ارزیابی حزب توده‌ی ایران یا از دیدگاه رویزیونیستی و یا از دیدگاه جریانات انحرافی دیگر صورت گرفته بود. ارزیابی سازمان توفان ارزیابی مارکسیستی لنینیستی است که تا حدودی بر گذشته‌ی حزب طبقه‌ی کارگر ایران پرتو می‌افکند و می‌تواند کمکی به رهنمائی آینده باشد.

۸ - سازمان توفان در همه حال دفاع از مبارزات خلق‌های جهان و بویژه خلق‌های قهرمان هندوچین، خلق‌های دلیر فلسطین و ظفار را از وظائف مهم انترناسیونالیستی خویش شمرده و پیوسته در اجرای آن گام برداشته و در این مورد نه فقط در زمینه‌ی تبلیغات، بلکه در زمینه‌های دیگر نیز از کلیه امکانات - اگرچه ناچیز - استفاده کرده است. سازمان توفان برای برقراری ارتباط و همکاری با نهضت‌های انقلابی خاورمیانه به کلیه‌ی وسائلی که در امکان اوست توسل جسته و امیدوار است که مساعی او در آینده به نتایج مطلوب برسد.

۹ - سازمان توفان در همه حال به انترناسیونالیسم پرولتری وفادار بوده است. سازمان توفان در دفاع از مواضع مارکسیستی لنینیستی حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی و از جمهوری توده‌ای چین و جمهوری توده‌ای آلبانی با تمام قوا مبارزه کرده است. حملات امپریالیسم و دشمنان خلق، دسایس آنها، تبلیغات دروغین و گمراه‌کننده‌ی آنها و همچنین سرزنش دوستان اشتباه کار، هرگز نتوانسته است سازمان توفان را از تعقیب سیاست اصولی انترناسیونالیستی خویش، از روشن‌نگه‌داشتن کامل مرز میان دوست و دشمن باز دارد. سازمان توفان در اجرای همین وظیفه‌ی انترناسیونالیستی پیوسته بر نیروی خود اتکاء جسته و استقلال فکر و عمل خود را بر اساس مارکسیسم لنینیسم و اندیشه‌ی مائو تسه دون در همه حال نگه داشته است.

۱۰ - سازمان توفان در اثر فعالیت خود هم اکنون با عده‌ای از احزاب مارکسیستی لنینیستی در ارتباط است و بین سازمان توفان و آن احزاب کمک انترناسیونالیستی متقابل برقرار می‌باشد. این موفقیت بزرگی است که امیدواریم در آینده تحکیم و توسعه یابد.

۱۱ - سازمان توفان پیوسته در تقویت و تحکیم و توسعه‌ی کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی که یگانه سازمان مبارز و ضدامپریالیستی دانشجویان و محصلین ایرانی است و مبارزات افتخار آمیزی بر علیه رژیم کودتا و هرگونه استعمار انجام داده، کوشیده است و بدون تردید راهنمائی‌های سازمان توفان و فعالیت اعضاء و هواداران وی در تأمین صحت خط مشی کنفدراسیون و شیوه‌های عملی آن و تحصیل کامیابی‌های آن تأثیر بسزائی داشته است. بررسی مسائل عمده‌ای از کنفدراسیون که در پیرامون آنها مبارزات طولانی درگیر شده و می‌شود، مانند جنبه‌ی صنفی و سیاسی کنفدراسیون، جنبه‌ی ملی و دموکراتیک کنفدراسیون، تفاوت کنفدراسیون با حزب سیاسی، رابطه‌ی میان کنفدراسیون با احزاب سیاسی، لزوم حفظ کنفدراسیون و مبارزه بر علیه انحلال آن، اهمیت کمیت در کنفدراسیون و غیره برای نشان دادن نقش مثبت و مؤثر سازمان توفان در تقویت و تحکیم و توسعه‌ی کنفدراسیون جهانی است...."

## سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" نشریه‌ی شماره ۹، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان  
مندرج در بخش: (عملیات مسلحانه سیاهکل، پیدایش خط مشی چریکی و روحیه چریکی در میان قشر خرده بورژوازی روشنفکران).

گزارش فعالیت یک‌ساله



...

طی دوازده سال گذشته در مبارزه با رژیم شاه تا کتیک جنگ چریکی شهری به  
 میان آمد. چریک‌های قهرمان در اکثریت قریب با تفاه خود زبوانان روشنفکر  
 بوده و هستند که تحمل وضع موجود تاب و توان از آنها ربوده و آنها را به تپسل به  
 مبارزه مسلح کشانیده است. به د و خصوصیت مهم این جنبش باید توجه کرد: نخست  
 اینکه آنها پس از سال‌های دراز و پیار مبارزه مسلحانه در ایران احیاء کرده‌اند  
 و این نام بی‌یقین در تاریخ برای آنها باقی خواهد ماند. دوم اینکه سربازان  
 هستند که از دل و جان صمیمانه برای آزادی و استقلال ایران ایستاده و گرفته و از پیشانی  
 خون خویش در این مبارزه نیز بیاکی ندارند. بعلا این دو خصوصیت سازمان ما به  
 این جوانان بدیده تحسین و احترام مینگرد و صمیمانه از شهادت آنان به در برده‌ها  
 غیابانی و چه در میدان‌های اعدام عمیقاً متأثر است. متأسفانه در این راه

جوانان دلیر برای مبارزه برگزیده اند راهی است که پایان آن نمیتواند ظفر بخش باشد، راهی است که دیگران سالها آن را آزموده اند و آزمودن آزموده تکرار اشتباه و خطاست. زندگی هائی که میتوانند منشا اثرات انقلابی فراوان باشند با دست جلادان رژیم خاموش میشود. سا زمان ماطی سال گذشته ضمن مقالاتی در ماهنامه توفان در عین اینکه جهات مثبت این مبارزه را استود قهرمانی و بیباکی رزمندگان را تجلیل کرد، آنها را از بیمودن این راه بر حذر داشت و کوشید مبارزه آنها را در مسیر صحیح بیندازد.

در مبارزه سیاسی سا زمان ما افشاء امپریالیسم شوروی جای خاصی دارد. دلیل این هم روشن است. اگر امپریالیسم آمریکا امروز در نظر مردم جهان پشابه مرکز ارتجاع و ضد انقلاب شناخته شده است، که البته بمعنی نفی مبارزه با آن نیست، سوسیالیسم شوروی با نقاب سوسیالیسم و شعارهای بظاهر سوسیالیستی عمل میکنند. بهمین جهت بسیاری از خلق ها و دولت ها هنوز بوی چشم امید بسته اند و "کمک" همه جانبه وی را خواها نند و نا آگاهانه زنجیر اسارت تازه ای را بگردن میگیرند. در بعضی موارد، آنها برای آزادی از یوغ امپریالیسم غرب به شوروی پناه میبرند و شاید هنوز مشعر بر این نیستند که با این طریق خود را با سارت تازه ای درمی آورند. از این لحاظ کشورهایی مانند مصر و سودان و عراق و بویژه جمهوری توده ای یمن و نهضت های طغاف و فلسطین آموخته است. در یمن هر چه پیشتر نقاب سوسیالیستی سوسیالیسم شوروی و وظیفه کلبه احزاب و سا زمان های مارکسیستی - لنینیستی و گمان جمله سا زمان ماست. بویژه که در یونیستهای حزب توده ایران میکوشند نفوذ شوروی را در زیر پرده سوسیالیسم بپوشانند. در سال گذشته جنگ هند و پاکستان که با اشاره شوروی و با سلاح شوروی روی داد و بتجزیه پاکستان منجر گردید. پدیده ای که در تاریخ بعد از جنگ دوم جهانی بی سابقه است. باری که به سا زمان ما امکان داد که چهره سوسیالیسم شوروی را نشان دهد. توفان با نظر روی یونیستهای که میخواستند تجاوزا امپریالیسم شوروی را که بوسیله دولت هند عملی شد در زیر پوشش مسئله ملی و حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش بپوشانند مبارزه کرد. اینک که پس از مسئله بنگال در مسئله بلوچستان مطرح میگردد و روی یونیستهای حزب توده ایران و همزادان نشان یعنی نویسندگان "راه اتحاد" ناگهان بدفاع از حق حاکمیت خلق بلوچ در پاکستان برخاسته اند و قصد تجزیه مجدد پاکستان را دارند صحت تحلیل سا زمان ما در مسئله بنگال در بیشتر از پیش آشکار میگردد.

در سال گذشته مسائلی که در ارتباط با استقرار رابطه سیاسی میان جمهوری توده‌ای چین و ایران پیش آمد مطرح بود. در این مسائل روش سازمان ما مبتنی بر مراعات اکید اصل انترناسیونالیستی پرلتری بود. از یک سو سازمان توفان در مواضع خود که بصحت آنها ایمان کامل دارد با فشاری کرد و از سوی دیگر به تحریکات ضد کمونیست‌ها و یا عناصری که نادانسته تحت تاثیر تبلیغات آنها قرار داشتند و هنوز بدست‌های رویزیونیست‌ها تسلیم نشده و زهر تبلیغاتی که بحیثیت انقلابی جمهوری توده‌ای چین لطمه وارد شده و از دو واقعیت وجودی آنها به‌دور می‌نمود سوسیالیسم گذشته‌دار گردانده و داری ورزید.

بالاخره رژیم شاه در سال گذشته جشن‌های دوهزار و پانصدساله را تدارک دید. سیاست سازمان ما در این زمینه نیز روشن بود. افشاگری محکم ساختن هدف جشن‌ها که جز تا بیدار کردن یک توری محمدرضا شاه چیز دیگری نبود. این نکته را باید اضافه کرد که مبارزه سیاسی سازمان ما تا کنون گسترش کافی نیافته است. سازمان ما باید بکوشد برای تماس با سازمان‌های دیگر (سازمان‌های در رژیم واقعی) از فرصت‌های مساعدی که پیش می‌آید استفاده کند. این سازمان ماست که باید در این راه، در راه همکاری همه نیروها علیه رژیم پیشقدم و پیگیر باشد، از آن‌ها کامیاب‌تر نشود. برخی از سازمان‌های ضد رژیم تا آنجا که تجربه نشان داده تمایلی به تجمع نیروها برای مبارزه نشان نمی‌دهند، جمعی که مبارزه را بدون شک و تردید ترغیب کرده و به‌جای تبادل نظر دورنمای وسیع تری برای مبارزه در برابر نیروهای انقلابی ممکن است گشوده شود. سازمان با ثبات و یاری‌داری در این امر و دعوت نیروها به همکاری در مبارزه باید وظیفه خود را بجا بیاورد. سازمان پیشرو انجام دهد و لو آنکه کوشش‌های او در این زمینه بی‌حاصل از آب درآید.

در باره زبان ماهنامه توفان گاهی انتقاداتی بعمل می‌آید. ماهنامه توفان به‌ارگان سازمان ما از همان آغاز شرایط خاص آن زمان، که رویزیونیسم بحمله وسیعی علیه مارکسیسم-لنینیسم دست زده بود، بویژه بخاطر اشاعه مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه ما توتس‌دون، بخاطر مبارزه با هرگونه انحرافی از مارکسیسم-لنینیسم، چه در تئوری و چه در عمل، و همچنین به خاطر تحلیل جامعه ایران به‌عنوان جامعه‌ای نیمه مستعمره و نیمه فئودال بوجود آمده. ماهنامه توفان ناچار است که تحلیل علمی مسائل را که برای مناظره با دشمنان و پرورش کادرها لازم است بدست بدهد. بدون ایفاء چنین وظیفه‌ای در

شرایط سرگشتگی، تئوریک و سیاسی کنونی نمیتوان حقانیت مواضع مارکسیستی  
لنینیستی سا زمان توفان را برکرسی نشانید. زبان ماهنا مه نیز در تناسب با این  
وضیفه نمیتواند جز این باشد که هست. البته در آغاز خوانندگان ماهنا مه برای دورانی  
پارهای مطالب و پارهای لغات با مشکلاتی مواجه میشدند ولی بتدریج با گذشتن زمان  
اکثون زبان ماهنا مه برای خوانندگان آن تا حدود بسیاری جا افتاده است.  
ماهنا مه مادر دوران کنونی نشریه‌ای برای توده‌های مردم، توده‌های کارگرو  
دهقان و دیگر زحمتکشان نیست. سا زمان ماهنوز در چنین مرحله‌ای هم نیست. البته  
برای توده‌های زحمتکش بایدنشریه‌ای داشت بزبان ساده که در آن دردها و خواستها  
و مطالبات توده‌ها انعکاس یابد و مبارزات روزمره آنها بپردازد، با زبانی ساده  
فشار رژیم و کوشه‌های سیاه آن را توضیح دهد و شیوه‌های مبارزه را بیاموزد. سا زمان  
ما مسلماً بموقع خود هر وقت که زمان آن فرارسد بانتشار چنین نشریه‌ای دست خواهد  
زد.

در زمینه تشکیلاتی آنچه که مربوط به سا زمان مادر خارج از کشور است  
سا زمان برای گسترش خود تلاش بیشتری بخرج داده و در راه بهبود سا زمان از لحاظ  
تشکیلاتی قدمهایی برداشته است. افزایش کمی سا زمان مادر مثال گذشته  
قابل توجه است، با وجودی که چند نفر از سا زمان کنار گذاشته شد و یا خود کناره  
گرفته اند.

سا زمان مادر میان جوانان دانشجوی خارج از کشور نفوذ بسیاری دارد  
و گسترش سا زمان میتواند بیش از این باشد که هست؛ منتها پارهای از  
رفقا بهر علت که باشد، مبالغه در پنهانکاری، گذاشتن شروط خاص برای پذیرش  
اعضاء جدید، گسترش سا زمان را مشکل میکنند. در اینجابهیچوجه قصد این نیست  
که در کار پذیرش اعضاء احتیاط لازم و پنهانکاری در نظر گرفته نشود ولی چیزی که  
هست اینست که کار را نباید آن اندازه مشکل گرفت که در سا زمان راحتی بیرونی  
علاقه مندان نباشد که میخواهند به سا زمان به پیوندند بست. افزایش اعضاء و گسترش  
سا زمان، در بهبود کار سا زمان در مجموع، تاثیر زیاد باقی خواهد گذاشت و جادارد  
رفقا با این امر توجه مبذول دارند. خطاب مادر اینجابهیچوجه بان رفقای است که  
اساساً به گسترش سا زمان نمی اندیشند و تصور میکنند که همینکه خود آنها به عضویت  
سا زمان درآمده اند کار تمام است.

سیاست سا زمان مادر قبلاً کنفدراسیون روشن است و هیئت مرکزی طی  
قطعه‌های در سال گذشته آن را توضیح داده است. سیاست سا زمان عبارت است از

دفاع و پشتیبانی بیدریغ از کنفدراسیون، کوشش خستگی ناپذیر بخاطر حفظ و حراست آن، مبارزه با هرگونه انحرافی که کنفدراسیون را با انحلال بکشانند و یا از صورت سازمان توده‌ای خارج کند. دلیل این سیاست سازمان نیز روشن است. کنفدراسیون در حال حاضر یگانهدای توده‌ای رسائی است که جنایات و خیانت‌های رژیم را به گوش جهانیان میرساند. هیچ فردی یا سازمان مبارزی نمیتواند نسبت به سرنوشت کنفدراسیون بمثابه سازمان توده‌ای بی‌علاقه باشد. طی سال گذشته سازمان با صمیمیت و دلسوزی سیاست خود را در قبال کنفدراسیون دنبال کرده است. متأسفانه بنظر ما همه اهمیت کنفدراسیون را بدرستی در نمی‌یابند یا آن را وسیله اجرای مقاصد گروهی خود قرار میدهند، یا هنوز هم بخاطر دگرگون ساختن آن از یک سازمان توده‌ای وسیع، بیک سازمان سیاسی محدود تلاش میکنند. در کلیه این حالات کنفدراسیون زیان می‌بیند، مضافاً با اینکه سازمان‌ها یا گروه‌هایی هستند که به بهانه‌های مختلف در انحلال آن میکوشند. در این میان رویز وونیست‌های حزب توده ایران آگاهانه این هدف را در برابر خود قرار داده‌اند. اما کسان دیگری نیز دانسته یا نادانسته بجای تهییج دانشجویان بمبارزه و تشویق آنان بشرکت در کنفدراسیون، روحیه آنها را تضعیف میکنند و بی‌بها به بررسی قبلی نتایج کار کنفدراسیون و پرداختن بمسائل ثانوی، جوانان را از کنفدراسیون دور میسازند. بدیهی است که غیر قانونی اعلام کردن کنفدراسیون و فعالیت سازمان امنیت چه در ایران و چه در خارج و فشار نیروهای امپریالیستی بر کنفدراسیون که برداشته آن روز بروزمی افزاید در تضعیف کنفدراسیون و دور کردن جوانان از آن نیز تأثیر دارد.

سازمان ما بمثابه پیشروترین سازمان سیاسی با ید با قاطعیت فعالیت خود را برای اجرای سیاست صحیح، سیاستی که طی قطعنامه هیئت مرکزی تعیین شده، دنبال کند، با نیروهای دیگران تلافی، آن نیروها و گروه‌ها و جنبش‌هاست کنفدراسیون و کسترش و تقویت آن را بسود مبارزات خلق‌های ایران، بسود افشاء رژیم شاه میدانند، تماس برقرار نمایند و با تبادل نظر با آنها شاید بتوان سیاست مشترکی در پیش گرفت و با همکاری یکدیگر بمورد اجرای گذاشت. ممکن است تمام کوشش‌های سازمان ما بی‌ثمر بماند ولی وظیفه ما است که تمام مساعی خود را بکار ببریم و تا آنجا که در توانائی ماست در این راه تلاش کنیم. البته در این بنظر ما نیز مانع فعالیت‌های دیگر سازمان هرگز نباید اصل پنهانکاری را از نظر فروگذار دارد و حسن و احتیاط را بدست فراموشی سپرد.

۱۰

کسانی به‌سازمان ما این نسبت‌نا روا را می‌دهند که ما گویا در فعالیت خارج از کشور و بی‌وزنه کنفدراسیون همچنان غرق شده ایم که وظیفه عمده و اساسی خود که ~~حکومت~~ حزب در عرصه ایران است فراموش کرده ایم و در نتیجه فعالیت در کنفدراسیون، کلیه اعضا، خود را، اعضای که می‌توانند در ایران منشأ اثری باشند، شناسانده ایم. این نسبت از ریشه بی پایه است. سازمان ما حتی يك لحظه هم در طول فعالیت پنج ساله خود از کوشش در انجام وظیفه عمده خود با زنا پستاده است ولی در عین حال در کنار این وظیفه عمده به فعالیت در خارج و بی‌وزنه به کار در کنفدراسیون راج گذاشته است. این کسان نه مشکلات کار احیا حزب را می‌بینند و نه اهمیت کنفدراسیون را درک می‌کنند. آنها از مبارزه سازمان ما، از اشکال این مبارزه تصور آتی دارند که نتیجه عملی آنها درست برخلاف آن چیزی است که در مخیله آنها تصور می‌کنند.

رفقای سازمان با فعالیت خود در کنفدراسیون نه تنها وظیفه خود را در قبال مبارزات خلق‌های ایران انجام می‌دهند بلکه شیوه مبارزه را نیز در شرایط مخفی می‌آموزند. کنفدراسیون مکتب مبارزه عملی است، مکتب آموختن پنهان کاری است. کار در کنفدراسیون بر رفقای ما می‌آموزد چگونه با فعالیت خود را با محیطی که در آن کار می‌کنند تطبیق داد تا از دستبرد دشمن مصون ماند. آنها می‌فکر می‌کنند بدون این مبارزه عملی و با فرا گرفتن معلوماتی کتابی می‌توان در ایران کار کرد عمیقاً در اشتباه اند. البته کار در کنفدراسیون بخصوص تا زمانی که تجربه کافی بدست نیامده، تا موقعی که رفقای سازمانی فرا نگرفته اند که در محیط کنفدراسیون باید مانند عضو کنفدراسیون، تحت برنام‌ه و شعارهای آن و با شیوه بیان خاص کنفدراسیون کار کرد، معایبی بروز می‌کند ولی این معایب با طول زمان برطرف می‌گردد. خود رفقای سازمانی با مقایسه فعالیت خود می‌کند. راسیون در حال و در گذشته به حقیقت این مطلب می‌توانند پی ببرند.

این معایب در برخی موارد معلول انتقال مبارزه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی خارج از کشور بدرون کنفدراسیون است. این عملی زیانمند است، زیرا بحال پاره‌ای از سازمان‌های سیاسی و بی‌وزنه سازمان ما. سازمان ما در بسیاری از مسائل دارای نظریات و دیدگاهی است که به هیچ وجه شباهتی با نظریات دیگران ندارد. طرح چنین مسائلی در کنفدراسیون ناگزیر زیان سازمان ما است. بخاطر بیاوریم مباحثاتی را که در درون کنفدراسیون درباره ماهیت گذشته حزب توده ایران برآه انداختند و هم اکنون با لجاجت عجیبی موضوع سیاست جمهوری توده‌ای

چین را در صحنه جهانی و بی‌وزنه در قبال دولت ایران رشا در کنفدراسیون منتشر ساخته اند.

نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل" نشریه‌ی شماره ۹، سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان  
سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل هفتم

#### گزارش فعالیت یک ساله<sup>۱</sup>

... طی دو سال گذشته در مبارزه با رژیم شاه تاکتیک جنگی چریکی شهری به میان آمد. چریک‌های قهرمان در اکثریت قریب باتفاق خود از جوانان روشنفکر بوده و هستند که تحمل وضع موجود تاب و توان از آنها ربوده و آنها را به توسل به مبارزه‌ی مسلح کشانیده است. به دو خصوصیت مهم این جنبش باید توجه کرد. نخست این که آنها پس از سال‌های دراز دو باره مبارزه‌ی مسلحانه را در ایران احیاء کرده‌اند و این نام به یقین در تاریخ برای آنها باقی خواهد ماند. دوم این که جوانانی هستند که از دل و جان صمیمانه برای آزادی و استقلال ایران اسلحه گرفته و از ریختن خون خویش در این مبارزه نیز باکی ندارند. بعلاوه این دو خصوصیت سازمان ما به این جوانان بدیده‌ی تحسین و احترام می‌نگرد و صمیمانه از شهادت آنان چه در نبردهای خیابانی و چه در میدان‌های اعدام، عمیقاً متأثر است. متأسفانه راهی که این جوانان دلیر برای مبارزه برگزیده‌اند راهی است که پایان آن نمی‌تواند ظفربخش باشد، راهی است که دیگران سال‌ها آن را آزموده‌اند و آزمودن آزموده تکرار اشتباه و خطاست. زندگی‌هایی که می‌تواند منشاء اثرات انقلابی فراوان باشد با دست جلادان رژیم خاموش می‌شود. سازمان ما طی سال گذشته ضمن مقالاتی در ماهنامه توفان در عین اینکه جهات مثبت این مبارزه را ستود، قهرمانی و بی‌باکی رزمندگان را تجلیل کرد، آنها را از پیمودن این راه بر حذر داشت و کوشید مبارز، آنها را در مسیر صحیح بیندازد.

در مبارزه‌ی سیاسی سازمان ما، افشاء امپریالیسم شوروی جای خاصی دارد. دلیل آن هم روشن است. اگر امپریالیسم آمریکا امروز در نظر مردم جهان به مثابه‌ی مرکز ارتجاع و ضد انقلاب شناخته شده است، که البته به معنی نفی مبارزه برای آن نیست، سوسیال امپریالیسم شوروی با نقاب سوسیالیسم و شعارهای به ظاهر سوسیالیستی عمل می‌کند. به همین جهت بسیاری از خلق‌ها و دولت‌ها هنوز به وی چشم بسته‌اند و "کمک" همه جانبه‌ی وی را خواهند و نا آگاهانه زنجیر اسارت تازه‌ای را به گردن می‌گیرند. در بعضی موارد، آنها برای آزادی از امپریالیسم غرب به شوروی پناه می‌برند. شاید هنوز مُشعر بر این نیستند که به این طریق خود را به اسارت تازه‌ای در می‌آورند. از این لحاظ کشورهای مانند، مصر، سودان و عراق و به ویژه جمهوری توده‌ای یمن و نهضت‌های ظفار و فلسطین آموزنده است. دریدن هرچه بیش‌تر نقاب سوسیالیستی سوسیال امپریالیسم شوروی وظیفه‌ی کلیه احزاب و سازمان‌های مارکسیستی-لنینیستی، از آن جمله سازمان ماست. به ویژه که رویزیونیست‌های حزب توده‌ی ایران می‌کوشند، نفوذ شوروی را در زیر پرده‌ی سوسیالیسم بیوشانند. در سال گذشته جنگ هند و پاکستان که با اشاره و با اسلحه‌ی شوروی روی داد و به تجزیه‌ی پاکستان منجر گردید - پدیده‌ای که در تاریخ بعد از جنگ دوم جهانی بی‌سابقه است - بار دیگر به سازمان ما امکان داد که چهره‌ی سوسیال امپریالیسم شوروی را نشان دهد. توفان با نظر رویزیونیست‌ها که می‌خواستند تجاوز امپریالیسم شوروی را که به وسیله‌ی دولت هند عملی شد، در زیر پوشش مسئله‌ی ملی و حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش بیوشانند، مبارزه کرد. اینک که پس از مسئله‌ی بنگلادش مسئله‌ی بلوچستان مطرح می‌گردد و رویزیونیست‌های حزب توده‌ی ایران و همزادانشان یعنی نویسندگان "راه اتحاد"<sup>۲</sup> ناگهان به دفاع از حق حاکمیت خلق بلوچ در پاکستان برخاسته‌اند و قصد تجزیه‌ی مجدد پاکستان را دارند، صحت تحلیل سازمان ما در مسئله‌ی بنگلادش بیش از پیش آشکار می‌گردد.

در سال گذشته مسائلی که در ارتباط با استقرار رابطه‌ی سیاسی میان جمهوری توده‌ای چین و ایران پیش آمد، مطرح بود. در این مسائل روش سازمان ما مبتنی بر مراعات اکیدا اصل انترناسیونالیستی پرولتری بود. از یک سو سازمان توفان در مواضع خود که به صحت آنها ایمان کامل دارد، پافشاری کرد و از سوی دیگر به تحریکات ضد کمونیست‌ها و یا عناصری که نادانسته تحت تأثیر تبلیغات آنها قرار داشتند و نیز به دسایس رویزیونیست‌ها تسلیم نشد و از هر تبلیغی که به حیثیت انقلابی جمهوری توده‌ای چین لطمه وارد سازد و واقعیت وجود او را به مثابه‌ی دژ نیرومند سوسیالیسم خدشه‌دارگرداند، خودداری ورزید. بالاخره رژیم شاه در سال گذشته جشن‌های دو هزار و پانصد ساله را تدارک دید. سیاست سازمان ما در این زمینه نیز روشن بود. افشاء و محکوم ساختن هدف جشن‌ها، که جز تأیید دیکتاتوری محمد رضا شاه چیز دیگری نبود.

<sup>۱</sup> - به تاریخ ژوئیه ۱۹۷۱ - ژوئیه ۱۹۷۲

<sup>۲</sup> - نشریه‌ای که توسط ژنرال پناهیان عامل سوسیال امپریالیسم شوروی و همدست حزب توده ایران در عراق برای تخریب در جنبش ضدامپریالیستی مردم ایران و ایجاد آشفتگی و رخنه به درون ایران منتشر می‌شد.

این نکته را باید اضافه کرد که مبارزه‌ی سیاسی سازمان ما تا کنون گسترش کافی نیافته است. سازمان ما باید بکوشد برای تماس با سازمان‌های دیگر (سازمان‌های ضد رژیم واقعی) از فرصت‌های مساعدی که پیش می‌آید استفاده کند. این سازمان ماست که باید در این راه، در راه همکاری همه‌ی نیروها علیه رژیم، پیش‌قدم و پی‌گیر باشد، از ناکامی‌ها دلسرد نشود. برخی از سازمان‌های ضد رژیم تا آنجا که تجربه نشان داده، تمایلی به تجمع نیروها برای مبارزه نشان نمی‌دهند. تجمعی که مبارزه را بدون شک ثمربخش‌تر خواهد کرد و چه بسا با تبادل نظر دورنمای وسیع‌تری برای مبارزه در برابر نیروهای انقلابی ممکن است گشوده شود. سازمان با ثبات و پایداری در این امر و دعوت نیروها به همکاری در مبارزه، باید وظیفه‌ی خود را به مثابه‌ی سازمان پیشرو انجام دهد، ولو آنکه کوشش‌های او در این زمینه بی‌حاصل از آب در آید.

درباره‌ی زبان ماهنامه‌ی توفان گاهی انتقاداتی بعمل می‌آید. ماهنامه‌ی توفان به مثابه‌ی ارگان سازمان ما از همان آغاز بر اثر شرایط خاص آن زمان، که رویزونیسم به حمله‌ی وسیعی علیه مارکسیسم-لنینیسم دست زده بود، به ویژه بخاطر اشاعه‌ی مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه‌ی مائوتسه دون، بخاطر مبارزه با هرگونه انحرافی از مارکسیسم-لنینیسم، چه در تئوری و چه در عمل و همچنین به خاطر تحلیل جامعه‌ی ایران به مثابه‌ی جامعه‌ای نیمه‌مستعمره و نیمه‌فئودال به وجود آمد. ماهنامه‌ی توفان ناچار است که تحلیل علمی مسائل را که برای مناظره با دشمنان و پرورش کادرها لازم است بدست بدهد. بدون ایفاء چنین وظیفه‌ای در شرایط سرگشتگی تئوریک و سیاسی کنونی نمی‌توان حقانیت مواضع مارکسیستی-لنینیستی سازمان توفان را بر کرسی نشانید. زبان ماهنامه نیز در تناسب با این وظیفه نمی‌تواند جز این باشد، که هست. البته در آغاز خوانندگان ماهنامه برای درک پاره‌ای مطالب و پاره‌ای از لغات با مشکلاتی مواجه می‌شدند ولی به تدریج با گذشت زمان، اکنون زبان ماهنامه برای خوانندگان تا حدود بسیاری، جا افتاده است.

ماهنامه‌ی ما در دوران کنونی نشریه‌ای برای توده‌های مردم، توده‌های کارگر و دهقان و دیگر زحمت‌کشان نیست. سازمان هنوز در چنین مرحله‌ای هم نیست. البته برای توده‌های زحمت‌کش باید نشریه‌ای داشت بزبان ساده که در آن دردها و خواسته‌ها و مطالبات توده‌ها انعکاس یابد و به مبارزات روزمره‌ی آنها بپردازد، با زبانی ساده فشار رژیم و گوشه‌های سیاه آن را توضیح دهد و شیوه‌های مبارزه را بیاموزد. سازمان ما مسلماً به موقع خود، هر وقت که زمان آن فرا رسد، به انتشار چنین نشریه‌ای دست خواهد زد.

در زمینه‌ی تشکیلاتی آنچه که مربوط به سازمان در خارج از کشور است، سازمان برای گسترش خود تلاش بیش‌تری به خرج داده و در راه بهبود سازمان از لحاظ تشکیلاتی، قدم‌هایی برداشته شده است. افزایش کمی سازمان ما در سال گذشته، قابل توجه است. با وجودی که چند نفر از سازمان کنار گذاشته شده و یا خود کناره گرفته‌اند.

سازمان ما در میان جوانان دانشجوی خارج از کشور نفوذ بسیاری دارد و گسترش سازمان می‌توانست و می‌تواند بیش از این باشد که هست. منتها پاره‌ای از رقفا به هر علت که باشد، مبالغه در پنهان‌کاری، گذاشتن شروط خاص برای پذیرش اعضای جدید، گسترش سازمان را مشکل می‌گردانند. در اینجا به هیچ وجه قصد این نیست که در کار پذیرش اعضا احتیاط لازم و پنهان‌کاری در نظر گرفته نشود ولی چیزی که هست، این است که کار را نباید بدان اندازه مشکل گرفت که در سازمان را، حتی به روی علاقه‌مندانی که می‌خواهند به سازمان بپیوندند بست. افزایش اعضا و گسترش سازمان، در بهبود کار سازمان در مجموع، تاثیر زیاد باقی خواهد گذاشت و جا دارد رقفا به این امر توجه مبذول دارند. خطاب ما در اینجا به ویژه به آن رفقائی است که اساساً به گسترش سازمان نمی‌اندیشند و تصور می‌کنند که همین که خود آنها به عضویت سازمان در آمده‌اند، کار تمام است. سیاست سازمان ما در قبال کنفدراسیون روشن است و هیئت مرکزی طی قطعنامه‌ای در سال گذشته آن را توضیح داده است. سیاست سازمان عبارت است از دفاع و پشتیبانی بی‌دریغ از کنفدراسیون، کوشش خستگی‌ناپذیر به خاطر حفظ و حراست آن، مبارزه با هرگونه انحرافی که کنفدراسیون را یا به انحلال بکشاند و یا از صورت سازمان توده‌ای خارج کند. دلیل این سیاست سازمان نیز روشن است. کنفدراسیون در حال حاضر یگانه صدای توده‌ای رسائی است که جنایت‌ها و خیانت‌های رژیم را به گوش جهانیان می‌رساند. هیچ فرد یا سازمان مبارزی نمی‌تواند نسبت به سرنوشت کنفدراسیون به مثابه‌ی سازمان توده‌ای بی‌علاقه باشد. طی سال گذشته سازمان ما با صمیمیت و دلسوزی سیاست خود را در قبال کنفدراسیون دنبال کرده است. متأسفانه به نظر ما، همه اهمیت کنفدراسیون را به درستی در نمی‌یابند یا آن را وسیله‌ی اجرای مقاصد گروهی خود قرار می‌دهند، یا هنوز هم بخاطر دگرگون ساختن آن از یک سازمان توده‌ای وسیع، به یک سازمان سیاسی محدود، تلاش می‌کنند. در کلیه‌ی این حالات، کنفدراسیون زیان می‌بیند. مضافاً به این که سازمان‌ها یا گروه‌هایی هستند که به بهانه‌های مختلف در انحلال آن می‌کوشند. در

این میان رویزونیست‌های حزب توده‌ی ایران آگاهانه این هدف را در برابر خود قرار داده‌اند. اما کسان دیگری نیز دانسته یا نادانسته به جای تهیج دانشجویان به مبارزه و تشویق آنان به شرکت در کنفدراسیون، روحیه‌ی آنها را تضعیف می‌کنند و به بهانه‌ی بررسی قبلی نتایج کار کنفدراسیون و پرداختن به مسائل تئوریک، جوانان را از کنفدراسیون دور می‌سازند. بدیهی است که غیر قانونی اعلام کردن کنفدراسیون، فعالیت سازمان امنیت چه در ایران و چه در خارج و فشار نیروهای امپریالیستی بر کنفدراسیون، که بر دامنه‌ی آن روز به روز می‌افزایند، در تضعیف کنفدراسیون و دور کردن جوانان از آن نیز تأثیر دارد.

سازمان ما به مثابه‌ی پیشروترین سازمان سیاسی باید با قاطعیت فعالیت خود را برای اجرای سیاست صحیح، سیاستی که طی قطعنامه‌ی هیئت مرکزی تعیین شده، دنبال کند، با نیروهای دیگر انقلابی، آن نیروهایی که حفظ و حراست کنفدراسیون و گسترش و تقویت آن را به سود مبارزات خلق‌های ایران، به سود افشاء رژیم شاه می‌دانند، تماس برقرار نماید و با تبادل نظر با آنها شاید بتوان سیاست مشترکی در پیش گرفت و با همکاری یکدیگر به مورد اجرا گذاشت. ممکن است تمام کوشش‌های سازمان بی‌ثمر بماند، ولی وظیفه‌ی ماست که تمام مساعی خود را به کار بریم و تا آنجا که در توانائی ماست، در این راه تلاش کنیم. البته در این جا نیز مانند فعالیت‌های دیگر سازمان، هرگز نباید اصل پنهان‌کاری را از نظر فرو گذارد و خرم و احتیاط را به دست فراموشی سپرد.

کسانی به سازمان ما این نسبت ناروا را می‌دهند که گویا در فعالیت خارج از کشور و به ویژه کنفدراسیون، آن چنان غرق شده‌ایم که وظیفه‌ی عمده و اساسی خود که احیای حزب در عرصه‌ی ایران است، فراموش کرده‌ایم و در نتیجه فعالیت در کنفدراسیون، کلیه‌ی اعضای خود را، اعضائی که می‌توانند در ایران منشا اثری باشند، شناسانده‌ایم، این نسبت از ریشه بی‌پایه است. سازمان ما حتی یک لحظه هم در طول فعالیت پنج ساله‌ی خود از کوشش در انجام وظیفه‌ی عمده‌ی خود، باز نایستاده است ولی در عین حال در کنار این وظیفه‌ی عمده به فعالیت در خارج و به ویژه به کار در کنفدراسیون آرج گذاشته است. این کسان نه مشکلات کار احیای حزب را می‌بینند و نه اهمیت کنفدراسیون را درک می‌کنند. آنها از مبارزه‌ی سازمان ما، از اشکال این مبارزه تصوّراتی دارند که نتیجه‌ی عملی آنها درست بر خلاف آن چیزی است که در مخیله‌ی آنها خطور می‌کند.

رفقای سازمان با فعالیت خود در کنفدراسیون نه تنها وظیفه‌ی خود را در قبال مبارزات خلق‌های ایران انجام می‌دهند، بلکه شیوه مبارزه را نیز در شرایط مخفی می‌آموزند. کنفدراسیون مکتب مبارزه‌ی عملی است، مکتب آموختن پنهان‌کاری است. کار در کنفدراسیون به رفقای ما می‌آموزد، چگونه باید فعالیت خود را با محیطی که در آن کار می‌کنند، تطبیق داد تا از دستبرد دشمن مصون ماند. آنهایی که فکر می‌کنند، بدون این مبارزه‌ی عملی و یا فراگرفتن معلوماتی کتابی می‌توان در ایران کار کرد، عمیقاً در اشتباه‌اند. البته کار در کنفدراسیون بخصوص تا زمانی که تجربه‌ی کافی بدست نیامده، تا موقعی که رفقای سازمانی فرانگرفته‌اند که در محیط کنفدراسیون باید مانند عضو کنفدراسیون تحت برنامه و شعارهای آن و با شیوه‌ی بیان خاص کنفدراسیون کار کرد، معایبی بروز می‌کند ولی این معایب با طول زمان برطرف می‌گردد. خود رفقای سازمانی با مقایسه‌ی فعالیت خود در کنفدراسیون در حال و در گذشته به حقیقت این مطلب می‌توانند پی‌ببرند.

این معایب در برخی موارد معلول انتقال مبارزه‌ی گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی خارج از کشور به درون کنفدراسیون است. این عملی زیانمند است. زیانمند به حال پاره‌ای از سازمان‌های سیاسی و به ویژه سازمان ما. سازمان ما در بسیاری از مسائل دارای نظریات و دیدگاهی است که به هیچ وجه شباهتی با نظریات دیگران ندارد. طرح چنین مسائلی در کنفدراسیون ناگزیر به زیان سازمان ماست. بخاطر بیاوریم مباحثاتی را که در درون کنفدراسیون درباره‌ی ماهیت گذشته‌ی حزب توده‌ی ایران به راه انداختند و هم اکنون با لجاجت عجیبی موضوع سیاست جمهوری توده‌ای چین را در صحنه‌ی جهانی و به ویژه در قبال دولت ایران و شاه در کنفدراسیون مطرح ساخته‌اند."

